

صد رنگ سخن، در لب خاموشی بهار است

کتابخانه



زمین سینه می گشاید و آسمان، مهربان تر از همیشه، بر جان خاک بوسه می زند و رحمت الهی، چکه، چکه، تشنگی دانه های خفته را سیراب می کند تا آدمی، ببیند و بیندیشد و قدر شناسد. قدر نعمت دیدن، خواندن و نوشتن؛ فهمیدن و به کار بستن. توری دوباره برگ برگ طبیعت در نسیم مهربان بهار مبارک باد!

شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۸۸
۲۶ ربیع الاول ۱۴۳۱، ۱۳ مارس ۲۰۱۰
شماره ۲۲۴، پیاپی ۸۷۵
صفحه ۲۰۰، تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



مهم ترین وظیفه
خانه کتاب
اطلاع رسانی است

۱۰



شکل گیری
خاستگاه
و پیشینه نوروز

۶



آموزگار
منطق صوری
در گذشت

۸

۲
• نشست
وزیر ارشاد با
مدیران کل ارشاد
استان ها برگزار شد

• فراخوان چهارمین
جایزه قیصر
امین پور اعلام شد

۳
• وودی آلن
باطنزه های دراماتیک
به ایران آمد

• رمان دختر
نخست وزیر سابق
ایراند، در ایران
منتشر شد

واپسین جایزه کتاب در سال ۸۸
آیین پایانی یازدهمین دوره جایزه کتاب فصل برگزار شد

داوری شده در این دوره به تعداد چهار هزار و ۱۵۲ کتاب رسیده اند. محمدرضا سرشار، دبیر علمی این جایزه نیز در آیین پایانی جایزه کتاب فصل، در گزارش داوری ها در این دوره گفت: «دانش، میراث مشترک بشریت است و تعصبی (در این حوزه) وجود ندارد؛ ولی ترجمه باید در حوزه هایی باشد که خلأ احساس می شود.» وی همچنین آمارى درباره تنوع آثار تالیف و ترجمه در این دوره ارائه کرد و گفت: «پس از بررسی های اولیه ۱۹۸ اثر به مرحله دوم داوری ها راه یافتند و در نهایت ۱۴ اثر به عنوان آثار برگزیده انتخاب شدند که از این میان ۶ اثر تالیفی بوده و هشت اثر از زبان های دیگر ترجمه شده اند.»

در این دوره از جایزه کتاب فصل ۳۸ کتاب به عنوان آثار شایسته تقدیر انتخاب شدند که از میان آنها ۲۰ اثر تالیف، ۱۵ اثر ترجمه و دو اثر نیز تصحیح و تحقیق اند. در آیین پایانی جایزه کتاب فصل پاییز ۸۸، برخی از برگزیدگان نیز سخنرانی کردند. حجت الاسلام دکتر سید مصطفی محقق داماد که کتاب وی با عنوان «نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلام» به عنوان اثر شایسته تقدیر معرفی شد، از جمله این سخنرانان بود. وی در بخشی از سخنانش گفت: «این کتاب بیستمین اثر تالیفی من به شمار می آید که به بحث تعهدات در فقه اسلامی می پردازد، چرا که تاکنون چندان توجهی نسبت به این حوزه نشده است.»

ادامه در صفحه ۲

سرآغاز
نعمت لبخند

لبخند، موهبت و نعمتی است از خالق که خود، بهترین ها را برای بندگانش می خواهد؛ و بهار، لبخند بی منت طبیعت است بر چهره های عبوس مردمانی که روزها و لحظه هایشان را یکی پس از دیگری، در کویر روزمرگی به دست خود قربانی کرده اند. کجا سراغ دارید مطاعی را که اینقدر ارزان، راحت و کار آمد، دل و جان خریدارش را تسخیر کند؟

بهار فصل لبخند است، لبخند به نعمت هایی که داریم و از یاد برده ایم؛ لبخند به دوستانی که ریخته اند دور و برمان و نمی بینمشان. فصل لبخند به «یار مهربان» است؛ یاری که یک سال منتظر مان نشسته تا در ایام نوروز، غبار از تن و جانش بگیریم و به سطر سطر کوچه باغ هایش سرک بکشیم و دل و جانمان را صیقل دهیم. شک نکنیم، صورت هایی که زیر قطره قطره واژگان بهاری کتاب، بارانی می شوند، حتما زیباتر می مانند.

به کتاب هایمان لبخند بزنیم، بعضی هایشان یک سال است که منتظرند!

مانمی گویم شما جلوی کتاب بیهوده را بگیرد، نه. معلوم نیست که ما چنین حقی داشته باشیم که اگر یک کتاب بیهوده است - البته مضر نیست - جلوش را بگیریم. امکانات کشور هم الان آنقدر محدود نیست که نتوانیم به بیهوده ها برسیم. بنابراین، جلوش را نمی گیریم. اما شما سعی کنید که کتاب بیهوده را کتاب مفید و بهره دار بکنید، تا کتاب های کیفی به دست مردم برسد. این گونه کتاب ها اهمیتی ندارند و صد جلد آن، مثل هیچ است. یعنی نمی شود اینها را حقیقتاً در آمار کتاب آورد؛ مگر آن وقت که بخواهیم بگویم چه قدر کاغذ مصرف کرده ایم؛ که در آنجا، این آمارها خواهد آمد.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست اندر کاران برگزار می‌گردد؛ ۷۵/۷/۳۰

آیین پایانی یازدهمین دوره جایزه کتاب فصل برگزار شد

ادامه از صفحه اول

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر صادقی رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی دیگر سخنران این آیین بود که از توجه به تلاش و پشتکار و استفاده از استعداد های موجود در کشور سخن گفت.

مجید عمیق نیز که اثرش در حوزه کودک و نوجوان به عنوان اثر برگزیده این دوره معرفی شده بود، در سخنانی انتقادی از شیوه برخی از ترجمه ها گفت: «ترجمه، هم آفت و هم موهبت است. اگر می خواهیم کتابی را ترجمه کنیم و اشراف کافی نسبت به آن نداشته باشیم، باید خود را از کار ترجمه کنار بکشیم.»

محمد حسین ساکت که کتاب «اعلام الوری بأعلام الهدی: زندگانی چهارده معصوم» تالیف ابوعلی فضل بن حسن طبرسی را ترجمه کرده است نیز در سخنانی گفت: «کتابی که درباره زندگی پیامبر (ص) و چهارده معصوم، تالیف آیت الله طبرسی ترجمه کرده ام، صرفاً تصحیح نیست و این ترجمه اهمیت زیادی دارد.» در پایان، پدید آورندگان آثار برگزیده و شایسته تقدیر، جوایز خود را دریافت کردند و عکس یادگاری گرفتند. فهرست کامل برگزیدگان یازدهمین دوره جایزه کتاب فصل را در صفحه ۲۳ ببخوانید.

بندرعباس، سال جدید را با یاد یار مهربان آغاز می کند

نمایشگاه کتاب «یاد یار مهربان» که با هدف تجهیز کتابخانه های مدارس برگزار می شود، نیمه دوم فروردین سال ۸۹ در استان هرمزگان برگزار خواهد شد و ۵۰ درصد هزینه کتاب هایی را که از نمایشگاه یاد یار مهربان برای تجهیز کتابخانه های مدارس خریداری می شوند، معاونت فرهنگی وزارت ارشاد پرداخت می کند.

پس از برگزاری این نمایشگاه در شهرهایی چون تهران و شیراز، این نخستین بار است که نمایشگاه یاد یار مهربان در بندرعباس برگزار می شود.

موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران برپایی نمایشگاه یاد یار مهربان بندرعباس را برعهده دارد و کارهای مقدماتی برگزاری آن را آغاز کرده است. این نمایشگاه با همکاری استانداری هرمزگان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بندرعباس و آموزش و پرورش هرمزگان برپا خواهد شد.

به طور معمول ۵۰ درصد هزینه کتاب هایی که از نمایشگاه یاد یار مهربان برای تجهیز کتابخانه های مدارس خریداری می شوند، به عهده معاونت فرهنگی وزارت ارشاد است و الباقی از منابع استانی تامین می شوند.

وزیر ارشاد خطاب به مدیران کل ارشاد استان ها:

هر جا شبهه ای ایجاد شد، سریع به آن پاسخ دهید

گسترده ای از کتابخانه ها، کانون های مساجد و... را در کشور سامان دهیم.

حسینی همچنین خواستار حضور پررنگ تر و موثرتر مدیران کل ارشاد استان ها در برپایی جشنواره های فیلم، موسیقی، هنرهای تجسمی سراسری در استان ها و شهرستان ها و تمرکززدایی از تهران شد. وی در پایان سخنان خود با اشاره به اهتمام دولت در خدمت رسانی و اجرای عدالت در کشور، خواستار توجه ویژه به وضعیت استخدامی و رفاهی پرسنل و نیروی انسانی این وزارتخانه شد.

وزیر ارشاد همچنین هفته گذشته در دیدار با ابراهیم بن عبدالرحمن المغصیب، سفیر جدید قطر در ایران با اشاره به علاقه مندی مردم قطر به فراگیری زبان فارسی، از آمادگی ایران برای برگزاری کرسی زبان فارسی در دانشگاه های آن کشور خبر داد.

وی در این دیدار قطر را کشوری دوست، همسایه و مسلمان با مشترکات فرهنگی بسیار خواند و علاقه مندی جمهوری اسلامی ایران را به گسترش روابط با این کشور اعلام کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تعامل ایران و قطر را فرصت مناسبی برای توسعه و گسترش روابط فرهنگی دو کشور در زمینه های برگزاری نمایشگاه های هنرهای تجسمی، هفته های فرهنگی و اکران فیلم دانست. همچنین در ادامه این دیدار، سفیر جدید قطر در ایران، نامه کتبی «حمد بن عبدالعزیز الکواری» وزیر فرهنگ، هنر و میراث فرهنگی کشورش را مبنی بر درخواست دیدار از جمهوری اسلامی ایران برای بررسی راه های تحکیم روابط همکاری فرهنگی دو کشور به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران تسلیم کرد.



ارشاد اسلامی با نمایندگان مجلس شورای اسلامی تاکید کرد و گفت: با ارائه برنامه و طرح های فرهنگی می توان در جذب اعتبار برای استان ها و شهرستان ها اقدام کرد و برای تحقق بهتر آن، ضروری است مدیران نمایندگان مجلس راینی و همفکری مستمر داشته باشند.

حسینی با بیان اینکه گاهی فضا سازی ها و شبهه افکنی های بی مورد، فعالیت های ارزشمند را تحت شعاع خود قرار می دهد، از مدیران کل ارشاد استان ها خواست نسبت به شبهات پیش آمده پاسخگو باشند و در صدد رفع آن برآیند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به وجود استعدادها و ظرفیتهای ناشناخته فراوان و نیروهای ارزشی، متعهد و پاینده در استان ها و شهرستان های کشور اشاره کرد و از مدیران این وزارتخانه خواست تا زمینه شکوفایی این استعدادها را در زمینه های فرهنگی و هنری فراهم کنند.

وی با اشاره به قرارداد منعقد شده بین این وزارتخانه با معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری گفت: ۱۰ میلیارد تومان در اختیار قرار می گیرد تا شبکه

دکتر سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشست مشترک مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ها، معاونان و روسای سازمان های این وزارتخانه که هفته گذشته برگزار شد گفت: یکی از انتقادات نداریم؛ اما گاهی بی انصافی می شود و یک کار ارزشمند فرهنگی تحت الشعاع یک نکته جزئی قرار می گیرد و در همه سایت ها و رسانه ها بازتاب داده می شود، لذا هر جا شبهه ای ایجاد شد، سریعاً بدان پاسخ دهید.

حسینی با بیان اینکه خوشبختانه در این سال پر تلاطم، برنامه ها و رویدادهای فرهنگی و هنری با همت عالی مدیران وزارتخانه به ثمر رسیده اند، افزود: در سال جدید فعالیت ها با جدیت بیشتری پیگیری می شوند.

وی به فرموده مقام معظم رهبری در جمع راینان فرهنگی که بیان داشتند «اقتدار حقیقی، اقتدار فرهنگی است» و «انزوای حقیقی، انزوای فرهنگی است» اشاره و تصریح کرد: اگر در همه ابعاد اقتصادی و سیاسی در سطوح داخلی و بین المللی پیشتاز باشیم، ولی در بعد فرهنگی ضعیف عمل کنیم، محکوم به شکستیم.

حسینی با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، مسوولیت مدیران این وزارتخانه را بسیار سنگین توصیف کرد و با اشاره به افزایش کل اعتبارات فرهنگی در کشور و روحیه همکاری و مساعدت در مجموعه دولت، خواستار اهتمام جدی تر مدیران و مسوولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تحقق اهداف فرهنگی شد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه سخنان خود بر ارتباط و همفکری گسترده مدیران کل فرهنگ

با اعلام فراخوان

چهارمین جایزه قیصر امین پور آغاز به کار کرد

فراخوان و شرایط شرکت در چهارمین دوره جایزه «کتاب سال شعر جوان» (جایزه قیصر امین پور) توسط دفتر شعر جوان اعلام شد. شاعران جوانی که در سال ۱۳۸۸ مجموعه شعر را منتشر کرده اند می توانند در این جایزه شرکت کنند.

ریحان ریحانی، مسئول دبیرخانه «چهارمین دوره کتاب سال شعر جوان» درباره شرایط شرکت در این دوره از جایزه کتاب سال شعر جوان گفت: «شاعران جوان تا سقف سنی ۳۰ سال که در سال ۱۳۸۸ مجموعه شعری منتشر کرده اند می توانند در این جایزه شرکت کنند.» علاقه مندان و افرادی که شرایط شرکت در جایزه را دارند می توانند تا پایان خرداد ۱۳۸۹ پنج نسخه از کتاب خود را به انضمام تصویر کارت ملی شان به نشانی دبیرخانه «چهارمین دوره کتاب سال شعر جوان» ارسال کنند.

ریحانی به دو مرحله داور آثر طبق روال دوره های پیشین این جایزه اشاره و تصریح کرد: «پس از دوری آثار رسیده به دبیرخانه جایزه کتاب سال شعر جوان در دو مرحله، هفت اثر برتر برای مرحله نیمه نهایی این جایزه انتخاب و طی جلساتی در دفتر شعر جوان نقد و بررسی می شوند.» وی افزود: «مراسم اختتامیه «چهارمین دوره جایزه کتاب سال شعر جوان» آبان ۱۳۸۹ همزمان با هفته کتاب برگزار می شود.»

دفتر شعر جوان در راستای اهداف و سلسله برنامه های خود از جمله شناسایی استعدادها و ارتقای سطح شعری شاعران جوان که زیربنای شعر و آینده شعر کشور هستند، اقدام به برگزاری جایزه کتاب سال دفتر شعر جوان کرده است. تاکنون سه دوره از «جایزه کتاب سال شعر جوان» (جایزه قیصر امین پور) برگزار شده است. دو دوره نخست این جایزه به صورت دوسالانه برگزار شد و از سومین دوره برگزاری آن به صورت سالانه برگزار می شود.

بنابر فراخوان دفتر شعر جوان، علاقه مندان به شرکت در چهارمین دوره «جایزه کتاب سال شعر جوان» می توانند تا پایان خرداد ۱۳۸۹ پنج نسخه از اثر خود را به دبیرخانه جایزه کتاب سال، واقع در خیابان دکتر شریعتی، خیابان شهید کلاهدوز، نبش خیابان نعمتی، ارسال کنند.

برنامه هفتگی سرای دائمی اهل قلم

سرای دائمی اهل قلم، این هفته با دو برنامه به کار خود در سال ۱۳۸۸ پایان می دهد. براساس اعلام روابط عمومی سرای اهل قلم، شنبه ۲۲ اسفند در این مرکز، کتاب «جان جهان» با حضور پرویز عباسی داکانی، احسان عباسلو و هاله ناظمی نقد می شود.

سرای اهل قلم همچنین یکشنبه برای نقد و بررسی کتاب «جان جهان» نوشته سعید روح افزا، میزبان مهدی کاموس، علی محمد رفیعی، سعید روح افزا و علی الله سلیمی است. هر دو نشست سرای اهل قلم از ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه به مدت دو ساعت برگزار می شوند. سرای دائمی اهل قلم در خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ قرار دارد و شرکت در نشست های این مرکز برای عموم آزاد است.

فراخوان دوازدهمین دوره جایزه کتاب فصل



دبیرخانه جایزه کتاب فصل برای حمایت از کتاب های برتر و تشویق محققان، مولفان، مترجمان و مصححان متعهد و شایسته کشور و برای ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی در کشور، دوازدهمین دوره جایزه کتاب فصل (زمستان ۱۳۸۸) را برگزار می کند. از ناشران، مولفان، مترجمان و مصححان محترم دعوت می شود آثار خود را که برای نخستین بار در زمستان ۱۳۸۸ منتشر شده اند، تا بیستم فروردین ۱۳۸۹ به دبیرخانه این جایزه به نشانی تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان برادران مظفر و فلسطین جنوبی، شماره ۱۰۸۰، موسسه خانه کتاب، طبقه ۲(-) ارسال یا با شماره ۶۶۹۶۶۲۱۹ و تلفکس ۶۶۹۶۶۲۱۸ تماس حاصل کنند.

فراخوان بیمه نویسندگان اعلام شد

متن فراخوان صندوق حمایت از نویسندگان، روزنامه نگاران و هنرمندان برای بهره مندی از بیمه تکمیلی سال ۸۹ اهالی قلم منتشر شد. این بیمه تکمیلی با حمایت خانه کتاب توسط صندوق حمایت از نویسندگان، روزنامه نگاران و هنرمندان اهدا می شود.

در این فراخوان آمده است: «علاقه مندان می توانند با در دست داشتن مدارک تا تاریخ ۱۲ اسفند سال جاری (۸۸) به نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین فلسطین و صبای جنوبی، شماره ۱۰۸، موسسه خانه کتاب، طبقه اول، واحد اهل قلم، مراجعه کرده یا با شماره ۶۶۴۱۴۹۵۰ داخلی ۲۹۴ تماس بگیرند.»

جزئیات این فراخوان و فهرست مدارک مورد نیاز برای دریافت بیمه تکمیلی در سایت خبرگزاری کتاب ایران به نشانی اینترنتی www.ibna.ir منتشر شده است.

رییس جمهور هندوراس کتاب می نویسد

رییس جمهور سابق و برکنار شده هندوراس قصد دارد کتابی درباره وقایع منتهی به برکناری اش از قدرت در سال گذشته بنویسد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از آسوشیتدپرس، مانوئل زلایا، رئیس جمهور سابق هندوراس که سال گذشته در پی کودتایی نظامی از کار برکنار شد قصد دارد در کتابی جدید از اسرار پشت پرده کودتای کشورش پرده بردارد. زلایا در یک مصاحبه تلویزیونی در ونزوئلا گفت که نخبگان تجاری هندوراس در پشت کودتای نظامی سال گذشته هندوراس بوده اند؛ کودتایی که ضمن برکناری زلایا باعث تبعید او هم شد.

زلایا در این مصاحبه گفت که نخبگان تجاری از تصمیم او برای الگو برداری از سیاست های سوسیالیستی هوگو چاوز، رئیس جمهور ونزوئلا به شدت می ترسیدند و از تصمیم دولت او برای در اختیار گرفتن پایانه های نفتی هراس داشتند. مقامات هندوراس معتقدند تلاش زلایا برای برگزاری همه پرسی به منظور تغییر قانون اساسی، باعث خلع ید او از قدرت شده است.

وی یکشنبه هفته گذشته اظهار امیدواری کرد که ظرف سه ماه آینده کتابی درباره دلایل و عوامل برکناری خود از قدرت به رشته تحریر درآورد.

عوارض جانبی طنز نویسی عینکی وودی آلن باطنزهای دراماتیک به ایران آمد



مجموعه طنزهای دراماتیک وودی آلن با عنوان «عوارض جانبی» با ترجمه لادن نژاد حسینی منتشر شد. به گفته مترجم وودی آلن در داستان های این کتاب روابط خانوادگی و سرنوشت انسان را دستمایه طنز قرار داده است.

نژاد حسینی مترجم «عوارض جانبی» درباره این مجموعه گفت: «داستان های مجموعه بیشتر اجتماعی است و طنز آن روابط خانوادگی و سرنوشت انسان را بیان می کند. این کتاب به شکل غیرمنتظره عقاید فلسفی وودی آلن را در قالب داستان بیان می کند. وی ادامه داد: «داستان های آلن مخاطب را با کشمکش واقعی زندگی مواجه می کند و معمولاً پایان خوشی دارد. داستان های او خواننده را با پرسش های متعدد رها می کند؛ پرسش هایی که افراد در زندگی تا مدت ها درگیر پاسخ دادن به آنها هستند.»

در کتاب «عوارض جانبی» داستان های «بادنیدل من»، «محکوم»، «دریغ از سرنوشت»، «خطریشقاب پرنده ها»، «توجیه بنده»، «فصل کاکلماس»، «سخنرانی من برای فارغ التحصیلان» و «رژیم» از وودی آلن منتشر شده است. «عوارض جانبی» برگردان کتاب «side effect» است که نسخه اصلی آن سال ۱۹۷۵ میلادی منتشر شده است. اکثر داستان های این مجموعه قبل از انتشار به صورت کتاب در نشریات مختلفی چون «نیویورک تایمز»، «نیویورکر» و «نیو ریپابلیک» چاپ شده اند.

این اثر با ترجمه لادن نژاد حسینی در شمارگان ۲۵۰۰ نسخه منتشر شده و با قیمت ۲۶۰۰ تومان از سوی نشر بیدگل به فروش می رسد. وودی آلن اول دسامبر سال ۱۹۳۵ میلادی در بروکلین نیویورک متولد شد. وی دو بار به عنوان فیلمنامه نویس و یک بار برای کارگردانی به جایزه سینمایی اسکار دست یافته و بارها برای این جایزه کاندیدا شده است که از این نظر رکورد دار است. اما او هرگز برای دریافت جایزه خود در مراسم اسکار حضور نیافته و عقیده دارد رقابت در عرصه هنر کاملاً بی معناست.

از این نویسنده تاکنون کتاب ها و فیلمنامه هایی چون «آنی هال»، «مرگ در می زند»، «پایان هالیوودی»، «مانهاتان» و «کنت دراکولا» به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده اند.

«جنگل نروژی» هاروکی موراکامی فیلم می شود

فیلمی اقتباسی براساس رمان «جنگل نروژی» اثر هاروکی موراکامی، نویسنده ژاپنی تامه آینده میلادی در ژاپن به نمایش عمومی در خواهد آمد.

رمان بلند «جنگل نروژی» از معروف ترین آثار این نویسنده ژاپنی است. وی این کتاب را سال ۱۹۸۷ منتشر کرده است. این رمان بازگویی همه تجربیات دهه ۶۰ جهان در محدوده توکیو و از زاویه دید «تورو واتاناب» است. از تظاهرات خیابانی و نگرانی های دانشجویان گرفته تا عشق های بی فرجامی که در این میان تجربه می شود. این رمان در حقیقت انتقال ژاپن از همه مفاهیم مورد توجه آن دوره خطیر که با پشت سر گذاشتن یک جنگ خاتمان سوز بروز کرده بود و گذار به زندگی امروز را بیان می کند.

موافقت ساخت این فیلم سال گذشته و پس از سال ها مذاکره و رقابت تهیه کنندگان مختلف سینمایی با هاروکی موراکامی، حاصل شد. تران آن هونگ، کارگردان فرانسوی - ویتنامی که متولد ویتنام



www.ibna.ir

در «ایبنا» بخوانید

بامراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دست یابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

«کتاب فصل» و برگزیدگانش

آیین پایانی یازدهمین دوره جایزه کتاب فصل سه شنبه ۱۸ اسفند در سرای دائمی اهل قلم برگزار شد. در این مراسم، علاوه بر برخی از مسئولان جایزه، عده ای از برگزیدگان کتاب فصل هم سخنرانی کردند.

«ایبنا» علاوه بر پوشش خبری و تصویری آیین پایانی جایزه کتاب فصل، با عده ای از برگزیدگان این جایزه هم گفت و گو کرده که از جمله این افراد می توان به شراره کامرانی، شاعر و برگزیده بخش شعر یازدهمین دوره جایزه کتاب فصل اشاره کرد.

وی در گفت و گو با ایبنا درباره جایزه کتاب فصل گفته است: «فاصله کوتاه زمانی میان چاپ اثر و بررسی آن در جایزه کتاب فصل به معنی آثار شایسته آن فصل و شناخته شدن مولفان آن آثار کمک شایانی می کند.» این شاعر همچنین در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که وضعیت شعر امروز، به ویژه شعر سپید را چگونه ارزیابی می کند گفته است: «شعر کهن فارسی سابقه ای هزار ساله دارد. اما خوشبختانه شعر نو با وجود آنکه فقط حدود نیم قرن از عمرش می گذرد نیز توانسته مخاطب خود را پیدا کند و در جامعه ادبی جایگاه ویژه ای داشته باشد.»

مشروح گزارش آیین پایانی یازدهمین دوره جایزه کتاب فصل و گفت و گو با برگزیدگان این جایزه را هم در اینجا بخوانید.

«ایبنا»، مرجع اخبار کتاب های دفاع مقدس

سردار داوود غیثی راد، معاون روابط عمومی و تبلیغات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، در گفت و گویی با «ایبنا» از توافقی با خبرگزاری کتاب خیر داده است که به موجب آن اخبار مربوط به کتاب و ادبیات پایدار از طریق این خبرگزاری به عنوان مرجع انعکاس اخبار مربوط به کتاب منتشر خواهد شد.

وی همچنین از اهداف تشکیل کانونی به نام «کانون خبرنگاران دفاع مقدس» سخن گفته و درباره همکاری این کانون به ایبنا گفته است: «بر همین اساس، معرفی بیش از پنج هزار عنوان کتاب دفاع مقدس منتشر شده از آغاز جنگ تحمیلی تاکنون، به عنوان بخشی دیگر از همکاری کانون خبرنگاران دفاع مقدس با این خبرگزاری، توسط «ایبنا» در اختیار مخاطبان قرار خواهد گرفت.» متن کامل اظهارات سردار غیثی راد در اینجا بخوانید.

اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی و صفحه عربی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته تحولات کتابی و اخبار آمار انتشار کتاب در حوزه های مختلف در ایران، مهم ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست های سرای دائمی اهل قلم و انتشار تازه ترین کتاب های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را منتشر کردند. از جمله این موارد گزارش آیین پایانی یازدهمین جایزه کتاب سال و معرفی برگزیدگان این جشنواره است.

نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند، گفت و گوهایی با پدید آورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه ترین خبرها و گزارش ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل هایی بر کتاب های جدید، از دیگر مطالبی است که می توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران به آنها دسترسی داشت.

اولین ترجمه فارسی از نویسنده ایرلندی

رمان دختر نخست وزیر سابق ایرلند در ایران منتشر شد

را پیدا کند.

سسلیا آهرن، نویسنده این کتاب، نخستین فرزند تاوسیچ برتی آهرن، نخست وزیر سابق ایرلند است.

وی قبل از آغاز نویسندگی به شکل حرفه ای تحصیلاتش را در رشته روزنامه نگاری و ارتباطات تصویری به پایان رساند. او در سال ۱۹۸۱ متولد شد و اولین رمانش را با نام «پیوست نامه: دوست دارم» در ۲۱ سالگی منتشر کرد. این کتاب در اروپا و آمریکا در فهرست پرفروش ترین آثار قرار گرفت. در سال ۲۰۰۷ هم فیلمی براساس این کتاب با کارگردانی ریچارد لاگراونیس توسط شرکت «برادران وارنر» ساخته شد و روی پرده رفت.



آهرن قبل از انتشار «هیچ جا مثل اینجا نیست» سه رمان دیگر با نام های «جایی که رنگین کمان به پایان می رسد»، «اگر حالا می توانستی مرا ببینی» و «پیوست نامه: دوست دارم» منتشر کرده است. «هیچ جا مثل اینجا نیست» تاکنون به ۴۶ زبان ترجمه شده و فروش بالایی در بازار جهانی کتاب به دست آورده است. از این نویسنده علاوه بر این رمان، چندین داستان کوتاه هم با نام های «لحظه ها»، «خلاصه»، «شیرین» و «خانم بیبی» منتشر شده است.

ترجمه هدیه منصور کیایی از «هیچ جا مثل اینجا نیست» که به ۵۵ بخش تقسیم شده، در ۳۷۹ صفحه و با قیمت هشت هزار تومان منتشر شده است.

رمان «هیچ جا مثل اینجا نیست» اثر سسلیا آهرن، نویسنده جوان ایرلندی و دختر نخست وزیر سابق ایرلند، به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد. این کتاب را هدیه منصور کیایی به فارسی ترجمه کرده و ترجمه او توسط موسسه انتشاراتی نوروز هنر روانه بازار کتاب ایران شده است.

آهرن رمان «هیچ جا مثل اینجا نیست» را سال ۲۰۰۶ میلادی با نام «Called Here a place» (جایی به نام اینجا) منتشر کرده است. این اثر دو سال بعد، هنگامی که در آمریکا منتشر شد تغییر نام داد و با نام «place like here» (هیچ جا مثل اینجا نیست) منتشر شد.

این اثر از زمان انتشار تاکنون یکی از پرفروش ترین رمان های زبان انگلیسی است و یک سریال تلویزیونی با همین نام با اقتباس از این کتاب در دست ساخت است. «هیچ جا مثل اینجا نیست» چهارمین رمان آهرن، نویسنده ۲۹ ساله ایرلندی است.

آهرن در رمان «هیچ جا مثل اینجا نیست» داستان دختری به نام «سندی شرت» را نقل می کند. سندی از ۱۲ سال قبل که همکلاسی اش ناپدید شد، دچار وسواس شدید برای یافتن اشیا و افراد گمشده است. همین وسواس شغل آینده او را تعیین می کند. کارمند اداره پلیس و مسئول پرونده مفقودین. او همه زندگی اش را وقف مردمی می کند که به او امید بسته اند تا اعضای خانواده شان



آموزگار منطق صوری در گذشت



آثار

- منطق صوری** (جلد اول)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
- مختارات من الأدب الحدیث** (با همکاری مرحوم دکتر محمد خزائلی)، تهران: انتشارات احمد علمی، ۱۳۴۳.
- منطق صوری** (جلد دوم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
- صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب**، تهران: ناهید، ۱۳۸۲.
- ایساغوجی**، تألیف فرفروریوس و مقولات تصنیف ارسطو، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۳. (برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران).
- فرهنگ اصطلاحات منطقی** (به انضمام فرانسه و انگلیسی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۶.
- أیقاظ النائمن**، ترجمه از آثار ملاصدرا، تهران: بنیاد حکمت صدرا، ۱۳۷۸.
- منطق به همراه ترجمان احوال فاضل تونی**، تهران: مولی، ۱۳۸۶.

بود که از محضر پروفیسور پویا پوریه آموخت. ژان وال، ژانکلویچ و برنشویگ از دیگر استادان وی بودند. موضوع معرفت شناسی تکوینی را با حضور در کلاس های پروفیسور پیازده نظریه پرداز و روانشناس نامدار سوئیسی پی گرفت و در سال ۱۳۴۰ به اخذ درجه دکترا از دانشگاه سوربن پاریس در منطق و فلسفه نایل آمد. پس از بازگشت به ایران، به عنوان استادروانشناسی و علوم تربیتی و ادبیات عرب و منطق در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد.

وی از همان سال های اول دبیرستان، همزمان با کسب علوم کلاسیک، به تحصیل زبان عرب و علوم دینی نیز همت گمارد و در جلسات درس چند تن از علمای طراز اول اصفهان و دارای درجه اجتهاد، اصول عقاید، اخلاق و دیگر علوم مرتبط را آموخت. قسمتی از شرح منظومه حاجی سبزواری و بخشی از شرح اشارات راهم در محضر علامه ذوفنون میرزا ابوالحسن شعرانی فراگرفت و بعدها در مقابله و تصحیح کتاب مصباح الهدایه با استاد همایی همکاری داشت.

در سال ۱۳۶۱ به درخواست خود بازنشسته شد و در سال ۱۳۷۰ از سوی شورای انقلاب فرهنگی به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد. از دیگر افتخارات او می توان به چهره ماندگار سومین همایش چهره های ماندگار در سال ۱۳۸۲ و برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در گروه فلسفه، برای ترجمه کتاب ایساغوجی در سال ۱۳۸۴ اشاره کرد.

همایی اشاره کرد. پس از پایان دوره دانشسرای عالی، تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فلسفه آغاز کرد و نزد استادانی چون جلال الدین همایی و محمد تقی مدرس رضوی، رضارضا زاده شفق، ملک الشعرا بهار، عباس اقبال آشتیانی، محمد معین، یحیی مهدوی و علی اکبر سیاسی کسب علم کرد و منطق و حکمت طبیعی را در محضر فاضل تونی آموخت.

در سال ۱۳۲۳ از رشته فلسفه و علوم تربیتی فارغ التحصیل شد. سپس با کمک دکتر یحیی مهدوی به استخدام آموزش و پرورش درآمد و سه سال بعد، به دعوت دکتر علی اکبر سیاسی - رییس دانشگاه تهران - به عنوان دبیردانشگاه مسوولیت از مایشگاه روانشناسی و تدریس روانشناسی تربیتی را عهده دار شد و سپس در دانشگاه تهران به تدریس روانشناسی و عربی و فلسفه و منطق پرداخت. همزمان با تدریس، مشغول تحصیل در رشته ادبیات فارسی شد. در سال ۱۳۲۹ لیسانس و در سال های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ موفق به گذراندن تمامی دروس دوره دکتری ادبیات شد. وی رساله خود را با عنوان «توصیف کیفیات نفسانی در مثنوی مولانا» به راهنمایی استاد فروزانفر به رشته تحریر درآورد. از استادان بنام ایشان در این دوره می توان از مرحوم بدیع الزمان فروزانفر، جلال الدین همایی، احمد بهمنیار، میرزا عبدالعظیم خان قریب، ابراهیم پورداوود، صادق کیا و حسین خطیبی نام برد. در سال ۱۳۳۷ برای تکمیل مطالعات خود به فرانسه رفت. درس اصلی ایشان در این مدت منطق ارسطویی

درگذشت استاد محمد خوانساری، اندوه فراوان دوستداران فلسفه را به همراه داشت. بدون شک تمامی دانشجویان رشته فلسفه در دهه های اخیر به نوعی وامدار این شخصیت والایند. براستی کیست که منطق را بدون مراجعه به کتاب منطق صوری استاد خوانساری آموخته باشد. کتاب ارزشمندی که در تمامی کتابخانه های دوستداران فلسفه به عنوان منبعی ارزشمند به چشم می خورد. از این کم ترین، چیزی در تقدیر از ساحت علمی ایشان بر نمی آید. جز این که چند سطر در شرح حال این حکیم فرزانه بنویسم، شاید دانشجویان جوان دریابند که چه گوهری را از دست داده اند. روحش شاد.

استاد محمد خوانساری مؤلف و محقق حوزه فلسفه، منطق و حکمت در سن ۸۸ سالگی درگذشت. وی به سال ۱۳۰۰ شمسی در اصفهان چشم به جهان گشود. نیای وی اهل خوانسار بودند و از آنجا به دهرکرد (شهرکرد فعلی) و اصفهان رفت. تحصیلات مقدماتی را از مکتبخانه های اصفهان و مدارس علمیه نزد استادان آن ایام آغاز کرد و پس از طی دوره ابتدایی در مدرسه ایران، دوره متوسطه را در دبیرستان سعدی اصفهان به پایان رساند.

در سال ۱۳۱۹ به اخذ دیپلم دانشسرای مقدماتی نایل شد. از آنجا که رتبه دوم را دارا بود، برای ادامه تحصیل در دانشسرای عالی به تهران آمد. از استادان بنام ایشان در این دوره می توان به مدرس رضوی و جلال الدین

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات الهه نور با شصت و نه عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ فرشید شیرافکن با بیست و یک عنوان پرکارترین مولف؛ و مسعود گلزاری با سه عنوان پرکارترین مترجم بوده اند.

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۸/۱۲/۸۸ تا چهارشنبه ۱۲/۱۲/۸۸، ۱۹۶۷ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع علوم عملی و سپس آموزشی و کمک درسی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات ادبیات، علوم اجتماعی، کودک و نوجوان و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط صفحه
۱	کلیات	۹۹	۹۲	۷	۸۶	۱۳	۸۷	۱۲	۱۲۸۹
۲	فلسفه و روانشناسی	۵۱	۲۸	۱۳	۳۱	۲۰	۴۲	۹	۲۴۸۴
۳	دین	۱۸۹	۱۵۹	۳۰	۱۱۴	۷۵	۱۱۵	۷۴	۳۳۰۰
۴	علوم اجتماعی	۲۱۶	۱۸۲	۳۴	۱۲۸	۸۸	۱۸۵	۳۱	۲۴۳۹
۵	زبان	۸۴	۷۶	۸	۴۹	۳۵	۶۴	۲۰	۲۸۱۴
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۱۳۵	۱۱۸	۱۷	۸۱	۵۴	۱۰۹	۲۶	۲۰۱۴
۷	علوم عملی	۳۶۳	۳۱۴	۴۹	۲۷۴	۸۹	۳۹۲	۷۱	۱۷۰۸
۸	هنر	۴۶	۳۰	۱۶	۲۰	۳۶	۳۶	۱۰	۲۳۴۱
۹	ادبیات	۲۲۶	۱۹۴	۳۲	۱۶۱	۶۵	۱۶۳	۶۳	۱۸۲۴
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۸۳	۷۴	۹	۵۲	۳۱	۷۴	۹	۲۸۸۱
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۲۷۰	۲۶۹	۱	۶۵	۲۰۵	۲۴۷	۲۳	۵۱۸۱
۱۲	کودک و نوجوان	۲۰۵	۱۷۵	۳۰	۷۲	۱۳۳	۱۸۳	۲۲	۵۱۸۴
	جمع بندی	۱۹۶۷	۱۷۲۱	۲۴۶	۱۱۳۳	۸۳۴	۱۵۹۷	۳۷۰	۲۷۸۸

* «تالیف» به تمامی آثاری اطلاق می شود که ترجمه نباشد. آثاری چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.
** منظور از موضوع «آموزشی و کمک درسی» کلیه کتاب هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش آموزان از پیش دبستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
گزارش آماری کتاب و بیشترین صفحه	۱۵۰۰۰ ریال و ۷۲۸ صفحه	دانشتنهایی درباره آب و هوا؛ سیمون آدامز؛ لیلی واعظزاده مقدس؛ ناشر: به نشر؛ چاپ ۳؛ ۵۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۴۲ مرتبه	ریاضیات کودکستانی فعالیت های ریاضی برای کودکان سنین قبل از دبستان؛ لیلی انگجی؛ ناشر: کودکاموز؛ ۴۰ صفحه؛ ۷۵۰۰ نسخه؛ ۱۲۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	آموزش و تمرین خوشنویسی خط نستعلیق تحریری از حرف تا سطر؛ رضا تبریزی؛ ناشر: قدیانی. کتابهای بنفشه؛ چاپ ۱۳؛ ۶۰ صفحه؛ ۲۲۰۰۰ نسخه
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	عروسک ناز من؛ صدیقه خداخواه؛ ناشر: قیوم؛ چاپ ۷؛ ۱۲ صفحه؛ ۳۰۰۰ ریال

شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۴۹۰۰ ریال	ندای آسمانی غدیر؛ محمدباقر انصاری؛ ناشر: تک؛ چاپ ۲۱؛ ۷۲ صفحه؛ ۱۵۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۹۷۵۰۰۰ ریال	Ophthalmology 2004؛ ناشر: الهه نور؛ چاپ ۱؛ ۸۵۰ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۹۲ مرتبه	دا؛ خاطرات سیده زهرا حسینی؛ ناشر: سوره مهر؛ ۸۱۶ صفحه؛ ۲۵۰۰ نسخه؛ ۲۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۰۰۰۰ نسخه	مشاوره و برنامه ریزی؛ ویژه داوطلبان رشته علوم انسانی قابل استفاده برای دانش آموزان سال سوم دبیرستان و داوطلبان کنکور سراسری؛ علیرضا اخلاص مندمفرد؛ ناشر: آیندگان ۱۰۰۰۰ نسخه؛ چاپ ۴۱؛ ۱۴۴ صفحه؛ ۵۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰ نسخه	Cisco VoIP lab manual؛ ناشر: رایانه هامون خزر؛ چاپ ۱؛ ۶۶ صفحه؛ ۲۰۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۲۰۴۴ صفحه	Oxford advanced learner's dictionary؛ ناشر: دانشیار؛ چاپ ۹؛ ۵۲۰۰۰ نسخه؛ ۱۹۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۶ صفحه	خدا کیست؟؛ محمدحسن مدرس فتاحی؛ ناشر: محمدحسن مدرس فتاحی؛ چاپ ۱؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۵۵۰۰ ریال

شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۸۵۰۰ ریال	فارسی آموز داستانی کلاس اولی ها؛ عفت توپچی؛ ناشر: منادی تربیت؛ چاپ ۸؛ ۱۶ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۶۵۰۰۰ ریال	کتاب فیزیک؛ چکیده ای از چهار درس تخصصی فیزیک همراه با حل تشریحی یازده دوره از زمون تحصیلات تکمیلی؛ پرویز کاملی؛ ناشر: ارکان دانش؛ چاپ ۷؛ ۹۷۲ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۶۷ مرتبه	گنجینه سوالات طبقه بندی شده نوین؛ کتاب کار تعلیمات اجتماعی کلاس پنجم دبستان؛ نصرالله جلالی؛ ناشر: مهرداد دانش؛ ۲۸۸ صفحه؛ ۱۰۰۰۰ نسخه؛ ۳۶۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۱۳۹۰ نسخه	جدیدترین تمرینات درس به درس و نمونه سوالات استاندارد پویندگان؛ ریاضی سال سوم راهنمایی؛ مهوش اسدی بیگی؛ ناشر: خزایی؛ چاپ ۱۲؛ ۲۰۰ صفحه؛ ۲۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	پیک درسی ماشین های الکتریکی AC؛ رشته ای الکترونیک؛ جواد جداری؛ ناشر: پیک آذرسحر؛ چاپ ۱؛ ۱۶۴ صفحه؛ ۲۰۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد کتاب های بدون قیمت	تعداد پدیدآورندگان			
		مرد	زن	مرد	زن
۵۸۹	۱۶۱	۲۸۷	۱۲۷۱	۶۷	۲۰۰

* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و ...) به جز مترجم.



آغازی برای هم اندیشی بانوان نویسنده



نخستین همایش بانوان داستان نویس که هفته گذشته با استقبال جمعی از بانوان داستان نویس در هتل انقلاب تهران برگزار شد، رویکردی دیگر از بنیاد ادبیات داستانی ایران بود که به زعم دست اندرکاران و مدیران آن، در ادامه فعالیت های این بنیاد و در راستای حمایت از داستان نویسان کشور و ایجاد فضایی مطلوب برای بالندگی عرصه ادبیات داستانی شکل گرفت.

این برنامه که در آستانه سالروز تولد پروین اعتصامی برگزار شد، در نخستین مرحله با دعوت از بانوان داستان نویس و تشریح فعالیت های بنیاد و نیز اهداف همایشی که با عنوان بانوان داستان نویس نام گرفته، آغاز به کار کرد. بانوان حاضر در این همایش از هر دری در باب داستان و داستان نویسی گفتند و درباره جایگاه بانوان داستان نویس و ادبیات زنانه به گپ و گفت پرداختند. آنها از شاخص ترین چهره بانوان شاعر معاصر، پروین اعتصامی نیز انقدر گفتند و شنیدند که گویا جای خالی او در این محفل صمیمانه کاملاً خالی به نظر رسید. آنچه در ادامه می آید، گزارشی از حاشیه های برپایی این همایش و گپ و گفت با برخی میهمانان حاضر است.

فرستی برای نخستین دیدارها

در این همایش بسیاری از بانوان نویسنده حضور داشتند و جالب اینجاست که موضوع گپ و گفت دو سه نفری آنان با یکدیگر از همان دقایق اول شروع شد. تقریباً بیشتر صندلی های در سالن این همایش از ساعت ۱۱ تا ۱۲ پر شد و از کنار هر میز که می گذشتی، صحبت های پراکنده ای درباره کتاب و این ناشر و آن ناشر و فلان انجمن ادبی یا صنفی، شنیده می شد. البته محور مشترک صحبت های میان نویسندگان، موضوع نخستین دیدارشان با یکدیگر بود و این که تاکنون تنها آثار یکدیگر را می خواندند.

از پیامدهای مهم چنین گرد همایی هایی، ایجاد زمینه آشنایی اهالی فرهنگ با یکدیگر و دلگرم شدن نویسندگان به تعلق در گروهی فرهیخته و تشکلی سازمان یافته بود، همان که مدیران بنیاد ادبیات داستانی نیز هنگام برشمردن نخستین سرفصل های اهدافشان از برپایی چنین همایشی درباره آن گفتند؛ «ایجاد عرصه ای برای گفت و گوی نویسندگان و آشنایی هایی نزدیک تر میان آنان و مجالی برای با هم اندیشیدن...» محمود سالاری، مدیر عامل بنیاد ادبیات داستانی

ایرانیان که برپایی همایش بانوان داستان نویس را در راستای دیگر فعالیت های بنیاد و حمایت های مادی و معنوی از نویسندگان می دانست، در گفت و گوهای مکرر، به موضوعی دیگر نیز اشاره کرد. او فضای داستان نویسی بانوان را دارای دو نحله دانست و گفت: «یک گروه بیشتر مبتنی بر احساس می نویسند و گروهی جدی تر کار می کنند و به تکنیک ها نظر دارند. این همایش ها حتی می تواند گفتگمانی برای درنگ بر چگونه نوشتن باشد و راهی را برای تعاملی که نتیجه آن جریان به دور از افراط و تفریط در نوشتن است باز کند.» وی همچنین موضوع حمایت از چاپ آثار بانوان داستان نویس را نیز مطرح کرد و اذعان داشت که برخی بانوان نویسنده در ازای انتشار آثار قبلی شان، متضرر شده اند و نیاز است که از آنان حمایت های ملی جدی تری به عمل آید.

وی همچنین از نویسندگان دعوت کرد تا برای انتشار آثارشان با بنیاد ادبیات داستانی همکاری کنند. **زنان می توانند داستان نویس بهتری باشند** یکی از وقایع جالب این همایش، ابراز نظر های متفاوت و گاه متضادی بود که در صحبت های دو داستان نویس سخنران این نشست مطرح شد.

برای برگزاری چنین همایش هایی، یکی از موضوعاتی است که سپیده خلیلی، نویسنده عرصه ادبیات کودک و نوجوان، به آن اشاره دارد. وی به اتخاذ تصمیم در ایجاد زمینه هایی برای تقویت خودباوری بانوان نویسنده تأکید کرد و گفت: «معتقدم که در حوزه ادبیات باید از خانم ها حمایت بیشتری شود، زیرا بسیاری از آنان سرپرست خانواده اند و کار نوشتن را عاشقانه دوست دارند.»

منیژه آرمن نیز در گفت و گو با کتاب هفته پیشنهادی را برای همایش بانوان ارائه کرد و گفت: «بهتر است در این همایش ها در وهله اول به رفع مشکلات فکر کنیم. البته این مشکلات به خوبی برطرف نمی شوند؛ مگر آن که زنان نیز در سیاستگذاری های کلان حضور داشته باشند.»

وی افزود: «تشکیل کمیته های تخصصی برای ایجاد روشی ساختارمند می تواند نوعی هدفمندی برای این گونه همایش ها باشد تا زنان نویسنده از افکار یکدیگر با خبر شوند و در مسئولیت های اجرایی دخالت داشته باشند.»

فضای ادبی، نیازمند محافل آشنایی

فرشته نوبخت که یکی از بانوان جوان داستان نویس در این همایش بود، با ابراز رضایت از برپایی همایشی برای بانوان داستان نویس، تدارک محفلی برای تبادل اندیشه میان نویسندگان زن را لازم دانست و گفت: «نمونه این گونه محافل در فضای ادبی ما وجود ندارد؛ در حالی که محفالی برای بحث و نظر اعضای جامعه ادبی نیاز است.»

نوبخت درباره مرزبندی ادبیات مردانه و زنانه گفت: «من با خط کشی ها مشکلی ندارم؛ چرا که مرد و زن نیز با هم متفاوتند و متفاوت می اندیشند و در نتیجه متفاوت می نویسند.»

همان طور که برخی از نویسندگان زن، ادبیات و داستان نویسی را براساس مرزبندی ها تحلیل نمی کنند، بعضی دیگر رویکرد ها و نگرش ها و حتی جهان بینی های متفاوتی برای زن و مرد قائل اند و حتی درباره فضای مردانه و زنانه در ادبیات امروز حرف هایی دارند. اتفاقاً نوبخت از نویسندگانی است که اعتقاد دارد فضای مردانه در ادبیات ما حاکم بر فضای زنانه است. او در این باره توضیح داد: «در روزگار ما زنان بیشتر به حسی نویسی محکوم می شوند، البته این همایش ها می توانند به جلوه گری استعدادها و خودباوری بانوان نویسنده منجر شود تا در خلق اثر به رویکرد های تخصصی تر برسند.»

آشنایی هایی از جنس کاغذ

«از در که وارد شدم، کمتر نویسنده ای را شناختم و به این دلیل که ما مجال و محفلی برای شناختن یکدیگر نداریم و تنها از طریق آثار یکدیگر آن هم در مجلات، روزنامه ها و کتاب ها هم دیدن می کنیم؛ در حالی که عرصه تبادل اطلاعات و فکر برای اهل قلم از مهم ترین موضوعات فرهنگی است.»

اینها بخشی از گفته های فریده چوپچیان، از دیگر نویسندگان شرکت کننده در این مراسم بود که در اواسط این نشست به جمع بانوان نویسنده پیوست. رضوان نیلی پور، داستان نویس، نیز معتقد بود که بسیاری از نویسندگان، به همراه آثارشان گمنام اند. البته در انزوا ماندن یک نویسنده خوب، یکی از دلایل این قبیل گمنامی هاست. وی همچنین گفت: «بسیاری از نویسندگان توان انتشار آثارشان را ندارند.» نیلی پور همچنین اذعان داشت: «نویسندگی می تواند فراتر از مرزبندی ها باشد و یک نویسنده خوب نویسنده ای است که نوشته های جنسیتش را مشخص نکند.»

و جداسازی بین ادبیات زنانه و مردانه جلوه کند، مسأله دیگری بود که از سوی برخی نویسندگان میهمان در این همایش مطرح شد.

شهلا انتظاریان، مترجم با سابقه و نویسنده حوزه ادبیات کودک و نوجوان که یکی از میهمانان شرکت کننده در این نشست بود، مسائل و چالش های عرصه نوشتن را مربوط به هر دو گروه زنان و مردان نویسنده دانست و فراهم آوردن تمهیدات لازم برای ایجاد فضایی مطلوب در راستای نویسندگی را مورد نیاز جامعه نویسندگان بیان کرد و گفت: «ما بسیاری از اهالی قلم را تنها از طریق آثارشان می شناسیم و حتی با چهره های آنان آشنا نیستیم. این گونه گرد همایی ها قبل از هر چیز برای انتقال و تبادل دیدگاه ها میان نویسندگان موثر است و نشان می دهد که جای تشکلی ها خالی است. این جلسات می تواند منجر به تشکیل اتحادیه ای از نویسندگان باشد که بتواند حرف های آنان را به گوش مسئولان برساند. مسلم است که هر نویسنده ای در ژانر مورد علاقه خودش کار می کند و ممکن است نویسندگان فراتر از آن ژانر را نشناسند، در حالی که در این گونه گرد همایی ها کیفیت آشنایی میان نویسندگان بالا رفته و مشارکت بانوان نویسنده در برنامه ریزی افزایش چشمگیری می یابد.»

شرکت داشتن بانوان نویسنده در برنامه ریزی

محمد رضا سرشار، داستان نویس و دبیر جایزه کتاب سال که به عنوان پیشکسوت داستان نویسی در مراسم سخنرانی کرد، در بخشی از سخنانش یکی از نقاط قوت برخی از آثار جدی و با ارزش داستان نویسان زن را شخصیت پردازی های قوی زنانه دانست.

او همچنین اذعان کرد که زنان در فضای ادبیات داستانی قبل از انقلاب، با نقشی اغراق آمیز در خوب یا بد بودن، شناسانده شده اند و شکل گیری نوعی دیدگاه منطقی مبتنی بر واقعیت، در شخصیت پردازی داستانی درباره زنان، از دستاوردهای جریان ادبیات داستانی بعد از انقلاب است.

از سوی دیگر، منیژه آرمن؛ داستان نویس نام آشنا نیز در سخنرانی اش، رویکرد زنان در داستان نویسی معاصر را فقط به شخصیت پردازی زنانه منحصر ندانست و به نقش زنان در حرکت های اجتماعی و سیاسی اشاره کرد و گفت: «نویسندگانی هم داریم که با تکاپو پژوهش و مستندات به خلق اثر می پردازند. داستان نویسان زن به فطرت جویی نزدیک ترند و جزئی نگری دقیق تری دارند. در صورتی که به وجه تحقیقی توجه بیشتری داشته باشند، می توانند داستان نویسان موفق تری باشند.»

ادبیات مردانه یا زنانه، مرزبندی یا فرامرزی؟ مرزبندی میان ادبیات زنانه و مردانه و نامگذاری هایی که شاید برای برخی به معنی خط کشی

جایزه پروین هر سال برگزار شود

از آنجایی که نخستین همایش بانوان داستان نویس در آستانه سالروز تولد پروین اعتصامی آغاز به کار کرد، بخشی از محور گفت و گوهایمان با بانوان نویسنده در این همایش، درباره این جایزه ادبی پا گرفت و شاید انگیزه دیگر این نظر خواهی شکل گیری رویداد دیگری در عرصه نویسندگی زنان بود. جایزه ادبی دوسالانه پروین اعتصامی که سال گذشته سومین دوره اش را پشت سر گذاشت، تاکنون علاوه بر حرف و حدیث هایی که مانند هر جایزه و جشنواره دیگری بر سر زبان ها انداخت، توانست در ذهن بسیاری از بانوان نویسنده، فرصت و انگیزه ای به حساب آید و آنان را به افق های وسیع تری از خودباوری و مطرح شدن دعوت کند و این نکته ای بود که برخی از بانوان نویسنده در ارزیابی این جشنواره ادبی از آن سخن گفتند. سپیده خلیلی، جایزه پروین اعتصامی را کاری درخور بیان کرد و درباره آن گفت: «جایزه پروین اعتصامی به دلیل آن که برای بانوان نویسنده برپا می شود و موضوع آثار شرکت کننده در آن نیز درباره زنان و دختران است، اقدامی درخور توجهی به شمار می آید. لذا بهتر است به جای هر دو سال یک بار، هر سال برگزار شود.» چوپچیان نیز دلایلش را برای هر سال برگزار شدن این جایزه این گونه بیان کرد: «چون در هر دوره برپایی جشنواره ها، کتاب های منتشر شده همان سال بررسی می شوند، ممکن است بسیاری از کتاب های خوب در این جایزه دیده و داوری نشوند.»

شهلا انتظاریان نامزد بخش نهایی سومین دوره جشنواره پروین اعتصامی به نکاتی درباره پخش شدن مبلغ این جایزه اشاره کرد و گفت: «مسئله تفاوت بین دو اثر راه یافته به مرحله پایانی جشنواره آنقدر نیست که به یک اثر یک جایزه سنگین تعلق گیرد و به اثر همپای آن، جایزه ای داده نشود. البته در شرایطی که معلوم نیست یک کتاب چه وقت تجدید چاپ می شود، به یقین ابعاد مادی جوایز و جشنواره های ادبی برای نویسندگان بسیار حائز اهمیت خواهد بود.»



سایر محمدی

«در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگرستن» جدیدترین کتاب علی بلوکباشی، چندی است که از سوی نشر گل‌آذین منتشر شده است. گفتارهای این کتاب حاصل اندیشه و نگرش مولف آن و نتیجه پاره‌ای از یافته‌های او در پژوهش‌های میدانی در میان مردم کوچه و بازار و تحقیقات اسنادی در متون تاریخی، جغرافیایی، ادبی و اجتماعی در زمینه فرهنگ ایران است. در این گفتارها با پاره‌ای از شیوه‌های رفتاری مردم ایران در زندگی روزانه، نوع اندیشه و باور آنها در زمینه مسائل اجتماعی و فرهنگی و دینی و دستاوردهای دانش و هنری مردم آشنا می‌شوید. علاوه بر این، علی بلوکباشی کتاب «نوروز؛ جشن نوزایی آفرینش» را در سال ۸۰ توسط دفتر پژوهش‌های فرهنگی هنری منتشر کرد که چاپ هفتم آن اخیراً به بازار کتاب آمده است. این محقق و پژوهشگر پر تلاش از منظر تاریخی و جامعه‌شناسی نوروز را به عنوان یکی از پایدارترین و مهم‌ترین اعیاد ایرانیان با قدمتی پنج هزار ساله مورد بررسی و کنکاش قرار داد و تاثیر آن را بر فرهنگ، زندگی و آداب و رسوم عامه مردم بیان کرد. دکتر علی بلوکباشی، متولد سال ۱۳۱۴ تهران، کارشناسی ارشدش را در رشته زبان‌شناسی همگانی و زبان‌های باستانی ایران از دانشگاه تهران گرفت و دوره دکتری خود در رشته انسان‌شناسی اجتماعی را در دانشگاه آکسفورد گذراند. وی در طول سال‌ها فعالیت و تحقیق آثار متعددی در زمینه ایران‌شناسی و مردم‌شناسی تالیف یا ترجمه کرده است که «فرهنگ عامه ایران» و «نقد و نظر»، «قهوه‌خانه‌های ایران»، «جزیره قشم»، «جامعه ایلی ایران»، «نخل گردانی»، «تعزیه خوانی» و «بازی‌های کهن در ایران» از آن جمله است. دکتر بلوکباشی سال گذشته کتاب «تاریخ انسان‌شناسی» اثر توماس هیلند اریکسن و فین سیورت نیلسن دو تن از استادان دانشگاه‌های اسلو و کپنهاک را به فارسی ترجمه و توسط نشر گل‌آذین منتشر کرد. وی تاکنون بیش از دویست مقاله در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان و بسیاری از نشریات معتبر منتشر کرده است و در حال حاضر عضو شورای علمی و مدیر بخش مردم‌شناسی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و مدیر بخش پیشه و صنعت در گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

در گفت و گو با دکتر علی بلوکباشی مطرح شد

شکل‌گیری خاستگاه و پیشینه نوروز

است. یعنی به خاطر نوشدن طبیعت و روز زایش و زاینده‌گی است. تا زمانی که ما سال‌هایی داریم و فصل‌هایی داریم که این فصل‌ها تغییر می‌کنند و نو می‌شود، نوروز هم با آن خواهد بود.

وسعت جغرافیایی ایران در روزگاران گذشته بسیاری از کشورهای همسایه و کشورهای فارسی زبان را دربرمی‌گرفت. آیا جشن نوروز امروز در این مناطق برگزار می‌شود؟

در تمام جوامعی که ما سراغ داریم، چون طبیعت تغییر می‌کند، جشن‌هایی دارند که ما به آن نوروز می‌گوییم، اما کشورهایی که در حوزه فرهنگی ایران جای می‌گیرند، مثل کشورهای مسلمان ترکیه، قفقاز، تاجیکستان، پاکستان و افغانستان همه این کشورها نوروز را جشن می‌گیرند و هم‌چنان جشن می‌گیرند. البته برخی از آداب و آیین‌ها نوروزی اندک تفاوت‌هایی دارند. چون تحت نفوذ و تاثیر فرهنگ ایرانی بوده‌اند. امروزه ۱۰ کشور هستند که مدعی برگزاری مراسم نوروز هستند.

نخستین کتاب‌هایی که از نوروز روایت کرده‌اند، چه کتاب‌هایی بودند؟ غیر از «نوروز نامه» خیام آثار قدیمی تری هم داریم؟

کتاب‌هایی که از نوروز یاد می‌کنند، فراوان هستند. در پاسخ به سوالات قبلی شما، از ابوریحان بیرونی نقل کردم که راجع به نوروز چه نوشته است. البته بیرونی تنها به نوروز نمی‌پردازد. از شب یلدا هم حرف می‌زند و آن را میلاد کبیر می‌نامد. چرا؟ برای این که او یلدا را تولد خورشید می‌داند. در نوروز ما زایش طبیعت را داریم و در یلدا زایش خورشید.

ارزشمندترین کتاب‌ها درباره نوروز را می‌توانید معرفی کنید؟

اجازه بدهید از هیچ کتابی به اسم ارزشمندترین کتاب درباره نوروز نام نبرم. کتاب‌های فراوانی در این زمینه هست که هر یک از منظر ارزشمند و مهم است. برای اینکه نگاه‌ها مختلف است. مثلاً من در کتاب نوروز، نگاه خاصی به نوروز دارم و مناسک گذار را در این اثر مطرح کردم و گفتم که سه گذر در مراسم نوروز داریم. یکی دوره جداشدن یا گسستن است. موقعی که سال رو به پایان است، تمام مردم رفتارهای نمادینی از خود نشان می‌دهند که بیانگر جداشدن آنها از چیزی است. آن چیز، چیست؟ جداشدن از سیاهی است. وقتی آیین تطهیر و پاکیزه شدن را داریم، در آستانه سال نو، ساکنان هر خانه‌ای در تکاپوی گردگیری و شست و شوی در و دیوار خانه هستند و لباس نو و پاکیزه به تن می‌کنند. چرا؟ برای این که معتقدیم ارواح زیانکار و خبیث در سیاهی و کثافت و در گردوغبار لانه می‌کند. برای همین در آستانه نوروز هم به فکر خانه‌تکانی هستند. حتی تمام ظروف مسی را سفید و خانه را با آهک سفید می‌کردیم. اینها نمونه‌هایی از گسستن از چیزهای کهنه و پیوستن به چیزهای نو است. بعد مرحله جداگزینی را داریم که مردم همه دست از کار



و فرود جمشید را این‌گونه توصیف می‌کند. سیصد سال از ملک او جهان همچون عروسی آراسته و همه آفت‌های آسمانی و زمینی از جهان برخاسته و هیچ کس در آن سیصد سال از هیچ رنجی و دردی و بیماری‌ای خبر نداشت و جهانیان هم ایمن و ساکن بودند. وقتی سیصد سال به این صورت سپری شد، غرور و نخوت جمشید سبب شد که او همه این نعمات را به حول و قوت خود بداند. وقتی این را گفت، فرّ و بهای او برفت.

البته افسانه‌های فراوانی درباره جمشید و چگونگی پیدایش نوروز و آیین نوروزی در تاریخ و ادبیات ایرانی - اسلامی آمده است.

ابن بلخی، افسانه به تخت نشستن جمشید در آغاز بهار و نوروز خواندن آن روز را نقل می‌کند. ثعالبی در تاریخ غرر ملوک الفرس و سیر هم روایتی دیگر درباره جمشید و اسطوره پدید آمدن نوروز نقل می‌کند. کریستن سن، افسانه‌پیدایی جشن نوروز و نام نوروز نهادن به روز اول فروردین به روایت برخی نویسندگان دوره اسلامی مانند ابوریحان بیرونی، حمزه اصفهانی و خوارزمی را نقل می‌کند. نویسنده «روضه‌اولی الالباب» در سده هشتم بنیاد نوروز و برپایی نخستین جشن نوروز را در تخت جمشید که آن را «چهل منار» می‌نامد به جمشید نسبت می‌دهد.

روایات اسطوره‌ای - افسانه‌ای جملگی این واقعیت را نشان می‌دهند که جشن نوروز رسم و آیینی کهن و از دوران پیش از تاریخ در میان مردم ایران شناخته شده بود.

قدمت نوروز بنا به روایت‌ها حدود پنج هزار سال است. راز ماندگاری نوروز را در چه می‌دانید؟ راز ماندگاری آیین‌های نوروز، جشن طبیعت

بعد آیین‌ها و آدابی است که در ایام دوازده روز عید انجام می‌گیرد.

پس از آن هم جشن سیزده فروردین است که پایان نوروز و شروع ایام کار و تلاش را تداعی می‌کند. در این روز همه مردم به کوه و طبیعت پناه می‌برند که با مراسم خاص سبزه گره زدن و بازی و شادی سپری می‌شود. در هر یک از آیین‌های چهارگانه نوروزی مجموعه‌ای از آداب و رفتار را می‌بینید. مثلاً در آیین پیشسواز می‌بینید که دسته‌های نوروزی خوان راه می‌افتند و به در خانه‌ها می‌روند و با نوروز خوانی مژده نوروز را می‌دهند و انعام می‌گیرند. یا حاجی فیروز را داریم که در خیابان‌های شهر با ترانه خوانی مردم را به جشن و شادی دعوت می‌کند.

غیر از این که نوروز را از منظر تاریخی بررسی کرده‌اید؛ دیگر از چه منظر نوروز مورد بررسی قرار گرفته است؟

اصولاً در ایران نوروز از این دو منظر مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یکی از منظر تاریخی و دیگر از منظر اسطوره‌ای که من در این کتاب تحلیل‌های آیینی از نوروز ارائه کرده‌ام.

بیشتر روایات اسطوره‌ای - افسانه‌ای ایران دوره پیشدادی را زمان پیدایی نوروز و جمشید، چهارمین پادشاه پیشدادی را بنیان‌گذار نوروز و آیین نوروزی به شمار می‌آورند. دوران جمشید دوران طلایی معرفی شده است. در آن دوران خوردنی‌ها کاهش پیدا نمی‌کرد. چارپایان و مردمان نمی‌مردند، گیاهان نمی‌خشکیدند، سرما و گرما، پیری و رشک وجود نداشت. جمشید بر هفت کشور زمین فرمان می‌راند و نیک‌بختی و شهرت، خشنودی و حرمت را از دیوان گرفته بود. آن‌گاه که دروغ گفت، فرّ به صورت مرغی از پیش او بیرون رفت. ابن بلخی دوران فراز

آقای بلوکباشی، کتاب «نوروز؛ جشن نوزایی آفرینش» را با چه هدف و انگیزه‌ای نوشته‌اید و به چه موضوعاتی پرداخته‌اید؟

من این کتاب را در سال ۱۳۸۰ نوشته و منتشر کرده‌ام و تا امروز به چاپ هفتم رسیده است. در این کتاب از چند منظر به نوروز نگاه کرده‌ام. یکی نگاه تاریخی به نوروز دارم که زمان شکل‌گیری نوروز در ایران کی بوده است و دیگر نگاه اجتماعی و اسطوره‌ای دارم و به تحلیل رفتارها و آیین‌های نوروزی پرداخته‌ام.

نوروز ایرانیان در آغاز فروردین و فصل بهار هم جشن‌ها را می‌گذرانند؛ ایاز بزرگ دین مزدیسناست که در روز اورمزد، نخستین روز از نخستین ماه سال برگزار می‌شود و هم روز آفرینش جهان و کائنات و انسان است. نوروز به بیان ابوریحان بیرونی، روز «نوزایی و آفرینش» است و به روایت شمس الدین محمد دمشقی روز «آفرینش نور» است و روزی است که مقدرات مردم برای یک سال تمام تعیین و استوار می‌شود؛ بنابراین نوروز را با آیین‌های خاصی جشن می‌گیرند. در کتاب «نوروز» من آیین‌ها و آداب و رسوم نوروزی را به ویژه آنهایی که در فرهنگ اقوام ایرانی جنبه مشترک و همگانی دارند به صورت کوتاه و فشرده برای آشنایی علاقه‌مندان به خاستگاه و پیشینه جشن نوروز و آگاهی از چگونگی برگزاری آن در گذشته و امروز بررسی و مطرح کرده‌ام. در پژوهش‌های مردم‌شناختی، ریشه‌یابی و یافتن بن‌مایه‌های هر رفتار اجتماعی و فرهنگی و چگونگی برگزاری آیین‌ها و جشن‌ها در گذشته و روند استمرار آن در تاریخ حیات اجتماعی و فرهنگی مردم در اهمیت ثانوی قرار دارد. برای یک مردم شناس پژوهش در خاستگاه و پیشینه تاریخی رفتارهای فرهنگی و چگونگی آنها در گذشته خیلی مهم نیست. بلکه برای او بنا به گفته درست آقای روح‌الامینی، بیشتر چگونگی برگزار شدن‌ها موضوع مطالعه است و نه چرایی برگزار شدن آنها. با این حال من در این کتاب برای آگاهی همگان هر جا که ممکن و مقدور بود به چگونگی‌های پدید آمدن و بودن آیین‌ها و رسم‌های نوروزی و تحقیق و تفحص تاریخی در خاستگاه و پیشینه و بن‌مایه برخی از آیین‌های نوروزی پرداخته‌ام.

طی تحقیقی که در زمینه آیین‌های نوروزی انجام داده‌اید، چه نتایجی به دست آورده‌اید؟

در برنامه نوروز، چهار دسته آیین دیده‌ام که یکی آیین‌های پیشسواز است که هنگام نزدیک شدن سال نو برگزار می‌شود و مصادف است با روزهای پایانی سال کهنه. در این ایام به مناسبت استقبال از سال نو آیین‌هایی هست که نشان‌دهنده تغییر وضع و حال طبیعی است که من می‌گویم الگوهای رفتاری نمادین برای نشان دادن تغییر طبیعت است.

بعد آیین نوشتن‌گی سال است که سر سال تحویل است.

می کشیدند. آن دوره دوازده روزه عیدکه نماد و مظهری از دوازده ماه سال است، همه از فعالیت اجتماعی و کارهای روزمره کنار می گرفتند، مخصوصا در گذشته، این یک مرحله گذار از گذشته به آینده. یا از کهنه به نو بود.

آیا می توان نوروز را به عنوان یک فرهنگ ارزیابی کرد؟ چیزی به اسم فرهنگ نوروزی وجود دارد؟
حتما، اصلا نوروز یک مجموعه فرهنگ بسیار غنی دارد. همین چهار مرحله و چهار دسته آیینی که نوروز دارد، هریک فرهنگ خاص خودش را به همراه دارد. مثلا لحظه‌ای که سال نو می شد کسی بیرون از منزل اجازه ورود به خانه ما نداشت. مگر این که ابتدا یک نفر که خاله ما بود، به عنوان فردی نیک پی (خوش قدم) خنده رو و شاد، پا به خانه ما بگذارد و در دستش منغلی آتش و یک جلد قرآن مجید باشد. بعد از آن دیگران اجازه ورود به خانه ما را پیدا می کردند.

همه اینها مجموعه‌ای از فرهنگ است که در جامعه و در خانواده‌ها نهادینه شده است. این مراسم در دوره ساسانی برگزار می شد، در آن دوره مردی باعنوان پیروز سرای سلطانی وارد می شد و می گفت که من نمایندگی از جانب خدا دارم که برای شما تندرستی، شادی و پیروزی و نعمت و برکت بیاورم. این مراسم از آن زمان تا امروز تداوم پیدا کرده و تبدیل به یک فرهنگ شده است.

مراسم نوروزخوانی که امروز در شمال کشور تا حدودی برگزار می شود، آیا در میان همه اقوام رواج داشت؟

در همه نقاط و در میان همه قبایل بیک‌هایی بودند که اقدام به نوروز خوانی می کردند. در تهران که سابقه چندانی از پایتخت شدنش ندارد، آتش افروز و حاجی فیروز داشتیم. ولی در شمال کشور نوروزی خوانان همچنان این رسم و سنت را ادامه دادند. در آذربایجان نوروزخوانی بسیار وسیع و گسترده است. تکه چی‌هایی هستند که رقص‌های شادی با عروسک‌هایشان انجام می دهند و چه شعرهایی می خوانند. بعضی از این شعرها مربوط به طبیعت است و بعضی هم با مضامین اسلامی و دینی.

آیا این اشعار که در نوروز خوانی خوانده می شد گردآوری شده است؟

اتفاقا این اشعار یک مقدار جمع آوری شده است. من در همان کتاب نوروز، ارجاع داده‌ام که چه کسانی این اشعار نوروزی را جمع آوری کرده‌اند. بعد ها هم یکی از دوستان که در مرکز مردم‌شناسی بود مثل آقای اشکوری این اشعار را گردآوری کرده است. الکساندر خودسو در کتابش به نام «نمونه‌هایی از اشعار عامه» این اشعار را در فصلی از کتابش به نام نوروزی به آورده است.

الکساندر خودسو حدود صد و اندی سال قبل به جمع آوری اشعار عامیانه فارسی پرداخته و آنها را در کتابی منتشر کرده بود که متأسفانه امروز این کتاب در دسترس عامه نیست.

آقای بلوکباشی، عنوان کتاب جدیدتان را «در فرهنگ خودزیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگرستن» انتخاب کرده‌اید. این عنوان بیانگر چه چیزی است؟

این عنوان، برگرفته از یکی از گفتارهای همین کتاب است. این گفتار در سمیناری که برای بحث و بررسی درباره مصورسازی کتاب‌های کودکان برگزار شده بود، ارائه شد. این گفتار پس از حک و اصلاح و تکمیل شدن در این کتاب آمده است. این کتاب شامل سی گفتار درباره فرهنگ است که در پنج بخش، و هر بخش در چند فصل تدوین شده است.

در این سخنرانی که درباره تصویرسازی کتاب‌های کودکان ایراد کردم، عنوان شد که تصویرگر کتاب کودک قبل از هر چیز باید فرهنگ ایران را هضم و تحلیل کرده باشند و ریشه‌های فرهنگ ایرانی را خیلی خوب شناخته باشد تا بتواند تصویرهایی که برای کودکان ارائه می دهد بیانگر آداب و رسوم، فرهنگ و زندگی مردم این سرزمین باشد. چه زندگی مردم در جوامع شهری، چه روستایی و عشایری. ما امروز

در قرن بیست ویکم زندگی می کنیم و در درجه اول باید هویت فرهنگی خودمان را حفظ کنیم، اما ناگزیریم که به فرهنگ‌های دیگر ملل جهان هم توجه داشته باشیم و با این فرهنگ‌ها در تعامل و داد و ستد باشیم، چرا که همگام با جامعه جهانی به پیش می رویم. بنابراین نباید فقط به فرهنگ خود توجه کنیم و از فرهنگ دیگر ملل غافل بمانیم. فرهنگ هر ملتی در تعامل و داد و ستد با دیگر فرهنگ‌ها به رشد و بالندگی می رسد و اعتلاء پیدا می کند. من در آن سخنرانی درباره تصویر گران کتاب‌های کودک روی این موضوع تکیه کردم که این گروه از هنرمندان با استفاده از فرهنگ خودی و استفاده از تکنیک‌ها و شگردهای هنرمندان دیگر ملل، کیفیت آثار خودشان را اعتلاء ببخشند و مطابق ذوق و سلیقه کودکان ایرانی تصویرپردازی کنند.

اتفاقا این نظری که شما ارائه داده‌اید، در همه هنرها مصداق دارد و یک بحث کلی است که می گوید برای جهانی شدن ابتدا باید بومی بود.

منظور این است که باید از بام‌خانه خود به بام‌های دیگر نگاه کنیم. البته من بسیاری تصویرها در کتاب‌های کودکان می بینم که این تصویرها براساس القائاتی که از فرهنگ‌های خارجی صورت می گیرد ساخته می شود و آن ویژگی‌ها و خصوصیات فرهنگ بومی و ایرانی را در این تصویرها نمی بینم. البته منظورم فقط تصویر سازی نیست، بلکه مجموعه گفتارهای فرهنگی که در این کتاب آوردم، هریک نوعی از الگوهای ذهنی و عینی مردم کوچه و بازار را در شهرها و روستاها نشان می دهد.

شما در این کتاب توجه زیادی به فرهنگ عامه و ادبیات فولکلوریک داشتید. نقش فولکلور و اهمیت بررسی و گردآوری آن را می توانید توضیح بدهید؟
ما از فولکلوریک هم تعریف سنتی داریم و هم تعریف امروزی. در گذشته فولکلور بخش بزرگی از فرهنگ شفاهی مردم بود و تمام عناصر فرهنگی جامعه را دربرمی گرفت ولی امروز فولکلور فقط به ادبیات شفاهی محدود شده است. چرا محدود کردند؟ برای این که مردم‌شناسی و انسان‌شناسی سروکارش با فرهنگ مردم است. ما نمی توانیم فرهنگ را از تحقیقات مردم‌شناسی جدا کنیم. فرهنگ هم به صورت کتبی است و هم به صورت شفاهی و عامیانه به شکلی که شما در تمام گروه‌های اجتماعی این دو مقوله را می بینید.

فولکلور برای تصدیق و تجویز نهاد‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و معتبر ساختن نقش و وظیفه آنها در جامعه به کار می رود و در واقع فولکلور در انتقال معلومات، ارزش‌ها، خصوصیات و تدبیرهای آموزشی یک نسل به نسل دیگر نقش و وظیفه مهمی برعهده دارد و در نهایت با انتقال این معرفت‌ها به پایداری و دوام فرهنگ و القای آداب و معیارهای اخلاقی و مشترکات جمعی به افراد جامعه کمک می کند.

برای شناخت ارزش عناصر ترکیب دهنده فولکلور، پی بردن به منشأ و اصل آن و چگونگی تحول آن در طول تاریخ حیات جوامع و دریافت نقش و کارکرد آن در جامعه، گردآوری مواد فولکلوری و مطالعه تطبیقی آن ضرورت بسیار دارد. کاوش و تحقیق درباره اعتقادات عوام‌نه تنها از لحاظ علمی و روان‌شناسی قابل توجه است، بلکه برخی از نکات تاریک فلسفی و تاریخی را برای ما روشن خواهد کرد و پس از تحقیق و مقایسه این خرافات با خرافات سایر ملل می‌توانیم به ریشه و مبدأ آداب، رسوم، ادیان، افسانه‌ها و اعتقادات مختلف پی ببریم. همین خرافات است که آدمیزاد را در دوره‌های گوناگون تاریخی قدم به قدم راهنمایی کرده، تعصب‌ها، فداکاری، امیدها و ترس‌ها را در میان بشر تولید کرده است و بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین دلداری دهنده آدمیزاد به شمار می‌آید و هنوز هم در میان مردمان وحشی و متمدن در اغلب وظایف زندگی دخالت تام دارد.

در این کتاب بحث فرهنگ سنتی، فرهنگ عامه و نهاد‌های مردمی را مطرح کردید. این دیدگاه چقدر با دیدگاه میخائیل باختین در کتاب «سوادى مکالمه،

خنده، شادی و آزادى» همخوانی دارد؟

من با دیدگاه باختینی در کتابی که شما نام بردید، آشنا نیستم. لازمه کار این بود که من این کتاب را می‌خواندم و با دیدگاه‌های باختین در این زمینه آشنا می‌شدم و آن وقت می‌گفتم که دیدگاه من چقدر به دیدگاه باختین نزدیک است. یا چقدر این دو دیدگاه از هم متمایز ند. چیزهایی که در ارتباط با فرهنگ عامه و نهاد‌های مردمی نوشتم مربوط به نیمه دوم دهه پنجاه است و به‌عنوان یک کتاب درسی دانشگاهی چاپ شده بود. باید این کتاب را با کتاب باختین مقایسه کرد تا عناصر مشترک آن را پیدا کرد، اما آنچه در این زمینه مطرح کرده‌ام این است که در این دوره از حیات اجتماعی مردم ایران، فرهنگ سنتی و نهاد‌های سنتی - مردمی نقش و اهمیت سودمند و کارآمد گذشته خود را که نظم بخشیدن به روابط اجتماعی و تفکر جمعی و تقریر و تبیین ارزش‌های معنوی و اخلاقی مردم در جامعه بود، اگر نگویم که در تمامی جوامع شهری از دست داده‌اند در این زمان، این گونه که پیش می‌رویم این نهادها ماهیت اصلی و نقش و ارزش واقعی و موثر خود را دیر یا زود در بخش‌های دیگر جوامع از دست خواهند داد. هر پدیده و نهادی که در جوامع ایران شکل می‌گرفت سازگار و متناسب با نظام‌های اجتماعی و اقتصادی و دستگاه‌های فرهنگی و دینی ما بود. همه پدیده‌ها و نهادها از پشتوانه فرهنگی نیرومندی برخوردار بودند و نقش عمده در تحکیم روابط اجتماعی و انسجام و تعمیم معیارهای رفتاری پذیرفته شده در جامعه داشتند. هر یک از این نهادها و پدیده‌ها نشانه‌هایی از فرهنگ و حکمت، باورهای قومی و دینی مردم ما را داشت. اشاره به چند نمونه از این نهاد‌های سنتی - مردمی در ایران ما را با پیوند نزدیک این نهادها با هم از سویی و با کارکرد‌های اجتماعی و فرهنگی آنها در همبستگی و انسجام مردم با یکدیگر از سوی دیگر آشنا می‌کند.

مثلا زورخانه که جایگاه پرورش پهلوانان و ترویج روحیه پهلوانی و آموزش رفتار و منش جوانمردی و ایثار بود یا تکیه که مرکز تجمع توده مردم مومن و مسلمان و محل تجمع و برگزاری مناسک و شعائر مذهبی و عرصه جلا و جلوه‌ایمان و تقویت انباشته‌های مذهبی و عقیدتی در ذهنیت مردم بود. قهوه‌خانه نهاد و مکتبی برای اشاعه و ترویج فرهنگ حماسه‌های ملی و مذهبی و رشد و بالندگی هنرهای کلامی و تجسمی، یعنی نقالی و سخنوری و نقاشی بود. حمام عمومی محلی بود برای تطهیر جسم و پیرایش و آلودگی‌ها و علاوه بر این پایگاهی برای گردآمدن گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماع و صاحبان حرفه‌های گوناگون و تبادل مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و ...

در مجموع به طور کلی فرهنگ مردم یا فرهنگ عامه جوهره و عصاره فرهنگ عمومی ماست و همه ما در چنین فرهنگی رشد کرده‌ایم. در کشور‌های دیگر به خصوص در کشور‌های آفریقایی زمانی که توده مردم می‌خواستند زنجیرهای استعمار، استثمار و بردگی را پاره کنند، در طول زمانی که مبارزه می‌کردند بهره‌گیری از آنها از سرودها و ترانه‌های فولکلوری بود. از همین ترانه‌ها و از موسیقی جاز برای همبستگی ملی و تهییج مردم استفاده فراوانی کردند تا مبارزه و ایستادگی را در برابر استعمارگران پیش ببرند و به پیروزی برسند.

اتفاقا باختین هم از کارکرد و نقش ترانه‌ها و ادبیات

◆ در تهران که سابقه چندانی از پایتخت شدنش ندارد، آتش افروز و حاجی فیروز داشتیم. ولی در شمال کشور نوروزی خوانان همچنان این رسم و سنت را ادامه دادند

عامیانه در مبارزه علیه زور و بیداد می گوید. بحثی درباره شمالیل نگاری سنتی و شمالیل نگاری مذهبی داشتید، این دو چه مشابهت و تمایزاتی دارند؟

هنر شمالیل نگاری در ایران ویژگی‌های خاص خودش را دارد. این ویژگی‌ها هنر شمالیل نگاری را از لحاظ مضمون و شیوه نگارگری و جنبه تقدس آن از شمالیل نگاری در نقاط دیگر جهان به ویژه غرب جدا می‌کند. شمالیل‌های ایرانی بیشتر جنبه مردمی یا به عبارت دیگر جنبه فولکلوری دارند. هنر و موضوع این نقاشی‌ها بر خاسته از فرهنگ عامه است و بن‌مایه‌های آن نمایانگر اندیشه و احساس ملی، قومی و مذهبی مردم و مفاهیم و معانی و برداشت‌هایی است که مردم از تاریخ اسطوره‌ای، حماسی و مذهبی در ذهن دارند. تصویر گران‌عامه در هنر شمالیل نگاری گرایشی سخت متعصبانه به قدرت و شوکت معنوی داشته‌اند. این گرایش‌ها را در نقشینه کردن جلال و صولت قدیسان و معصومان و قهرمانان دینی -مذهبی و قهرمان حماسه‌های ملی -قومی متعلق به دوره‌های اساطیر و افسانه‌ای و تاریخی ایران نشان داده‌اند.

یکی از شیوه‌های هنر تصویرگری در ایران کهن شمالیل نگاری یا تمثال سازی از چهره‌ها و زندگی قهرمانان ایرانی در واقعه‌های اسطوره‌ای، افسانه‌ای و تاریخی بوده است. سنت شمالیل نگاری قدیم در دوران اسلامی نیز با وجود منع مذهبی در پرداختن به صورتگرگی همچنان ادامه پیدا کرد، اما بیشتر شکل دینی -مذهبی احتمالا از اواخر دوره بوییان در فاصله سال‌های ۳۲۰ الی ۴۴۸ قمری به این سو در ایران معمول بوده است. پیش از آن و از زمان پیش از دوره اسلامی، ایرانیان چهره و پیکره شاهان و پهلوانان اساطیری و ملی و صحنه‌های وقایع برجسته افسانه‌ها و داستان‌های ملی خود را روی دیوارها و ایوان‌ها و سنگ‌ها و برگ‌های کتاب نقاشی می‌کردند.

قالیشویان را به عنوان آیینی در سوگ شهید ارزیابی کرده‌اید. این مراسم از چه زمانی رواج پیدا کرد؟

از زمان شهادت امامزاده سلطان علی تا کنون هر سال در سیزدهم پاییز روز سالگرد خاکسپاری امامزاده و در چند دهه اخیر در یکی از جمعه‌های اول پاییز، جمعه‌ای میان روز هشتم تا چهاردهم مهر، طایفه فینی در مشهد اردهال گرد هم می‌آیند و آیین شهیدشویی و خاکسپاری شهید اردهال را در مناسک تمثیلی قالیشویان تکرار می‌کنند و به نمایش می‌گذارند. در این مراسم فینی‌های چوب به دست یک تخته‌قالی را که مظهری از شهید یا تابوت شهید می‌دانند، از خادمان آستانه امامزاده تحویل می‌گیرند و در حالی که چوب‌دستی‌هایشان را در هوا تکان می‌دهند، تکبیر گویان و حسین، حسین گویان‌قالی را به میدان ده می‌برند و در کنار نهر آب معروف به نهر شازده حسن بر زمین می‌گذارند. در این هنگام یکی از ریش‌سفیدان محل به دعاگویی و لعن و نفرین می‌پردازد. نخست نیاکان طایفه‌های فینی و خواه‌ای را به سبب یاری دادن به حضرت سلطان علی و یارانش به خاک سپردن شهیدان دعای کند. بعد معاندان و نیاکان طایفه‌های نشلگی و کله جاری را به علت شکستن عهد و یاری دادن به دشمنان سلطان علی لعن و نفرین می‌کنند و مردم نیز همصدا با هم «بیش‌باد» می‌گویند. پس از پایان مراسم دعا و نفرین چوب به دستان فینی‌قالی را به صورت تمثیلی غسل می‌دهند و درحالی که نوحه می‌خوانند و سینه می‌زنند، قالی را به آستانه امامزاده بازمی‌گردانند. در مورد قدمت این مراسم آیینی کتاب‌های تاریخی و شرح حال امامزادگان، همچنین تاریخ‌های محلی و مذهبی تا سده سیزدهم هجری - قمری از واقعه جنگ و شهادت امامزاده سلطان علی در اردهال خیر و گزارشی نیست. حسین نراقی در پانویشت تاریخ اجتماعی کاشان نوشته ۱۳۴۵شمسی به‌دست نویسی از نویسنده‌ای گنم‌ام اشاره می‌کند و می‌نویسد که شرح احوال سلطان علی و چگونگی شهادتش در این رساله که در سال ۹۳۳ هجری - قمری نوشته شده، آمده است. اگر این قول را بپذیریم، نخستین گزارش کتبی از این واقعه به سال‌های نخستین دوره سلطنت صفوی بازمی‌گردد.

جست و جوی جشن نیاکانی نوروژ در متون کهن

پیشینه اشاره به نوروژ را باید در متن های پهلوی (فارسی میانه) جست و جو کرد. یک نمونه آن متن کوچک «ماه فروردین، روز خرداد» (چاپ ابراهیم میرزای ناظر - انتشارات ترانه ۱۳۷۳) است. در این کتاب کم برگ، از رویدادهایی سخن به میان می آید که زمان آن در خرداد روز از ماه فروردین (ششم فروردین) بوده است و خواهد بود. آن رخدادها عبارتند از آفرینش جهان، پدید آمدن کیومرث و سرگذشت کسانی نظیر هوشنگ، جمشید، فریدون، کیخسرو، آرش، گشتاسب و رویدادهای کیهانی که با نوروژ پیوند دارند. «ماه فروردین، روز خرداد» که به گمان بسیار در زمان خسرو پرویز ساسانی (۵۹۱-۶۲۸ میلادی) نوشته شده است، با جشن نوروژ پیوندی نزدیک دارد. در متن های پهلوی «دینکرد» و «نیرنگستان» نیز اشاره های پراکنده ای به جشن نوروژ وجود دارد.

از سده های بعد و در قرن ششم قمری کتابی به نام «نوروژنامه» می شناسیم که آن را نوشته حکیم عمر خیام نیشابوری (درگذشته به سال ۵۱۷ قمری) می دانند. این کتاب که با نثری ساده و شیوا نوشته شده است، درباره پیدایش نوروژ و آیین های آن است. در «نوروژنامه» یاد شده است که جشن نوروژ در روزگار کدما پادشاه پدید آمد و ساسانیان چگونه این روز را گرامی می داشتند. خیام درباره پیدایش نوروژ می نویسد: «پس جمشید در اول فروردین جشن ساخت و نوروژش نام نهاد و مردمان را فرمود که هر سال چون فروردین نو شود آن روز را جشن کنند و آن را روز نو دانند.» «نوروژنامه» چاپ های مختلفی دارد. نخستین بار آن را مجتبی مینوی تصحیح و منتشر کرد (۱۳۱۲) و بعدها در سال ۱۳۳۳ علی حصوری ویرایش تازه ای از آن ارائه داد. (چاپ دوم - نشر چشمه، ۱۳۸۲).

در «آثار الباقیه» ابوریحان بیرونی و «تاریخ بیهقی» ابوالفضل بیهقی دبیر نیز اشاره هایی به نوروژ وجود دارد، اما درباره خاستگاه نوروژ از همه مهم تر سخن فردوسی در شاهنامه است. در آنجا می خوانیم که جمشید شاه به فریاد تختی می سازد و گوهر های فراوان و رنگارنگی در آن به کار می برد و در نخستین روز سال بر آن تخت گوهرین می نشیند و جشن نوروژ را بنیان گذاری می کند: «سر سال نو هر مز فرودین / ابر آسوده از رنج تل دل ز کین / بزیرگان به شادی بیار استند / می و جام و رامشگران خواستند / چنین جشن فرخ از آن روزگار / به ما ماند از آن خسروان یادگار» (چاپ خالقی مطلق - جلد اول - مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی ۱۳۸۶).

از این اشاره های تاریخی که بگذریم، به شماری از کتاب های منتشر شده درباره جشن های ایرانی می رسیم که فصلی نیز درباره نوروژ و آداب و رسوم آن دارند. یک نمونه از آن کتاب ها «گاه شماری و جشن های ملی ایرانیان» است که سالیان پیش ذبیح الله صفا منتشر کرد (۱۳۵۵). این کتاب هنوز هم مرجعی معتبر و آگاهی بخش به شماری آید. نویسنده در تحقیق خود به شیوه گاه شماری که در ایران باستان مرسوم بود اشاره می کند و به فلسفه و دلیل برپایی جشن های ایرانی می پردازد. بخشی از این کتاب درباره نوروژ است، اما پیش از آن علی خورشیدیلمانی مجموعه جستارهایی را درباره جشن های ایرانی در کتاب «جشن های باستانی ایران» (انتشارات آقبال - ۱۳۴۲) گردآوری کرده بود. به همین گونه می توان از کتاب «جشن های ایران باستان» از مراد اورنگ (۱۳۳۵) یاد کرد. هر یک از این دو پژوهشگر پاره ای از کتاب خود را به جشن نوروژ اختصاص داده اند. یکی از تازه ترین پژوهش هادراین زمینه نیز از سوی محمود روح الامینی و در کتاب «آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز»

(انتشارات آگاه - ۱۳۷۶) انجام شده است.

عسکر بهرامی در کتاب «جشن های ایرانیان» (دفتر پژوهش های فرهنگی - ۱۳۸۳) در چهار فصل جداگانه، ابتدا درباره گاه شماری و پیشینه جشن های ایرانی آگاهی هایی را در اختیار خواننده می گذارد و تحولات گاه شماری ایرانی و شیوه نامگذاری روز و ماه در ایران باستان را بررسی می کند و به انواع جشن ها در ایران کهن می پردازد. سپس فصلی دیگر از کتابش را به برشمردن جشن های دینی اختصاص می دهد. یکی از آن جشن ها گاهنبارها هستند و دیگری نوروژ. گاهنبار مجموعه جشن هایی است که در بزرگداشت شش آفریده خداوند (آسمان، آب، زمین، گیاه، حیوان و آتش) برگزار می شود. معنای نوروژ و شیوه برگزاری آن و باورهای مربوط به نوروژ نیز در همان فصل آورده شده است. از برپایی نوروژ در روزگار باستان و پس از اسلام نیز اطلاعات مفیدی در اختیار خواننده گذاشته شده است. فصل دیگر کتاب بهرامی درباره جشن های غیر دینی (همانند مهرگان و سده) است. سرانجام در فصل پایانی درباره جشن هایی که نزد ایرانیان، مسلمان، کلیمی، آشوری و مندایی وجود دارد، مطالبی به دست داده شده است. و در اینجا باید از کتاب «جشن های آب» هاشم رضی یاد کرد (انتشارات بهجت، چاپ چهارم - ۱۳۸۵). این کتاب گسترش یافته تحقیقی است که سالیان پیش نویسنده منتشر کرده بود؛ و «نوروژ» سوابق تاریخی تا به امروز» (انتشارات فروهر - ۱۳۵۸) نام داشت. می توان گفت که کمتر موضوع اساسی است که با نوروژ و ریشه های تاریخی آن پیوند داشته باشد و در این کتاب اشاره ای به آن نشده باشد. نوروژ و گذشته تاریخی آن علت پیدایش نوروژ، نوروژ بزرگ و کوچک، مراسم نوروژی در جاهای مختلف و بسیاری از جستارهای آگاهی بخش دیگر را در کتاب رضی می توان یافت. کتاب های آیین های نوروژی، از مرتضی هنری (مرکز مردم شناسی ایران - ۱۳۵۳)، «آیین برگزاری جشن های ایران باستان» از اردشیر آذرگشسب (بنیاد فرهنگ آریایی - ۱۳۵۶) و «نوروژ و بنیاد نجومی آن در همسنگی با تخت جمشید» از یحیی ذکاء (انجمن فرهنگ ایران باستان - ۱۳۵۸) از منابع با ارزش و سودمندی است که خواننده را با پیشینه دراز دامن و گذر تاریخی نوروژ آشنا می کنند.

علی بلوکباشی در کتاب «نوروژ جشن نوزایی آفرینش» (دفتر پژوهش های فرهنگی - ۱۳۸۰) از رفتارهای آیینی مردم در زمان نوروژ سخن می گوید و از آداب و رسومی یاد می کند که در فرهنگ مردم ایران جنبه مشترک و همگانی دارد. چگونه پدید آمدن و پیشینه نوروژ نیز به گونه ای فشرده بررسی و توصیف شده است. نویسنده به تحلیل مردم شناختی جشن نوروژ و پیوند آیین های آن با نوشدگی سال و نقش و کارکرد آن می پردازد. کتاب بلوکباشی که تاکنون چندین بار بازچاپ شده است، چهار فصل دارد. نخست درباره خاستگاه نوروژ بحثی به میان آمده است، سپس پیک های نوروژی و به پیشواز رفتن این جشن بررسی شده است و آن گاه دو فصل پایانی به آداب تحویل سال و روزهای نوروژ، بازی ها و نمایش های جشن نوروژ و مراسم سیزده به در اختصاص داده شده است.

درباره زمان پدید آمدن و شکل گیری نوروژ کتاب جواد برومند سعید به نام «پژوهشی نوین از پیدایی نوروژ» (۱۳۷۷) منبعی قابل توجه است. «جشن های ایرانی» پرویز رحبی (انتشارات آرتامیس - ۱۳۸۸) و «جشن های آریایی» جلال سیمانی (دفتر نشر سیمرو، جلد ۲ - ۱۳۸۷) که جلد دوم آن به نوروژ اختصاص دارد، «جشن نوروژ» حسین آذران (انتشارات هیرمند



(۱۳۸۱)، «نوروژ جشن کهن و جاودان آریایی» پژوهش و نگارش احمد نوری (انتشارات آرتامیس - ۱۳۸۸) و «از عید نوروژ چه می دانید؟» نوشته محمد حسین نوحه خوان (۱۳۸۴) هم راهگشای خواننده اند و زمینه شناخت او را از جشن های ایرانی، به ویژه نوروژ، فراهم می کنند.

از دو مجموعه مقالات نیز باید نام برد، نخست «جشن نوروژ و چهارشنبه سوری و سیزده به در» که دربرگیرنده دوازده متن سخنرانی است و در سال ۱۳۵۶ منتشر شده است و نیز «مجموعه مقالات نخستین همایش نوروژ» که از سوی گروه مردم شناسی آیین پژوهشکده مردم شناسی منتشر شده است (سازمان میراث فرهنگی - ۱۳۷۹). در کتاب اخیر مقالاتی مانند «آیین خنیاگری و نغمه های نوروژی» از محمدرضا درویشی، «نواهای نوروژی گمشده» از بهروز وجدانی، «نوروژ در روایات شیعه» از نادر کریمیان و «نوروژ آیین جهان شمول زایش و رویش و رستاخیز» از دکتر حکمت ملاصالحی به چشم می خورد.

کتاب «از نوروژ تا نوروژ» آیین ها و مراسم سنتی زرتشتیان ایران» پژوهش و نگارش کوروش نیکتام (انتشارات فروهر - چاپ سوم، ۱۳۸۵) نگاه به برخی از آیین های کهنی دارد که در گوشه و کنار ایران و مناطق زرتشتی نشین برگزار می شود. در این کتاب به شیوه برگزاری نوروژ در بین زرتشتیان و جشن ها و مراسمی که در فاصله یک سال، از نوروژ تا نوروژ، برگزار می شود، پرداخته شده است. به ویژه به خوراکی های سنتی که در نوروژ استفاده می شود، سفره هفت سین و مراسم سیزده به در و دیگر مراسمی که در زیارتگاه های زرتشتی برپا می شود، نگریسته شده است و از این راه مرجعی تازه و راهگشا در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است.

درباره آداب سفره هفت سین و فلسفه و باورهای مربوط به آن، کتاب هایی منتشر شده است. از جمله می توان «هفت سین» تحقیق مشترک محمدرضا نوروژی و محمد جواد غفورزاده (خانه پژوهش - ۱۳۸۴)، «هفت سین» از نسرین جهرمی زاده (انتشارات دانش نما - ۱۳۸۴) را برشمرد. دادخواه در کتاب خود به بررسی وجه نمادین نوروژ در فرهنگ کهن ایران می پردازد و نشانه ها، نمادها و رمزهای آن را مورد توجه قرار می دهد. این کتاب به چاپ هشتم رسیده است. در این کتاب پژوهشی، می بینیم که هر یک از سین های هفت سین سخنی برای گفتن و اندرزی برای شنیدن دارند. از این رو باید به چشم پندآموزی به آنها نگریست و گوش پندآموز داشت تا به رمز گشایی

این نشانه ها دست یافت. سنجد، گام نخست سفره هفت سین به نشانه ورود به سرزمین خرد، ندای خردگرایی و دعوت به عقلانی بودن است. گام دوم، سیب، راهیابی به شهر سلامتی و نماد صحت، سلامت شخص و جامعه است. سومین قدم، سبزه رسیدن به ساحل ایثار و مفهوم آن صلاهی از خود گذشتگی و ایثار است. پایه چهارم سمون، دستیابی به خانه توانایی و نیایش قدرت و مبارزه با ضعف است. گام پنجم؛ سیر، نماد و نشانه مناعت طبع که شایسته است انسان همواره با قناعت بر جهان بنگرد. شاخه ششم، سرکه، نماد پذیرش نامالایمات و پذیرش واقعیت های حیات است و گام هفتم، سماق، نماد و نشانه صبر، بردباری و شرط دستیابی به پیروزی و نشستن بر اریکه کامیابی، مبارزه و مقاومت است.

آب، سکه، ماهی، آینه، شمع، ساعت، تخم مرغ، سنبل و گلاب که هر یک صیقل زمینی و شفافی حیات و زیبایی زندگی را بیان می کنند، همگام با هفت سین در هر سفره در سر آغاز هر سال، سایه به سایه «سین» ها می نشینند و اشاراتی از نماد مادی در رهیابی به حیات معنوی به شمار می روند.

«آداب و رسوم نوروژ» (انتشارات بین المللی الهدی - ۱۳۷۸) نوشته رضا شعبانی نیز تحقیق و پژوهش ارزشمندی به شمار می آید. به باور شعبانی، در میان تمامی روزهای جشن و سروری که در میان ملت های جهان وجود دارد و از گذشته های دور تا امروز اعتبار و منزلت اجتماعی خود را حفظ کرده، نوروژ در ردیف مهم ترین آنها به شمار می آید. این جشن از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی یک کشور و یک ملت خاص (ایران و ایرانیان) فراتر می رود و گستره جغرافیایی و انسانی وسیعی را دربرمی گیرد، زیرا نوروژ جشن طبیعت است.

برای بررسی جامع آیین نوروژی و شناخت پیشینه تاریخی آن و نیز علت ماندگاری آن، کتاب به یک مقدمه و ۹ فصل تقسیم شده است. در مقدمه کتاب پیشینه تاریخی، ویژگی های عید نوروژ و علت های ماندگاری آن تشریح شده است. فصل اول به چگونگی نام گذاری و علت های پیدایش نوروژ اختصاص دارد.

مقدمات نوروژی همچون چهارشنبه سوری، عاشق زنی، حاجی فیروز و ... موضوع فصل دوم را تشکیل می دهد. جنبه های مختلف نوروژ در فصل سوم بررسی شده و جشن ها و مراسم نوروژی در فصل پنجم آمده است. در فصل ششم سیر تاریخی نوروژ در دو بخش ایران باستان و دوران اسلامی، بررسی شده است. نوروژ در روایات اسلامی موضوع فصل هفتم است و نوروژ در میان دیگر اقوام و ملل در فصل هشتم مورد بررسی قرار گرفته است. فصل نهم و پایانی آیین نوروژی در بخش های مختلف ایران را بررسی کرده است.

همچنین «ترانه های هفت سین» از مرجان کشاورزی آزاد و نرگس دلاوری (انتشارات مدرسه - ۱۳۸۴) نگاهی دیگر به رفتارهای شادی آفرین و سرگرم کننده نوروژی است. به همین گونه اشاره به کتاب های «جشن ها و آیین های ایرانی نوروژ باستانی؛ یلدا، چهارشنبه سوری، نوروژ» ترجمه محمدرضا افشارزاده (انتشارات ملبر - ۱۳۸۴) و «سنت های ماندگار، نوروژ، یلدا و چهارشنبه سوری» از بصیر کوشکی (انتشارات سیفا - ۱۳۸۶) ضرورت دارد. بررسی نوروژ از دید شرع نیز در دو مرجع زیر قابل دسترسی است. «چشم انداز نوروژ از نظر گاه اسلام و تاریخ» پژوهش محمد ناصر حسینی علایی و ابوالفضل حسن آبادی (انتشارات جهان جام جم - ۱۳۸۱) و «عید نوروژ از منظر شرع و عقل» از حسنعلی خزانلی (انتشارات فاضل - ۱۳۸۲).



گذری بر فعالیت های بنیاد شهید و امور ایثارگران در تولید و انتشار آثار مکتوب

روایت همیشه سبز ایثار بر برگ های کتاب



بنیاد شهید انقلاب اسلامی که اکنون بنیاد شهید و امور ایثارگران نام دارد، ۲۲ اسفند سال ۱۳۵۸ به فرمان رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی (ره) بنیان نهاده شده تا علاوه بر حمایت از خانواده معظم شهدا و ایثارگران، فرهنگ بزرگ و گرانمایه ایثار و شهادت را حفظ و به نسل های بعدی منتقل کند. بخشی از این وظیفه برعهده صاحبان قلم است و معاونت پژوهش و انتشارات بنیاد شهید نیز با حمایت های خود از نویسندگان عرصه دفاع مقدس و ایثار عرصه را برای پیشبرد اهداف نشر شاهد هموار می کند.

معاونت پژوهش و انتشارات بنیاد شهید طی سال ها فعالیت، توانسته آثار متعدد و متنوعی را در حوزه های مختلف مکتوبات به چاپ برساند، آثاری با درجه کیفی متفاوت که گاه باعث شده است یک نویسنده گام نخست را برای ورود به عرصه نویسندگی بردارد و این راهی توان از ویژگی های این انتشارات به حساب آورد. اما روند تولید و انتشار کتاب و همچنین نحوه حمایت از نویسندگان تا حدی با برخی ضعف ها روبه روبرو بوده که در نهایت باعث شد مسوولان این انتشارات رویکردی نو را در پیش بگیرند.

در این گزارش با این رویکردها و سایر برنامه های معاونت پژوهش و انتشارات بنیاد شهید آشنا می شویم.

چتر حمایتی گسترده می شود

طی سال های اخیر تغییر سیاست های بنیاد شهید در حمایت از کتاب و نویسندگان، با رویکردی جدید باعث کشف نقایص و جبران کاستی های گذشته شده است.

محمدعلی فقیه، مدیرکل انتشارات و اطلاع رسانی بنیاد شهید و امور ایثارگران، با اشاره به تغییر سیاست های این انتشارات، درباره برنامه های حمایتی این نهاد می گوید: «حمایت از نویسندگان، ناشران بخش خصوصی و نویسندگان ایثارگر برای گسترش فعالیت های فرهنگی از جمله سیاست های ماست یکی از این تغییرات در بخش خرید و توزیع کتاب انجام شد. در گذشته کتاب ها را خریداری و آنها را توزیع می کردیم که این کار برای بنیاد هزینه داشت و از سویی کتاب ها آن گونه که باید، به فروش نمی رسیدند. بنابراین کار نشر و توزیع کتاب به بخش خصوصی سپرده شد تا توزیع کتاب ها بهتر انجام شود. این کار باعث کاهش هزینه ها هم شده است و کتاب با قیمت کمتری در اختیار مخاطب قرار می گیرد.»

طبق برنامه های جدید، ناشران و نویسندگان صاحب سوزنه اند می توانند از سیاست های حمایتی انتشارات بنیاد شهید بهره مند شوند. فقیه در این باره می گوید: «ناشری که سوزنه دارد و نویسنده خود را انتخاب کرده است، می تواند به ما مراجعه و سوزنه و نویسنده را معرفی کند. اگر سوزنه مطرح شده، اصالت داشته باشد و انتشارات بنیاد شهید در موضوع سوزنه و نویسنده، با ناشر به توافق برسد، یک سوم هزینه تالیف یا بیشتر کتاب را پرداخت می کند و ناشر سوزنه پیشنهادی را چاپ و توزیع می کند تا کتاب با هزینه کمتری در اختیار مخاطب قرار بگیرد. این طرح به ناشران اعلام شده است و تعدادی از آنها آمادگی خود را برای استقبال از این طرح اعلام کرده اند.»

بانک سوزنه برای نویسندگان

تربیت نویسندگان، هدف اصلی معاونت پژوهش و انتشارات بنیاد شهید است. این معاونت با ایجاد بانک سوزنه، سوزنه های بسیاری را در اختیار نویسندگان قرار می دهد.

فقیه درباره نحوه شکل گیری بانک سوزنه می گوید: «برای ایجاد بانک سوزنه از نویسندگان خوش ذوق دعوت کردیم تا موضوعات بکر و به روزی را که

برای تشویق بیشتر از بنیاد شهید دریافت خواهند کرد. **استاد راهنما برای نویسندگان** آثار فرهنگی در این نهاد توسط دو بخش تولید و منتشر می شوند. یک بخش مباحث فرهنگی را گسترش می دهد و دیگری افزایش ظرفیت و شکوفایی توانمندی ها را عهده دار است.

محمدعلی فقیه در این باره می گوید: «معاونت پژوهش بنیاد شهید رویکردی عام دارد و برای اهداف خود مرز نمی شناسد و از تمامی نویسندگان حمایت می کند. این حمایت ها در کمیسیون بنیاد شهید با دادن مجوز انتشار به کتاب های تالیفی صورت می گیرد که براساس آن کتاب ها باید امتیاز ۷۰ از ۱۰۰ را بیاورند تا حمایت شوند. البته این کمیسیون فرصتی برای ارتقای سطح کیفی اثر برای نویسندگان فراهم می کند. براین اساس، نویسندگانی که امتیاز ۶۰ از ۱۰۰ را بیاورند، می توانند روی کتاب خود کار کنند تا امتیاز آنها بالا بیاید و بتوانند اثرشان را چاپ کنند.»

معاونت پژوهش و انتشارات بنیاد شهید برای حمایت بیشتر از نویسندگان و ترغیب آنها به تالیف، به نویسندگانی که قلم ضعیف تری دارند، استاد راهنما معرفی می کند تا بر کیفیت اثر خود بیفزایند. فقیه در این باره می گوید: «این معاونت وظیفه آموزش نویسندگان را ندارد، اما برای حمایت از نویسندگان استاد راهنما معرفی می کند و هزینه آن را می پردازد تا اثر نویسنده ارتقا پیدا کند.»

تبادلات فرهنگی

ترجمه آثار حوزه ایثار و شهادت و ارسال آنها به کشورهای خارجی، راهی برای تبادلات فرهنگی است که بنیاد شهید و امور ایثارگران با استفاده از ظرفیت ناشران خارجی، از آن بهره برده است.

در این راستا، طی دو سال گذشته در طرحی از ظرفیت ناشران همسوی خارجی در نمایشگاه بین المللی کتاب، از سالن بازار جهانی نشر مانند بازار فرانکفورت استفاده و به جای عرضه کتاب، تبادل حق نشر مطرح شد و بنیاد توانست با ناشرانی از لبنان قرارداد نشر ۱۴ عنوان کتاب کار را ببندد که این تبادلات هنوز هم ادامه دارد.

همچنین ناشرانی از کشور پاکستان هفت کتاب را برای ترجمه به زبان اردو برگزیدند و ترکیه ای ها نیز سه عنوان کتاب را برای ترجمه انتخاب کردند که آثار ترجمه شده در کشور مقصد به فروش رفت.

معاونت پژوهش بنیاد شهید و امور ایثارگران تاکنون توانسته ۲۸ عنوان کتاب را به زبان های مختلف توسط ناشران خارجی ترجمه و منتشر و در بازار کتاب کشورهای ترکیه، پاکستان، هند، کشمیر و تمامی کشورهای عربی عرضه کند.

فقیه در این باره توضیح می دهد: «اکنون نیز در حال تبادل ترجمه ۲۲ عنوان کتاب به زبان اردو، عربی و انگلیسی هستیم که هشت عنوان کتاب آن با همکاری نشر «دارالهادی» کشور لبنان انجام شده است.»

مدیرکل انتشارات بنیاد شهید و امور ایثارگران در ادامه اظهار می دارد: «براساس تعاملات صورت گرفته، ناشران خارجی تمایل فراوانی به همکاری و همچنین بازار فروش مناسبی دارند که امکان استفاده بهینه برای دو طرف قرارداد را فراهم آورده است. براساس تعاملات، کار ترجمه و صفحه آرایی برعهده ناشر گذاشته می شود تا کتاب به سلیقه ناشر وارد بازار کتاب شود و کشور طرف قرارداد تنها حق نشر را به حساب بنیاد شهید و امور ایثارگران واریز می کند. کاری که بنیاد شهید درباره کارهای ترجمه شده در این حوزه انجام می دهد، بازخوانی متن های ترجمه شده برای حفظ محتوای مطالب است که نباید در ترجمه تغییر کند.»

کتابخانه ایثار و شهادت فرصتی برای آموختن

کتابخانه تخصصی ایثار و شهادت در سال ۱۳۵۷ راه اندازی شد و در اسفند سال ۱۳۸۴ به جرگه کتابخانه های رسمی کشور پیوست. اکنون این کتابخانه با هفت هزار عنوان کتاب دو نسخه ای در بخش مرجع و تخصصی، تبدیل به واحد پژوهشی و اطلاع رسانی برای محققان حوزه ایثار و شهادت شده است.

جلیل صفری، مدیرکل دفتر مطالعات و تحقیقات واحد پژوهشی معاونت بنیاد شهید، این کتابخانه تخصصی را فرصتی مناسب و ارزنده برای پژوهشگران این عرصه می داند و با اشاره به بخش کتاب های تخصصی این کتابخانه می گوید: «ابتدا اینجا کتابخانه داخلی معاونت پژوهش بود که با توجه به نیاز محققان جامعه امروز، درهای آن را از سمت اداره بنیاد شهید و امور جانبازان به سوی خیابان باز کردیم تا مورد استفاده عموم قرار بگیرد. اکنون ۷۰۰۰ عنوان کتاب تخصصی ایثار و شهادت در اختیار محققان و پژوهشگران قرار دارد که می توانند با استفاده از آنها کارهای پژوهشی و پایان نامه های آنها را تکمیل کنند.» صفری با بیان این مطلب ادامه می دهد: «در کتابخانه بخشی را به پایان نامه ها اختصاص داده ایم تا محققان علاوه بر استفاده از منابع و کتاب ها، به پایان نامه های تخصصی نیز دسترسی داشته باشند. اکنون تعداد پایان نامه های موجود در کتابخانه ۷۹۰ نسخه است که در کنار ۳۶۰ طرح پژوهشی استادان و محققان، مجموعه ای غنی را در اختیار علاقه مندان قرار می دهد.»

وی در ادامه به توسعه این منابع توسط بخش نرم افزاری اشاره می کند و می گوید: «بخش نرم افزاری کتابخانه شامل ۴۰۰ عنوان لوح فشرده ایثار و شهادت است که اطلاعات جامعی در اختیار مخاطبان قرار می دهد. در آینده ارزیابی منابع براساس نظام رده بندی کنگره را اجرا خواهیم کرد تا بتوانیم با سیستم الکترونیکی، مشکلات کمبود فضا را برطرف کنیم و امکان دسترسی آسان به منابع را برای محققان فراهم بیاوریم. اکنون دو هزار نسخه از کتاب ها وارد سیستم الکترونیکی شده اند که بعد از واردسازی اطلاعات تمام منابع، کتابخانه به صورت دیجیتال در اختیار مخاطبان قرار خواهد گرفت.»

کتابخانه تخصصی ایثار و شهادت تنها در این حوزه گام برمی دارد و سمت و سوی به جانب کتاب های حوزه جنگ ندارد. صفری در این باره می گوید: «این کتاب با هدف ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در زمینه هایی نظیر معرفت شناسی ایثار و شهادت در گذر تاریخ، ایثار و شهادت در هنر و ادبیات، ایثار و شهادت از نگاه حقوقی، ایثار و شهادت فرهنگی و اجتماعی و دیگر منابع مرجع فعال است. عموم افراد جامعه و کسانی که به حوزه ایثار و شهادت علاقه مندند می توانند از این کتابخانه استفاده کنند. صفری درباره جامعه مخاطب این کتابخانه می گوید: «این کتابخانه ویژه محققان و فرهیختگان است اما دانشجویان و افرادی که علاقه مندند نیز می توانند با ارائه مدارک شخصی خود، رایگان به عضویت کتابخانه درآیند و از امکانات آن استفاده کنند.»

کتابخانه تخصصی ایثار و شهادت با مساحت ۳۳۳ مترمربع، فرآیندهای با ظرفیت چهار نفر دارد که در آینده با توسعه مکانی، امکانات بیشتری را به خود اختصاص خواهد داد. مدیرکل دفتر مطالعات و تحقیقات با بیان این مطلب، می گوید: «انتقال کتابخانه از ساختمان معاونت پژوهش یکی از برنامه های ماست که در آینده اجرا خواهد شد تا با افزایش فضا به برنامه های جانبی کتابخانه افزوده شود و برنامه هایی که هر دو ماه ویژه نقد و بررسی کتاب ایثار و شهادت برگزار می شود، همزمان با گسترش فضا، با افزایش تنوع نیز روبه رو شوند.»



سجاد صاحبان زند

موسسه خانه کتاب، یکی از موسسات فرهنگی است که بیشترین حجم فعالیت‌های حوزه کتاب را در کشور انجام می‌دهد. این موسسه فرهنگی، در کنار برگزاری چندین جایزه ادبی و فرهنگی، با انتشار چندین نشریه و چند سایت خبری - فرهنگی، سهم مهمی از فضای فرهنگی کشور را به خود اختصاص داده است. در متنی که در ادامه می‌آید، علی شجاعی صائین، مدیرعامل موسسه خانه کتاب درباره این موسسه و فعالیت‌های آن طی سال ۱۳۸۸، توضیحاتی ارائه کرده است. وی همچنین به طور مختصر، از برنامه‌های سال آینده خانه کتاب گفته است.

«خانه کتاب در سال ۸۸» در گفت و گو با علی شجاعی صائین

مهم ترین وظیفه ما اطلاع رسانی است



زمینه اطلاع رسانی انجام شود و هنوز خیلی کاستی داریم. فکر می‌کنم در شرایط موجود کشور، اگر دو مساله انجام شود، میانگین شمارگان کتاب افزایش قابل توجهی خواهد داشت؛ یکی اطلاع رسانی و دیگری در دسترس بودن کتاب. شاید در دسترس بودن آن خیلی به فعالیت‌های موسسه مربوط نباشد، ولی در زمینه اطلاع رسانی ما باز هم باید کارهای بیشتری را انجام دهیم. در ارتباطاتی که با صاحبان نظران و نویسندگان و اهل فن داریم، می‌بینیم که این عزیزان هم گاهی از انتشار کتاب‌های فاخر و ارزشمند کشور باخبر نیستند. در این زمینه باید راهکارهای جدیدی را بیاندیشیم.

آیا می‌شود برای اطلاع رسانی بیشتر با صدا و سیما هم وارد تعامل شد؟

ما تعامل پراکنده‌ای با بعضی از گروه‌های سازمان صدا و سیما داشته‌ایم، بیشتر در رادیو و بعضاً با تلویزیون. به عنوان نمونه، رادیو قرآن همکاری مستمری با ما دارد، ولی این فعالیت‌ها منسجم نیستند. ما باید در داخل موسسه فکری بکنیم و بخشی از موسسه را موظف کنیم که به طور سامان یافته، پیگیر ارتباط با رسانه‌ها، به طور عموم و رسانه ملی به طور خاص باشد؛ و به ویژه گروه‌های فرهنگی که در تلویزیون درباره کتاب و مقالات فرهنگی کار می‌کنند. این آمادگی اجمالاً داخل رسانه ملی وجود دارد که برای معرفی کتاب اقدام کند. برای معرفی کتاب، فکر می‌کنم از سوی صدا و سیما این اقبال وجود داشته باشد و ما بتوانیم با تدابیری داخل موسسه، برای معرفی کتاب‌های برگزیده کمک کنیم.

در مورد برنامه‌های سال آینده که اشاره‌هایی هم داشتید، توضیحی بدهید.

در سال آینده، جایزه پروین را هم خواهیم داشت. در کنار آن، ما در همایش شاعران ایران و جهان که سال بعد برگزار خواهد شد، به نوعی مشارکت داریم. این همایش، بخش بین المللی جشنواره فجر است و با اطلاعاتی که ما داریم قرار است شاعران خارجی در این همایش حضور داشته باشند. علاوه بر این، امیدواریم در زمینه ارائه تسهیلاتی به اهل قلم فعالیت بیشتری داشته باشیم و تسهیلات بیشتری علاوه بر جوایز جشنواره در اختیار نویسندگان بگذاریم.

مثل بیمه و...؟

بیمه اهل قلم را در حال حاضر هم داریم. اینها فعالیت‌هایی‌اند که در واقع ما واسط بین اهل قلم و صندوق حمایت از نویسندگان و روزنامه نگاران و هنرمندان هستیم. در نظر داریم فعالیت‌هایی را در خود موسسه ساماندهی کنیم و موسسه رأساً تسهیلاتی را در اختیار نویسندگان و مولفان بگذارد. در زمینه نشر کتاب هم امیدواریم که بتوانیم کار خود را توسعه دهیم و کتاب‌های خوبی برای اهل قلم منتشر کنیم.

در زمینه گسترش فعالیت‌های خود موسسه چه برنامه‌هایی دارید؟

در حال حاضر مشغول بررسی پیشنهادی هستیم که بنا بر آن، قرار است یک نشریه کتاب ماه، به زبان انگلیسی منتشر شود.

همراه با یک سایت؟

البته این در حال بررسی است، ولی طبیعتاً همراه با سایت خواهد بود؛ چرا که کتاب‌های ماه اگرچه داخل سایت www.ketab.ir معرفی می‌شوند، ولی می‌خواهیم سایت جداگانه‌ای هم به آنها اختصاص یابد.

در پایان، از کتاب مرجع و کارنامه نشر بگوئید.

کتاب مرجع و کارنامه نشر، مرتب هر سال همزمان با نمایشگاه بین المللی کتاب تهران منتشر می‌شود و می‌تواند به ناشران ما خیلی کمک کند تا با حلقه‌های متعدد صنعت نشر همکاری بهتری داشته باشند.

به ویژه ایران امروز، کارهایی را حاضر کرده‌ایم که به زبان انگلیسی و فارسی منتشر خواهند شد. در حال حاضر هم مجموعه اسنادی را با همکاری مرکز پژوهش‌های ریاست جمهوری منتشر می‌کنیم که در واقع به نوعی به تاریخ معاصر ایران مربوط می‌شود و می‌تواند برای علاقه‌مندان این حوزه بسیار مفید باشد. دو یا سه عنوان از این مجموعه را منتشر کرده‌ایم و به زودی دو یا سه عنوان دیگر هم منتشر خواهد شد.

یکی از فعالیت‌های خانه کتاب، اطلاع رسانی برای ترویج فرهنگ کتابخوانی در جامعه است و برگزاری جشنواره‌های ادبی در این مسیر تاثیرهای فراوانی دارد. این برنامه‌ها را با تفصیل بیشتری توضیح بدهید؛ کارهایی که برای ترغیب مردم به کتابخوانی قرار است انجام شود...

یکی از این کارها، در واقع سایتی است که ما درباره جشنواره‌ها کتاب‌های منتشر شده در کشور داریم. مقدمات تاسیس این سایت در حال حاضر فراهم شده است. سایت www.ketab.ir از سال ۷۲ به این سو، که سال تاسیس موسسه است، اطلاعات کاملی را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد ولی سال‌های قبل آن کامل نیست و شاید حدود ۷۰ درصد عناوین را پوشش دهد. قطعاً این موارد کاستی را ظرف یک سال آینده تکمیل خواهیم کرد. در فاز اول، اطلاعات کتاب‌های بعد از انقلاب و در فاز دوم کتاب‌های قبل از انقلاب را تاجایی که وجود دارد، جمع آوری خواهیم کرد.

قبل از انقلاب چطور؟

ما اطلاعات خیلی کمی از سال‌های قبل از انقلاب داریم، قبل از انقلاب، تعداد عناوین خیلی فراوان نیست. در سال ۵۵ شاید حدود دوهزار و ششصد عنوان کتاب چاپ شده است.

طبق چه آماری؟

بر اساس آمارهایی که در کتابخانه ملی موجود است و بعضی از نشریات تخصصی که قبل از انقلاب، در حوزه کتاب و نشر کتاب منتشر می‌شده است و اطلاعاتی که از طریق بعضی از دوستان فعال در حوزه نشر کسب کرده‌ایم، این اطلاعات را دقیق‌تر استخراج خواهیم کرد. به هر حال تعداد عناوین کتاب در گذشته چندان بالا نیست.

البته مادر سال‌های اخیر خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) را هم داریم که دامنه فعالیتش، در حال توسعه است و خوشبختانه تعداد مراجعان به این سایت هم طی اسامال روند رو به پیشرفتی داشته که باعث خوشحالی است. ولی با این همه، گمان می‌کنیم که باید کار بیشتری در

در مورد بقیه فعالیت‌های خانه کتاب هم توضیحاتی بفرمایید.

بخش دیگری از وظایف ما، فعالیت‌های انتشاراتی است که شامل انتشار کتاب‌های ماه، کتاب هفته، خبرگزاری ایبنا و برخی از کتاب‌های مرتبط با حوزه نشر است. ما اسامال خوشبختانه موفق شدیم همه کتاب‌های ماه را در ظرف زمانی مشخص خودش با عناوینی که مقرر بود، منتشر کنیم. متأسفانه طی دو سه سال گذشته، روند منظمی در انتشار کتاب‌های ماه نداشتیم. اسامال، در نشریات کتاب ماه کاری انجام دادیم که به نظرم از لحاظ علمی کار بسیار موثری است. از سردبیران خواستیم کارشان را در زمینه طراحی و تولید زیر نظر هیات علمی انجام دهند. خوشبختانه این کار انجام شده و نشریات ما زیر نظر هیات علمی منتشر می‌شوند. در حاشیه این نشریات، به خبرگزاری ایبنا اشاره کنم که خوشبختانه اسامال یک سرویس جدید هم به آن اضافه شد و الان ایبنا با سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی فعالیت می‌کند. همکاران ما همچنین در حال آماده کردن سرویس زبان اسپانیایی هستند و امیدواریم از اوایل سال آینده بتوانیم اخبار کتاب ایران را به زبان اسپانیایی نیز برای علاقه‌مندان روی سایت عرضه کنیم. بازتاب‌های اولیه راه‌اندازی سرویس عربی خیلی خوب بوده است.

فعالیت دیگر ما، انتشار کتاب است. در سال گذشته غیر از کتاب‌هایی که به معرفی جشنواره‌ها و غیره می‌پردازند، حدود ۴۰ عنوان کتاب هم منتشر کردیم که حوزه‌های تخصصی نشر، مسائل مربوط به زندگی برخی از اهل قلم برجسته کشور، قرآنی و فعالیت ایرانیان در حوزه‌های تفسیر و حفظ منابع قرآنی را دربرمی‌گیرد. رسیدن این کتب به چاپ‌های بعدی، نشان از توجه مخاطبان دارد.

در سال‌های گذشته تعداد کتاب‌های چاپ شده در خانه کتاب بسیار محدود بود و اکنون این روند رو به افزایش است. چقدر برای انسجام و افزایش عنوان‌ها در سال آینده برنامه‌ریزی کرده‌اید؟

در اوایل سال آینده حدود ۵۰ عنوان کتاب منتشر خواهیم کرد. یکی از آن‌ها مجموعه کتاب‌هایی در زمینه تاریخ شفاهی ادبیات کودک در ایران است که حدود ۹ جلد است...

این پروژه در مراحل پایانی راطی می‌کند و امیدواریم به زودی به مرحله انتشار برسد. در زمینه آسیب شناسی ادبیات دفاع مقدس نیز کاری را انجام داده‌ایم که در دو جلد منتشر خواهد شد. درباره شاعران برجسته ایران،

خانه کتاب در سال جاری، روزهای پرمشغله‌ای را پشت سر گذاشت؛ هم جشنواره کتاب‌های فصل بود و هم جشنواره‌ها و برنامه‌های دیگر. لطفاً کمی در مورد برنامه‌های سال هشتاد و هشت صحبت کنید. از نظر شما، روند کار در این سال چطور پیش رفت؟

ما به طور کلی در چند شاخه فعالیت داریم؛ یک بخش از فعالیت‌های ما که شاید آشکارتر و بیشتر از همه در معرض دید و قضاوت باشد، برگزاری جشنواره‌های داوری کتاب است. اسامال ما طبق معمول جشنواره کتاب سال، جایزه جلال و کتاب‌های فصل و نیز جایزه گام اول جشنواره و نقد را برگزار کردیم. جشنواره پروین هم دو سالانه و در سال گذشته برگزار شده است و ان‌شالله در سال بعد برگزار خواهد شد. این جشنواره‌ها، به ویژه کتاب‌های فصل یک کار مستمر و بدون وقفه است. دوستان در دبیرخانه کتاب فصل هنوز فصل جاری را تمام نکرده، باید فراخوان دوره بعد را اعلام و کارشان را شروع کنند. کار پرمشغله‌ای در این زمینه وجود دارد ولی از این جهت خوشحالم که بازتاب فعالیت‌های ما مثبت بوده است. به عنوان مثال، کتاب سال دوره اخیر، که بیست و هفتمین دوره آن بود و در دهه فجر برگزار شد، از لحاظ تعداد کتاب‌های برگزیده نسبت به دوره قبل افزایش چشمگیری داشت، آن هم در شرایطی که معیارهای داوری اصولی‌تر و حتی سختگیرانه‌تر اعمال شد.

آیا این نشان دهنده این است که در سال گذشته کتاب‌های بهتری نوشته شده است؟

نمی‌شود این اتفاقات را صرفاً برآیند برگزاری جشنواره‌های کتاب دانست، ولی فعالیت‌هایی در حوزه کتاب شده است که بخشی از آن در این جشنواره‌های کتاب متجلی می‌شود. نتیجه این فعالیت‌ها، ارائه آثار فاخر بیشتر است. علاوه بر این، برگزاری مرتب و دقیق جایزه‌ها، خود به شناسایی آثار مهم و فاخر منجر شده است. به عنوان مثال، برگزاری جایزه کتاب‌های فصل، به جشنواره کتاب سال کمک کرده تا ما کتاب‌های بیشتری را به گردونه داوری بیاوریم. در سال ۸۶، کتاب‌های سال ۸۵ داوری می‌کردیم که چیزی حدود هشت هزار و ششصد عنوان بودند. در دوره بیست و ششم که سال گذشته برگزار شد، حدود پانزده هزار عنوان کتاب را داوری کردیم و اسامال حدود نوزده هزار عنوان را با توجه به اینکه حدود بیست و سه هزار عنوان کتاب چاپ اول داریم و تعدادی از اینها مثل کتاب‌های کمک آموزشی و فست‌ها، از گردونه داوری ما خارج‌اند، در نتیجه حدود ۹۰ درصد از آثار را داوری کرده‌ایم که این نکته را مدیون کتاب فصل هستیم. این نوع بازتاب‌ها و نگاه مسوولانه‌ای که از سوی همکاران ما اعمال می‌شود، برای من خیلی شیرین است. جشنواره گام اول هم ثمرات خوبی داشته است. به عنوان مثال من اسامال دیدم که یکی از برگزیدگان دوره دوم گام اول، از برگزیدگان جشنواره شعر هم بود. این تلاوم فعالیت‌ها، برای پدید آوردن‌گان، حالا چه نویسنده، شاعر، مولف، مترجم و مصحح، باعث دلگرمی و مایه امیدواری است. نمی‌خواهم بگویم با این کار کتابخوانی در کشور خیلی رونق می‌گیرد و وضعیت تغییر چشمگیری می‌کند، اما به هر حال ما به اندازه سهم خودمان باید تلاش کنیم و در این زمینه گام‌های بیشتری را برداریم تا بر رونق کتابخوانی بیفزاییم.

اسامال در حاشیه جشنواره‌های داوری کتاب، جشنواره نقد را هم داشتیم. در این جایزه کوشیدیم تا آثاری را که درباره کتاب و نقد آن نوشته شده، گرد هم بیاوریم. امیدواریم این آثار هم برای جشنواره نقد سال بعد در قالب کتاب عرضه شود.

پیشنهادهای نوروزی

تعطیلات نوروزی، جدای از همه رسم و آیین‌هایی که ریشه در جان ایرانیان دارد، شاید فرصتی پدید آورد برای مطالعه، برای داستان، شعر و ادبیات. آنچه در پی می‌آید، پیشنهادهای کتاب هفته از میان بهترین آثار منتشر شده در سال ۸۸ در چهار حوزه داستان و رمان، شعر، آثار ترجمه شده و آثار مربوط به کودکان و نوجوانان است. پیداست که تمام بهترین‌ها در صفحات پیش رو نمی‌گنجد، اما روزنامه نگاران کتاب هفته تلاش کرده‌اند برخی از این آثار را انتخاب کنند.

داستان و رمان (ترجمه)

ناپیدا

پل استر/ ترجمه خجسته کیهان

نشر افق/ چاپ اول ۱۳۸۸/ ۲۶۸ صفحه/ ۵۸۰۰ تومان



«ناپیدا» نخستین اثر پل استر، نویسنده آمریکایی است که همزمان با انتشار جهانی این اثر در ایران نیز منتشر شد. نویسنده در این رمان مانند سایر آثارش، داستان‌هایی تو در تو خلق می‌کند که گاه به ادبیات

معمایی شباهت دارند. اما ویژگی اصلی رمان حالت روان‌شناسانه آن است. استر در این اثر روان‌شناسی و شخصیت‌شناسی خاصی از شخصیت‌های داستان خود عرضه می‌کند.

در این رمان خاطرات مردی رو به زوال با نام «آدام واکر» را دنبال می‌کنیم. شخصیت اصلی داستان، خاطراتش را به صورت یک زندگی‌نامه نوشته است و می‌خواهد این نوشته‌ها را برای چاپ به یکی از دوستان نویسنده‌اش بپردازد. در خلال این ماجرا داستان به درون خاطرات «واکر» می‌رود و ماجراهای زندگی او را می‌کاود؛ از جمله جنایتی تکان‌دهنده که در ماجرای داستان بسیار تأثیرگذار است. نویسنده با کاویدن زندگی روبه‌زوال «واکر» پردازش شخصیت منفی را به اوج می‌رساند.

داستان اینچنین آغاز می‌شود: «در بهار ۱۹۶۷ با او برای نخستین بار دست دادم. در آن هنگام دانشجوی سال دوم دانشگاه کلمبیا بودم، پسری نادان با اشتیهای کتابخوانی و این باور (یا توهم) که روزی به جایی خواهم رسید که خود را شاعر بنامم و از آنجا که شعر بسیار می‌خوانم، قبلاً با مردی که همانا او بود در «دوزخ» اثر دانته آشنا شده بودم...»

شهرهای ناپیدا

ایتالو کالوینو/ ترجمه بهمن رئیسی دهکردی

نشر کتاب خورشید/ چاپ اول ۱۳۸۸

۲۰۸ صفحه/ ۲۲۰۰ تومان



ترجمه جدید رئیسی دهکردی از رمان «شهرهای ناپیدا»، اثر ایتالو کالوینو، نویسنده ایتالیایی و برنده نوبل ادبیات، همزمان با هشتاد و ششمین سالروز تولد این نویسنده در ایران منتشر شد.

کالوینو با این پرسش که «برای ما، شهر امروزی چه چیزی است؟» درباره این کتاب گفته است: «فکر می‌کنم در این کتاب چیزی همانند آخرین اثر عاشقانه خود در مورد شهرها را نوشته باشم، البته این کار را زمانی انجام داده‌ام که زندگی در آنها مشکل‌تر از همیشه شده است.»

در «شهرهای ناپیدا» از شهرهای عینی موجود و قابل مشاهده خبری نیست. تمام شهرهای آن خیالی هستند و نام زنی بر هر یک از آنها گذاشته شده است. کتاب از فصل‌های کوتاهی تشکیل شده و هر فصل

فرصت مناسبی است برای تفحص و تأمل در مسائلی که درباره شهرها صادق است.

کالوینو خود مقدمه‌ای برای این کتاب نوشته است. همچنین در ابتدا و انتهای هر فصل کتاب، نوشته‌ای هست که در آن مارکوپولو و قوبلای خان به تفکر و تأمل در مسائل می‌پردازند!

مقدمه کوتاه کالوینو که حاوی نکاتی درباره نوشتن اثر است چنین آغاز می‌شود: «کتاب، قطعه به قطعه به وجود آمد. بعضی مواقع فاصله زمانی بین آنها نیز بسیار طولانی بود؛ همانند اشعاری که بر صفحات می‌نوشتیم، احساسات پراکنده را گرد می‌آوردم.» داستان‌های کوتاه این مجموعه گاه به شهرهایی مملو از غم و اندوه و گاه شهرهایی شاد و سرزنده می‌پردازند. زمانی شهرها با ستارگان آسمان مقایسه و زمانی دیگر به آشغال‌دانی‌های فراینده‌ای تشبیه شده‌اند.

این داستان‌ها با عنوان‌های «شهرها و حافظه»، «شهرها و آرزو»، «شهرها و نشانه‌ها»، «شهرها و شکل‌ها»، «شهرهای بلند بالا»، «شهرها و داد و ستد‌ها»، «شهرها و چشم‌ها»، «شهرها و اسامی»، «شهرها و مرده‌ها»، «شهرها و آسمان»، «شهرهای پیوسته» و «شهرهای پنهان» و با همین طبقه‌بندی موضوعی در کتاب جای گرفته‌اند.

رهنمودهایی برای نزول در دوزخ

دوریس لسینگ/ ترجمه علی اصغر بهرامی/ نشر ماهی

چاپ اول ۱۳۸۸/ ۳۰۲ صفحه/ ۶۰۰۰ تومان



رمان «رهنمودهایی برای نزول در دوزخ» اثر دوریس لسینگ، برنده بریتانیایی نوبل ادبیات در سال ۲۰۰۷ که در کرمانشاه ایران در سال ۱۹۱۹ متولد شده، به عقیده مترجم آن متأثر از زندگی شرقی، شهر کرمانشاه و داستان‌های هزار و یک شب است.

نویسنده در این کتاب که یک رمان تخیلی است، شهری را تصویر می‌کند که شباهت خارق‌العاده‌ای به شهرهای شرقی از جمله کرمانشاه (محل تولد این نویسنده) دارد.

در خلال داستان، خواننده شاهد موجوداتی خیالی است که با انسان در ارتباط هستند. موجوداتی چون مرغ یا ماهی که شخصیت اصلی داستان با کمک آنها از اقیانوس خارج می‌شود. از سویی آن گونه که بهرامی، مترجم این اثر در مصاحبه‌هایش تأکید کرده، نثر لسینگ در این کتاب به نثر فارسی شباهت دارد. جمله‌ها کوتاه‌اند و نویسنده از بند‌های وصفی که در زبان انگلیسی مرسوم است، استفاده نمی‌کند. لسینگ در این کتاب ماجرای یک سفر فضایی را شرح می‌دهد؛ اما سفر در فضای درونی، شخصیت اصلی داستان که دانشمندی ۵۰ ساله است را در کنار یک رودخانه می‌یابند. نیمه اول داستان سیری در فضای درونی اوست و در نیمه دوم هویت و زندگی گذشته او شرح داده می‌شود.

از روی دست رمان نویسان

محسن سلیمانی/ انتشارات سوره مهر

چاپ اول ۱۳۸۸/ ۱۷۶ صفحه/ ۲۹۰۰ تومان



کتاب «از روی دست رمان نویس» مجموعه پنج گفت‌وگو با چهره‌های شاخص ادبیات داستانی جهان، یعنی ادوارد مورگان فورستر، ویلیام فاکنر، ارنست همینگوی، آلدس هاکسلی و ژرژ سیمون است

که با ترجمه محسن سلیمانی منتشر شده است.

یکی از نکات مثبت این کتاب رویارویی بی‌پرده با نویسندگانی است که با آثار خود روند رشد ادبیات داستانی جهان را سرعت بخشیده‌اند، نویسندگانی که دامنه شهرتشان روزبه‌روز بیشتر می‌شود و خوانندگان بیشتری به سوی آثارشان کشیده می‌شوند.

محسن سلیمانی در این کار سعی کرده است با انتخاب نویسنده‌هایی از دوره‌های مختلف و شیوه‌های نویسندگی گوناگون فضایی را برای استفاده بیشتر علاقه‌مندان به ادبیات داستانی فراهم کند. نوع ترجمه این مترجم در این کار به گونه‌ای است که حتی خوانندگان عادی هم می‌توانند از آن بهره لازم را ببرند و با الفبای نوشتن آشنا شوند.

برخلاف گفت‌وگوهای دیگر که معمولاً نویسنده‌ها از جهانی دیگر معرفی می‌شوند و سعی دارند فاصله نویسنده و مخاطب را بیشتر کنند گفت‌وگوهای این کتاب آنقدر صمیمی‌اند که خواننده، خود را جزئی از ذهنیت آنها تصور می‌کند و این انگیزه در او پدید می‌آید که کارهای داستانی آنها را پیدا کند و بخواند. معمولاً داستان‌نویسانی مانند ژرژ سیمون و ویلیام فاکنر به عنوان نویسنده‌هایی سخت‌خوان معرفی شده‌اند که هر خواننده‌ای نباید به دنبال آنها نزدیک شود، اما این کتاب کمک می‌کند تا لایه‌های گوناگون با جهان داستانی آنها بیشتر آشنا شویم و تصور غیر قابل دسترس بودن در ما از بین برود و شاید به همین دلیل باشد که این کتاب از دید نگارنده این سطور به عنوان یکی از بهترین کتاب‌های سال جاری مطرح است. به عنوان مثال بخشی از پاسخ فاکنر به این سوال که چطور نوشتن رمان «خشم و هیاهو» کردید را شروع کردید با هم می‌خوانیم:

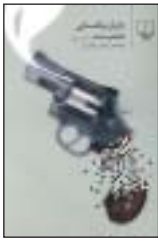
«... نوشتن این رمان را با یک تصویر ذهنی شروع کردم. البته آن موقع نمی‌دانستم که داستان نمادین است. این تصویر ذهنی تصویر دختری بود که پشت شلوارش گلی بود و از بالای درخت گلابی از پنجره‌ای مراسم تشییع جنازه مادر بزرگش را می‌دید و هر چه در آن اتاق می‌گذشت را برای برادرانش پای درخت بودند شرح می‌داد. وقتی شروع به نوشتن رمان کردم و همه بچه‌ها را معرفی کردم و گفتم دارند چه کار می‌کنند و چطور شلوار آن دختر گلی شده تازه فهمیدم که غیرممکن است که همه آنچه را می‌خواهم بگویم در قالب داستانی کوتاه بریزم و داستان باید تبدیل به رمان شود...»

عامه‌پسند

چارلز بوکفسکی/ ترجمه پیمان خاکسار

نشر چشمه/ چاپ دوم تابستان ۱۳۸۸

۱۹۸ صفحه/ ۴۰۰۰ تومان



عامه‌پسند، ششمین و آخرین رمان چارلز بوکفسکی، شاعر و نویسنده آمریکایی نسل «بیت» است که در سال ۱۹۹۴ منتشر شد. بوکفسکی چند ماه پس از انتشار این کتاب درگذشت.

نام اصلی کتاب «pulp» است. نویسنده بیشترین سعی‌اش را کرده که یک رمان بنویسد، رمانی که به عقیده برخی بهترین اثر منتشر این نویسنده است. این کتاب ماجرای پلیسی دارد و می‌توان آن را در رده ادبیات پلیسی هم قرار داد. با این وجود با سایر رمان‌های پلیسی تفاوت دارد. در آن هیچ جنایتی اتفاق نمی‌افتد و برخلاف سایر رمان‌های پلیسی، شخصیت کارآگاه در این رمان انسانی زیرک و توانا نیست؛ بلکه پیرمردی کم‌توان است و فقط به کمک شانس و دیگران موفق می‌شود وظیفه خود را انجام دهد.

شخصیت داستانی «هنری چیناسکی» که در سایر رمان‌های بوکفسکی وجود دارد، در این رمان تنها در یک صحنه کوتاه به داستان می‌آید و شخصیت اصلی داستان فرد دیگری است. بوکفسکی به سبک معمول خود در این رمان هم نویسنده‌های بزرگی چون فاکنر، همینگوی و توماس مان را به سخره می‌گیرد. خود او نیز هرگز درگیر سبک‌های ادبی نبوده است و همان‌طور که از نام این کتاب پیداست، عامه‌پسند رمانی ساده، با نثری کاملاً عامه‌فهم و قابل درک است. او در این رمان از اصطلاحات عامیانه فراوانی استفاده کرده است.

در نمایه اصلی این رمان، همانند بسیاری دیگر از

آثار و داستان‌های این نویسنده هجویات است و رگه‌هایی از طنز در آن دیده می‌شود. بوکفسکی در این رمان هم شخصیتی شبیه خودش را به تصویر می‌کشد و این خود اوست که در موقعیت‌های مختلف داستانی حاضر می‌شود و ماجرا می‌آفریند.

سفر فلیشا

ویلیام ترور/ ترجمه الهه دهنوی/ نشر مروارید

چاپ اول ۱۳۸۸/ ۲۵۲ صفحه/ ۴۲۰۰ تومان



این کتاب مانند اکثر آثار ترور به دنبال زنان تعلق دارد. شخصیت اصلی داستان یک دختر ایرلندی است که در جست‌وجوی دوستش از شهر کوچکی در ایرلند گریخته و وارد شهرهای صنعتی انگلستان می‌شود.

وی در این سفر با فردی به نام هیلدیچ برخورد می‌کند که می‌خواهد یکی دیگر را به شمار دخترانی بیفزاید که اکنون به خاطر آتش پیوسته‌اند. بازی‌های غریب زندگی، ذره‌ذره توهمات هیلدیچ و فلیشا را برملا می‌کند.

در رمان‌های ترور، گذشته همواره نقش بسزایی ایفا می‌کند. به این معنا که تاریخ و تحولات اجتماعی و سیاسی گذشته در زندگی امروز افراد جاری است و بخش عظیمی از شرایط کنونی آنها را رقم می‌زند. در داستان‌های او معمولاً شخصیت‌ها که اختلافات مذهبی و سیاسی گذشته بر زندگی‌شان سایه افکنده، دچار احساس گناهند و برای دست یافتن به آرامش و خوشبختی‌ای که وجود ندارد، از واقعیت می‌گریزند.

نویسنده در این کتاب نیز علاوه بر نقل ماجرای این دختر، دنیای درونی او را نیز واکاوی می‌کند. از این بابت این کتاب را می‌توان اثری دانست که به دنیای زنان می‌پردازد و اندکی هیجانی و حادثه‌ای است.

«سفر فلیشا» که بعد از رمان «تورگینف خوانی»، دومین اثر از این نویسنده ایرلندی است که به زبان فارسی ترجمه شده، برنده جایزه‌های وایت‌برد و ساندری اکسپرس و همچنین نامزد جایزه آیریش تایمز اینتر‌نشنال بوده است.

هرگز ترک مکن

کازئو ایشی‌گورو/ ترجمه مهدی غبرایی

نشر افق/ چاپ اول ۱۳۸۸/ ۴۱۶ صفحه/ ۷۰۰۰ تومان



رمان «هرگز ترک مکن» نوشته کازئو ایشی‌گورو، نویسنده انگلیسی متولد ژاپن، اثری تکان‌دهنده و آکنده از احساس شکنندگی و دردهای انسان معاصر است. دردهایی که به موجب بی‌توجهی به اخلاق و

انسانیت در پیشرفت‌های علمی، دامن‌گیر جامعه انسانی شده و درمانی جز توجه دوباره به اخلاق برای آنها نیست. این رمان به نقد شبیه‌سازی انسان در محیط‌های آزمایشگاهی می‌پردازد. تکان‌دهندگی اثر ناشی از نمایان شدن خاطرات به یادماندنی شخصیت‌هایی است که رفته‌رفته به حقیقت دوران کودکی به ظاهر شاد و نیز آینده خود پی می‌برند. آنها پس از سال‌ها درمی‌یابند که چرا موسسه هیلشم آنان را از کودکی پناه داده است.

ایشی‌گورو از چهار سالگی به انگلستان مهاجرت کرده و آثارش را به زبان انگلیسی می‌نویسد، اما آسیب‌دیدگی از جاکندگی و دورافتادگی از اصل به خوبی در آثارش نمایان است؛ از جمله در همین رمان، ژاپنی‌ها یک بار از یکی از جلوه‌های علم، یعنی توانایی بشر در شکافتن هسته‌های اتم، آسیب دیدند و فاجعه انفجار اتمی در ناکازاکی و هیروشیما را شاهد بودند. حالا ایشی‌گورو از جنبه دیگری از علم که شبیه‌سازی انسان است اظهار نگرانی می‌کند. ایشی‌گورو معتقد است در عین حال که می‌توان

از وجوه مختلف علم، استفاده های فراوانی در اصلاح وضعیت بشر کرد، بی توجهی به اخلاق و انسانیت در پیشرفت افسار گسیخته علم و تکنولوژی، نابودی بشریت را در پی خواهد داشت. نام کتاب برگرفته از یک ترانه است و مترجم کمی شاعرانگی در ترجمه آن به خرج داده است.

نوشتن از من خواندن از شما

کوردولا اشتراتمان / ترجمه مهشید میر معزی
نشر نگاه / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۱۴۳ صفحه / ۳۰۰۰ تومان



«نوشتن از من خواندن از شما» نخستین کتاب از کوردولا اشتراتمان، نویسنده و کم‌دین ۴۵ ساله آلمانی است که در ایران منتشر شده است. خود نویسنده اعتقاد دارد، این کتاب یک اثر ویژه است؛ چرا

که برای شما خوانندگان نوشته شده است. شمای که این کتاب را در دست دارید و با خود فکر می کنید آیا به آن نیاز دارم یا نه؟

نویسنده در مقدمه کتابش و در پاسخ به این پرسش می گوید: بله، شما به آن نیاز دارید! آخر مگر جز من فرد دیگری نگرانی ها، نیازها و تمایل شما را برای مورد توجه واقع شدن، این همه جلدی می گیرد؟ من، کوردولا اشتراتمان باشعورترین نویسنده تمام اعصار و قرون.»

البته بلافاصله در ادامه مقدمه می گوید: «کمی مبالغه کردم، ولی خوب تا حدی هم صحت دارد. اما خونسردی این زن که من باشم هم حدی دارد! اگر هنگام خواندن ناشی گری در آورید یا خود را به حماقت بزیند، متوجه می شود و بعد غرولند می کند، اما نگران نباشید. اگر کمی به خود زحمت بدهید و این کتاب را در وضعیتی آرام مطالعه کنید، بعد حالتان بسیار عالی می شود. می خندید، فریاد می زیند و با مشت به پهلولی همکاری خود می کوبید، چون می خواهید حتما یک قسمت فوق العاده با مزه این کتاب را برای او بخوانید. آن بخش بی نهایت خنده دار صفحه ۸۹، ۱۱۲، ۴۲ یا ۶۶ را. آه، خوب دیگر بس است. خودتان کتاب را بخوانید.»

میر معزی، مترجم در مصاحبه ای درباره این کتاب به آغاز سبک طنز نویسی جدیدی در دنیا اشاره کرده بود که ما در ایران چیز زیادی از آن نمی دانیم. در این شیوه جدید جهانی، طنز نویس لزوما نباید یک سوژه خنده دار را برای نوشتن برگزیند، بلکه اصل بر این است که هر موضوعی را بتوان به شکل طنز آمیز و جذاب برای مخاطب نقل کرد. به باور این مترجم «نوشتن از من خواندن از شما» طنزی از همین دست است.

بکت و آنتروپی

بابک توکل / انتشارات نمایش / چاپ اول ۱۳۸۸



۱۳۲ صفحه / ۲۰۰۰ تومان
ساموئل بکت نیاز به معرفی اولیه ندارد و شاید کمتر کسی وجود داشته باشد که در عرصه تئاتر به گونه ای نام او را نشنیده باشد یا اگر خرده علاقه ای به حوزه تئاتر داشته باشد یکی از آثار او را نخوانده باشد.

نکته قابل توجه در این کتاب که به همت بابک توکل منتشر شده پیوند یک نظریه معروف علمی یعنی «آنتروپی» با مساله هنر نمایشنامه نویسی بکت است.

مفهوم آنتروپی را برای اولین بار یک فیزیکدان و ریاضی دان آلمانی سده نوزدهم یعنی «رودلف کلاسیوس» برای اندازه گیری میزان انرژی که به صورت گرما و اصطکاک تلف می شود مطرح کرد و نویسنده با تیزهوشی بر آن است که این نظریه را به زبان نوشتاری، نت های موسیقی، کلمات شفاهی، تئاتر، تصاویر و بسیاری از علائم ارتباطی

دیگر ربط دهد.

مهم ترین بحث این کتاب آن است که به ما کمک می کند به شیوه ای آسان با بسط نظریه ای علمی و رسوخ آن به دنیای هنر آشنایی بیشتری پیدا کنیم.

توکل در بخشی از این کتاب نوشته است:

«... تراژدی های یونانی مفهوم آنتروپی و میرایی در زمان را با اعتقاد به قضا و قدر یا به عبارتی دیگر (فاتالیزم) بیان می کردند، اما در همان دوران هم عقایدی مخالف با آنتروپی فزاینده در حیطه نمایش شکل گرفته و آن چیزی نبود جز نمایش های کمدی که پایان های خوش آنها آنتروپی فزاینده یا به عبارتی رو به رشد را تبدیل به آنتروپی کاهنده می کرد...»

در یک جمع بندی کلی می توانیم بگوییم این کتاب به ما کمک می کند که چگونه از آنتروپی برای رسیدن به شیوه هایی برای تحلیل نمایشنامه استفاده کنیم و پرداختن به آثار بکت یکی از شروع های بسیار خوب در این زمینه است، به هر حال کاری که این دونوع (آنتروپی فیزیکی و ارتباطی) انجام می دهند این است که عادت های دیداری گفتاری و شنیداری ما در هم می ریزند و شاید همین امر باعث شده است که عده ای به اشتباه تصور کنند که بیشتر آثار بکت درباره محال بودن ارتباط بحث می کنند.

داستان و رمان (تالیف)

روز گودال

شکوفه آذر / انتشارات ققنوس / چاپ اول: ۱۳۸۸



۱۷۶ صفحه / ۳۵۰۰ تومان

ما معمولا کارهای اول نویسندگان جوان را زیاد جدی نمی گیریم. یعنی این که اگر شاهکاری هم توسط یک جوان خلق شود دوست نداریم زیاد درباره اش حرف بزنیم چون در فرهنگ ما همه جوان ها خام و ناپخته اند.

با این مقدمه نمی خواهم بگویم که اولین مجموعه داستان شکوفه آذر یک شاهکار محسوب می شود اما این را هم نمی شود گفت که کار و یکی از بهترین های سال ۸۸ نیست. آذر در مجموعه داستان روز گودال ۱۴ داستان کوتاه منتشر کرده که هر کدام برای خودشان راه و رسمی دارند که می شود زیاد درباره آنها فکر کرد و حتی نوشت.

یکی از مشخصات مجموعه داستان روز گودال که آن را از دیگر مجموعه های نوشته شده توسط نویسندگان زن متمایز می کند زبان، لحن و کردار کاملا زنانه است. شخصیت های اغلب کارهای نویسنده زنانه هستند که نه چیزی از زن های دیگر کم دارند و نه زیاد، بلکه زن هایی هستند که ما در زندگی روزمره با آنها مواجهیم. نکته قابل تامل درباره این زن ها شیوه نگاهی است که به پیرامون خود دارند و حس استقلال که مدام در پی آند. گرچه نویسنده در بسیاری موارد به این زن ها نگاهی اسطوره مانند دارد. اما بدون تعارف باید گفت که این نگاه هم با شخصیت ها همخوانی خوبی پیدا کرده و به عنوان مثال در داستانی چون «زن رودخانه» به اوج خود رسیده است.

نکته دیگری که با خواندن مجموعه روز گودال به ذهن متبادر می شود این است که داستان نویسی برای آذر امری جدی است و به راحتی می توان او را در زمره افرادی قرار داد که دارد سمت و سوهای مختلف ادبیات داستانی را به خوبی دنبال می کند.

یکی از دلایلی که باعث شد مجموعه حاضر به عنوان پیشنهاد خواندن به شما معرفی شود نگاه بی تکلف نویسنده به عنصر روایت های داستانی است. خواننده با خواندن این مجموعه پی می برد که برای نوشتن یک داستان خوب و تاثیر گذار زیاد هم لازم نیست ذهن خود و دیگران را به بازی گرفت و بانوشتن یک داستان هم خود را آزار داد و هم دیگران را، بلکه با انتخاب و پرداخت یک موضوع خوب می توان داستان هایی در حد استانداردهای مناسب

نوشت. مانند داستان های «روز گودال»، «دستمال گردگیری»، «من در آب زیبا هستم» و... خلق کرد. برای آشنایی بیشتر با حال و هوای کارهای این نویسنده، آغاز داستان روز گودال را با هم می خوانیم: «زنی که از توی رودخانه بیرون آمد می گفت که زیر پله است. می گفت که خودش پله ها را گرفت و بالا آمد تا رسید به دهکده ما. یادش نبود که پیش از پله کجا بوده. هر وقت که چیزی می خواست بگوید از همان پله ها شروع می کرد. پله های باریک و بلند. می گفت آنقدر زیاد بود که شاید به هزاران می رسید. می گفت که شب ها و روزهای زیادی راه رفته. شاید حدود نه ماه...»

سه پدیده در آینه رمان

قرآن کریم، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس
مجتبی رحماندوست / انتشارات سوره مهر
چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۳۹ صفحه / ۳۹۰۰ تومان



مجتبی رحماندوست در کتاب «سه پدیده در آینه رمان» به جنبه های تازه ای از هنر نوشتن پرداخته و سمت و سوهای دیگری را پیشنهاد داده است.

رحماندوست با نگاهی به عناصری چون قرآن کریم،

انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به واکاوی رمان هایی پرداخته که از دل این مقولات بیرون آمده اند.

وی در این کتاب به دنبال این سوال همیشگی است که آیا بین آنچه امروزه به نام داستان و رمان شناخته می شود و قصه های قرآن رابطه ای وجود دارد یا نه؟

نویسنده در بخشی دیگر به این سوال پاسخ داده است که آیا برای خلق آثار داستانی و به ویژه رمان انقلاب اسلامی منابعی وجود دارد یا نه؟ در فصل دیگر این کتاب پدیده مهم تاریخ معاصر ایران، یعنی جنگ تحمیلی از منظر ادبیات داستانی مورد کنکاش قرار گرفته است.

نکته جالب توجه در به این کتاب نگاه رحماندوست به مسائلی است که کمتر پژوهشگری تاکنون به آنها نزدیک شده است. آنچه باعث شد این کتاب یکی از پیشنهاد های ما برای خواندن باشد این است که کتاب حاضر فقط و فقط با تکیه بر داشته های مادر ادبیات داستانی متمرکز است و نه آنچه ممکن است در آینده داشته باشیم.

یکی از فصول بسیار خواندنی این کتاب فصلی است که در آن سعی شده ذهن خواننده در مورد داستان معاصر و داستان های قرآن روشن تر شود. رحماندوست درباره انگیزه های نوشتن این کتاب در زمینه جنگ هم نوشته است: «... خلق بیش از هزار داستان کوتاه و معدودی رمان با سوژه جنگ تحمیلی در جریان سال های تداوم آن که بیشتر به دست نوقلمان و بانگیزه القاء روحیه به رزمندگان خلق شده است ایجاب می کند که منتقدان این گونه آثار با دقت بیشتری به نقد آنها اقدام کنند...»

خورشید می ماند

روایتی داستانی از زندگی شیخ بهایی
کامران پارسی نژاد / انتشارات کانون اندیشه جوان
چاپ اول ۱۳۸۸ / ۵۷۶ صفحه / ۸۰۰۰ تومان



نوشتن رمان بر اساس زندگی شخصیت های بزرگ امری نیست که به تازگی رسم شده باشد و تاکنون چهره های بزرگی با استفاده از این شیوه دوباره معرفی شده اند.

یکی از نکات اصلی که باید در نوشتن این گونه آثار مورد توجه قرار گیرد وفاداری صددرصد به زندگی واقعی و دقیق شدن در ذهنیات او با مطالعه همه جانبه است. یعنی همان کاری که کامران پارسی نژاد در رمان «خورشید می ماند» انجام داده است. رمان «خورشید می ماند»

روایتی داستانی از زندگی شیخ بهایی از دوران کودکی تا زمان مرگ است و باید گفت پارسی نژاد به خوبی از پس روایت های گوناگون برآمده، به گونه ای که خواننده به محض تمام شدن این اثر احساس می کند که در همان دوران زندگی شیخ بهایی زندگی کرده است.

پارسی نژاد در این کار سعی کرده است با انتخاب زبانی همه فهم، کتابی برای لذت بردن خواننده بنویسد، کتابی که با استقبال عمومی مواجه شود و بشود بدون درافتادن در چاله های زبانی و روایتی آن را خواند.

«... یک رویداد سخت و تکان دهنده در شرف وقوع بود، اما او به هیچ کس چیزی نگفت. شیخ علی منشار گوشه اتاق نشسته بود و قرآن می خواند. فاطمه کتاب فوائدالصمدیه را ورق می زد و مادرش در اعماق ذهن خود غوطه ور بود، احتمالاً به شیخ حسین فکر می کرد. بهایی جرعه ای آب نوشید. عرق کرده بود...»

آنچه این کتاب را نسبت به آثار مشابه در وضعیت بهتری قرار داده نگاه همه سویه پارسی نژاد به مسائل تاریخی، مردم شناسی، قوم شناسی و پیوند آنها با عناصر زبانی دوران شیخ بهایی و گر زدن به مسائل دوران معاصر است؛ امری که باعث شده خواندن این کار را به شما پیشنهاد کنیم.

زمان منفی

هدا عربشاهی / انتشارات هیلا

چاپ اول ۱۳۸۸ / ۱۴۴ صفحه / ۲۵۰۰ تومان



«زمان منفی» اولین رمان هدا عربشاهی است که در آن جرات و جسارتی عیان برای سرک کشیدن به اعماق عنصر روایت و نگاه داستانی را شاهدیم. «زمان منفی» یادآور همان نظریه علمی «دژاوو» است و عربشاهی

سعی کرده عنصر زمان را از زاویه ای دیگر در خدمت ادبیات داستانی به کار گیرد.

پیچیدگی زمانی عناصر داستانی و استفاده از شیوه داستان در داستان در این کار به خوبی رعایت شده تا جایی که مخاطب به راحتی با یک روایت کلی و چند خرده روایت مواجه می شود که ضرباهنگ منطقی ایجاد کرده اند و هرگز از چارچوب های اصولی فراتر نرفته اند. «اطمینان داشت که حالش نسبت به فردا خیلی بهتر است. فردا احساس خستگی بیشتری می کرد برای همین امیدوار بود دیروز حالش از امروز هم بهتر شود. در تخت خوابیده بود و به آینده ای که پشت سر گذاشته بود فکر می کرد. آینده ای که یک هفته ای از آن را گذرانده بود و حالا گذشته نامعلومی پیش رویش بود...» همین آغاز نسبتاً پیچیده اما راحت خوان، خواننده را آماده می کند تا کلیت یک کار و شیفت های روایتی یک نویسنده را ببیند و خود را به اعماق زمان های تودرتویی ببرد که یادآور فضاهای گوتیک است.

گرچه نویسنده در بعضی موارد شیفته فضاهایی که خلق کرده شده و گاهی چفت و بست های داستانی را آن گونه که باید رعایت نکرده اما خارج از حوزه انصاف است که کار او را به عنوان یکی از بهترین های سال اخیر به دلیل روایتی دگرگونه مورد توجه قرار ندهیم.

یکی از نکات قابل ذکر در این کار این است که خرده روایت ها را می توان به عنوان داستان های کوتاه مجزا از اثر هم مطالعه کرد، یعنی این که ساخت و ساز داستان هایی که در دل روایت کلی آمده اند علاوه بر این که جزئی از پیکره کار به حساب می آیند می توان آنها را به عنوان کارهایی مستقل هم مطالعه کرد.

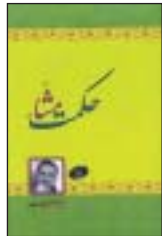
در رمان «زمان منفی» با حدود ۱۰ روایت اصلی و فرعی مواجهیم که ساخت و ساز آنها با در نظر گرفتن رعایت تسلسل ذهنی مخاطب همتی جدی را می طلبد که عربشاهی از پس آن برآمده است. «هر کی می خواهد در بازی باشد باید به حرف من

گوش کند. ما یک خانواده ایم که من می شوم مامان. علی تو می شوی بابا، اسمت آبتینه! یاشار تو هم پسرمان که اسمت بامداده. به سرعت دستورات خود را صادر کرد و به طرف خانه عروسک ها دوید تا وسایل بازی را بچیند. اما پسرها همان طور سر جای خود ایستاده بودند و با تعجب نگاهش می کردند. وقتی متوجه شد آنها هنوز ایستاده اند به طرفشان برگشت و گفت: چرا پس هنوز ایستاده اید؟ مگر نمی خواهید بازی کنید؟! «

شعر

حکمت مشاء

بهراد خواجهات/ انتشارات تکا/ چاپ اول ۱۳۸۸
۱۷۵ صفحه/ ۱۸۰۰ تومان



خواجهات سال هاست می نویسد و به تدریس ادبیات در دانشگاه آزاد هم مشغول است. انتشارات تکا گزیده ای از آثارش در قالب طرح انتشار آثار شاعران و نویسندگان کشور منتشر کرده است.

«حکمت مشاء» مجموعه ۱۷۵ شعر سپید را در برمی گیرد. شعرهای خواجهات، زبانی شسته و پاکیزه دارند و شاعرانگی را معمولاً در محور عمودی شعر تبلور می بخشدند.

همین ویژگی، شعرهایش را خوشخوان می کند؛ چون در محور افقی سطرها، معمولاً کمتر گره ای ایجاد می شود. او در شعر «اولین شب هستی» نوشته است: «این شب، شب نیامده است/ که گیسو از پیش چشم پس می زند/ تا سپیدی پیشانی ات را ببیند:/ قویی که در اولین روز زیبایی اش/ برای سوختن آماده می شود...» و در بخشی دیگر ادامه می دهد: «پس تمامی درها/ در لحظه ای که انتظار نیست/ به صدا درمی آید/- بسان پنجه دستی که اندکی زودتر/ برگ می شود- صدای کوبش درها/ لا به لای ستارگان می پیچد.»

«جاده را اندوه من پیش می برد/ و چلچله ای از سواد قریه پرواز می کند/ تا در آسمانم/ به تندیس بادها بدل شود.» نمونه ای دیگر از شعر «سفر» است. در بعضی شعرهای خواجهات می شود رد پای از رئالیسم جادویی یافت. او دنیای واقعی را می بیند و هرگز در پی آن نیست که در فضاهای سوررئالیستی تنفس کند؛ ولی تخیل عادت گریزش، خواه ناخواه این واقعیت را رنگی دیگر می زند. وقتی از مارکز پرسیده بودند تو چگونه با وجود آن که در گونه رئالیسم جادویی می نویسی، حرف هایت باورپذیر می شود؟ مارکز پاسخ می دهد که من دروغ هایت را با جزئیات می گویم. قطعاً خواجهات در این شعرهای کوتاه مجال توجه زیاد به جزئیات را ندارد؛ ولی قطعه هایی از شعرهایش به جزئیات توجهی خاص دارند و با وجود ضرورت رعایت ایجاز در شعر، در رنگ آمیزی یک فضای خاص و حاشیه ای، به جزئیات وارد می شود و بعد ناگهان خط روایت را به مسیر اصلی برمی گرداند. نمونه خوب این روند، شعر «استحاله کبوتر و عقرب» در صفحه ۱۲۶ کتاب است.

«غزل ها الفاظ سپید را هنوز می بینم»
مجتبی احتیاط (آنیما)/ نشر نگار و نیما (نگیما)

چاپ اول ۱۳۸۸/ ۴۵ صفحه/ ۱۰۰۰ تومان



کتاب حاضر، سومین اثر آنیما و دومین مجموعه شعر اوست. نخستین مجموعه شعرش با نام «سمفونی های آنیما» سال ۸۲ منتشر شد. آنیما (مجتبی احتیاط) خودش به این شعرها می گوید غزل؛ در حالی که وزن عروضی ندارند و به صورت سپید نوشته شده اند. دلیل این نام گذاری چیست؟ شاعر این مجموعه

معتقد است آنچه غزل را غزل می کند، نه وزن عروضی، بلکه موسیقی درونی و کناری کلام است. منظوم از موسیقی کناری، ساختار قافیه بندی غزل است و موسیقی درونی در ارتباط واژگانی، یعنی در پیوند بین دو واژه در تماس با یکدیگر ایجاد می شود. مثلاً نصب واژه «نهنگ» پیش از واژه «گوشته خوار»، به دلیل تکرار حرف «گ» در پایان اولی و آغاز دومی، و نیز پایان گرفتن هر دو واژه با هجای کشیده، موسیقی درونی ایجاد می کند.

البته شاعر، ساختار کلاسیک قافیه و ردیف را حفظ کرده است و از آنجا که به موسیقی درونی غزل وفادار بوده و نیز معتقد بوده که طول سطرها در ایجاد این موسیقی نقشی تعیین کننده دارند، از کوتاه و بلند کردن بیش از حد سطرها خودداری کرده است و در نتیجه، سطرهای شعرهایش طولی کمابیش مساوی دارند - همان طور که طول سطرها در غزل کلاسیک از نظر تعداد هجاها، برابر است.

بخشی از یکی از غزل های این کتاب: «شاعر اولین کسی است که به باغ عدم باز فراخوانده می شود/ دوباره از کنار درخت گندم باغ، به خاک هستی رانده می شود/ شاعر مدام در حال فراخوانده شدن و رانده شدن است، و در قیامت / باشکوه لغت ها، مانند آسمانی بر فراز رودخانه خوانده می شود.../ سلام، اینجا سپید است و ملالی هست علاوه بر دوری شما و لکه های مرکب/ البته همان گیسوی شماس است که با حجم سیاه بلند، پرنده می شود.»

آغاز روشنایی آبتینه

ترکیب بند عاشورایی در پانزده بند
علی موسوی گرمارودی/ انتشارات سوره مهر
چاپ اول ۱۳۸۸/ ۱۴۴ صفحه/ ۲۲۰۰ تومان



اگر از علاقه مندان شعر آبتینی، به ویژه در شاخه عاشورایی هستید، این کتاب را از دست ندهید. «آغاز روشنایی آبتینه» مجموعه ای است همگن و خوش ساخت از مهم ترین دستاوردهای شعر آبتینی در دو دهه سال

گذشته. با مطالعه این کتاب هم تصویرپردازی کم نظیری را تجربه می کنید و هم روایتی شاعرانه و البته واقعی و تاریخی از حماسه عاشورا را به نظاره می نشینید.

این شعر، در واقع یک ترکیب بند است که در پانزده بند تدوین شده است. بند نخست، خطابي شاعرانه است به فرات با این ابیات درخشان: «ما مردگان زنده کجا، کربلا کجا/ بی تشنگی چه سود گر آبی فراهم است؟» و «آه ای فرات کاش تو هم می گریستی/ آسوده، بی خروش، روان بهر کیستی؟». این بند نام «از گلوی غمگن فرات» را بر خود دارد. بند دوم با عنوان «نقش کبریا»، مقدمه ای است بر ذکر آنچه در کربلا گذشت. لحن این بند حماسی است و انتخاب چنین لحنی برای دیباچه چنین ترکیب بندی، انتخابی هوشمندانه تلقی می شود.

برخی ابیات این ترکیب بند را باید نمونه های عالی شعر عاشورایی، بلکه هر نوع شعری در حوزه شخصیت پردازی محسوب کرد. این ابیات در وصف حضرت قاسم بن حسن از همین نمونه ها هستند: «قدش کمی ز قامت شمشیر بیشتر/ گویی چو ذوالفقار علی در نیام بود/ گرما اگر چه شعله کش، اما به روی او/ چون باز تاب شعله به روی رخام بود.»

شاعر در توصیف گرمای کربلا نوشته است: «جوشن به بر چو آتش سوزنده داغ بود/ گویی عرق ز گونه خورشید می چکید». و چه توصیفی برای زینب کبری (س) بهتر از مصراع دوم این بیت: «زینب چو کوه، صولت و چون مه جمال داشت/ یک بیشه شیر بود که روح غزال داشت.» شاعر، همین روند را در توصیف حضرت ابوالفضل (ع) نیز طی کرده است. مصراع دوم این بیت را با مصراع دوم بیت پیش مقایسه کنیم: «آن چشم ها که شرم در آن ناگزیر بود/ تصویری از حماسه درون حریر بود.»

دیر آمدی بهار

مرتضی حیدری آل کثیر/ انتشارات تکا
چاپ اول ۱۳۸۸/ ۲۸۹ صفحه/ ۲۹۰۰ تومان



۲۸۷ سروده مرتضی حیدری آل کثیر در قالب مجموعه ای با عنوان «دیر آمدی بهار» از سوی انتشارات تکا منتشر شده است. سروده های این مجموعه عموماً در قالب های رباعی، غزل و

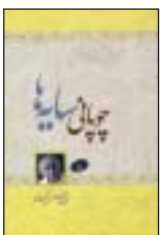
مثنوی اند؛ اگر چه بخشی نیز با نام «نوسروده ها» در پایان کتاب گنجانده شده که شامل شعرهای سپید و نیمایی است. به هر حال، بار اصلی مجموعه را شعرهای کلاسیک بر دوش دارند و شهرت آل کثیر هم در حوزه شعر آبتینی است.

فضا در شعرهای آل کثیر، معمولاً ادامه فضاهای شعر کلاسیک است؛ با این حال گریزهای مضمونی و محتوایی به حوزه های تصویری جدید هم کم شمار نیست: «سوگ چله در شب کوه/ رقص مادیان وحشی! / تکیه بر چراغ کلبه می دهد خزان وحشی/ بی قرار و گرم و عریان، بر کرانه درختان/ مادرانه می خروشد برف مهربان وحشی/ روی رود و روی جنگل، خواب می رود زمستان/ خواه بستر آب باشد، خواب بازوان وحشی/ با تمام این هیاهو، صد اجاق سبز، بیدار/ از تپش نایستاده، چشم آهوان وحشی/ ای جهان سبز و اهلی، در تو جذب ای ندیدم/ من که قانعم به شعرم، آری این جهان وحشی.»

کلاسیک های آل کثیر، عموماً خوش ساخت و خوشخوان اند و انتظار مخاطبان نروروی را به خوبی برآورده می کنند. او خیلی به ندرت از وزن های عروضی کم آشنا استفاده می کند و بیشتر کارهایش در شکل های مالوف بحرهای رمل، هزج، متقارب و مضارع است. مایه های طنز در اغلب سروده های او وجود دارد و گاه، درونمایه اصلی شعر را تشکیل می دهد: «آن شب «بگویی» چشم تو با من «بخند» بود/ این قهوه های تلخ تو محتاج قند بود/ صد استکان ز چشم تو، شاهان صف زده/ در قهوه خانه تو مگر قرن چند بود؟/ از هر طرف به گیسوی تو چنگ می زدند/ هر بنده تو، بسته به یک نوع، بند بود.../ بی بخشش و کیل «رعایا» نمی شدی/ در سینه ات، کریم ترین خان «زند» بود.»

چوپانی سایه ها

محمدتقی شمس لنگرودی/ انتشارات تکا
چاپ اول ۱۳۸۷/ ۴۸ صفحه/ ۴۲۰۰ تومان



«چوپانی سایه ها» گزیده ای از اشعار شمس لنگرودی است که انتشارات تکا آن را با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر کرده است. زیانباری، در عطش گریزان مرگ،

اشاره، اشعار کودکان، بامداد و عطر پرندگان، آه برکشیده بودم، اشعار تاریکی و برف و... عناوین شعرهای این مجموعه اند.

شعر خبیر در این مجموعه چنین است: تو می میری/ و صدایت می ماند/ (صدایت از حنجره زندان رسته است). تو می میری/ و پرنده ها شرم می کنند. (تو زمزمه خوان سحر بودی پرندگان نشناختند). تو می میری/ و جهان به خود می آید،/ برمی خیزد/ خاک از جامه فرومی شویدی/ و شمشیر کلمات جادو را صیقل می دهد/ تو چو گنجه به خاک اندر خفته ای/ بی هوا کلام و بی طعام ترانه/ اینجا ترانگان پریشیده بی تو کفن می یابند/ این جا کلام،/ پوست رنگینش را در کف ما می گذارد و ناپدید می شود. / طعام خاکستر مردگان است/ صخره های هوا را می شکنیم و فرومی بلعیم/ و گاوانی که در حرم بلبلان مرده به بانگی مشغولند/ بر رودخانه های کوکب و لیمو، هنوز سنگ می فشانند؛/ گاوانی که به دل/ به بانگ سامرانه خود آگاهند.

نی زن، جذامی و باد

سعدی گلپایانی/ انتشارات آهنگ دیگر
چاپ اول ۱۳۸۸/ ۹۲ صفحه/ ۲۲۰۰ تومان



سعدی گلپایانی سرانجام در آغاز سال جاری نخستین مجموعه شعرش را منتشر کرد. «نی زن، جذامی و باد» سه قوت ویژه دارد: نخست تصویرپردازی، سپس زبان و در نهایت روایت. آنچه

نمونه های شعر سپید مشابه، متمایز می کند، همین ویژگی سوم، یعنی روایت است.

گلپایانی در روایت شعرهایش، معمولاً روندی قطعه ساز را طی می کند. به این معنا که قطعه های مختلفی از آنچه را دیده و شنیده و لمس کرده و بوییده، با ترتیبی که تنها تعیین کننده آن، فضای شعر است، کنار هم و به توالی می چیند. بنابراین در بعضی از شعرهایش پرش های زمانی و مکانی عجیبی را تجربه می کنیم که گاه طی کردن آنها پایه پای شاعر، بسیار دشوار می شود. ولی واقعیت این است که اگر منطق درونی شعر گلپایانی را که از شعری تا شعر بعد تغییر چندانی نیز نمی کند، دریابیم، می توانیم به سهولت بسیار بیشتری از فراز و نشیب های شعرش عبور کنیم و لذت هم ببریم. در این فرآیند، آنچه ما را بیشتر به ادامه راه ترغیب می کند، زبان شاخص و موثر و تصویرپردازی های نیرومند و در خدمت شعر است که تشویق مان می کند «نی زن، جذامی و باد» را تا به آخر بخوانیم: «جزایر گنجشک/ در آب های بهار نارنج/ زانو زده اند/ و آواز می خوانند/ و آشیانه کهنه کلاغ ها/ لابه لای انگشت هایم متروک مانده است.»

ولی این سطرها، بخش هایی از یک شعر بلندترند که برای نزدیک شدن به آن، باید پیه درگیر شدن با روایتی نامتعارف را هم به تن آشنا کرد: «خیال کن هزار سال ماسه/ هزار مسافر بی خواب را بدرقه می کنند/ خیال کن/ تمام پدرهای جهان/ کسی را به نام خاک خواندند/ و انسان/ که ناگهان/ یتیم شده است.»

برای بهتر خواندن شعر گلپایانی، بهتر است اول فضای شعرهایش را دریابیم و کمتر در روایت گیر کنیم. بعد، وقتی فضا آشنا شد، سراغ زبان و تصاویرش برویم و در نهایت، خطوط روایی را کشف کنیم و ارتباط آنها را با زبان به کار گرفته شده و تصویرها مشخص کنیم.

کودک و نوجوان (تالیف و ترجمه)

دیو دیگ به سر

فرهاد حسن زاده

انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

چاپ اول: ۱۳۸۸/ ۵۵ صفحه/ ۲۰۰۰ تومان



«دیو دیگ به سر» تازه ترین کتاب فرهاد حسن زاده، نویسنده کودکان و نوجوانان است. نویسنده در این کتاب قصه خیال انگیز و طنز آلود «بزیکی» را روایت می کند که راه گله اش را گم کرده است.

فرزند سمندر (چوپان دهکده) از میان ۴۰ گوسفند گله به بزرگ بیشتری علاقه دارد و زمانی که او با یک دیگ بر سر، راه دهکده را پیش می گیرد، مردم تصور می کنند او دیو دیگ به سر است و با دیدنش پا به فرار می گذارند.

ماجرای این بزرگ در کتاب «دیو دیگ به سر»، با تصویرگری علی خدایی همراه شده و نویسنده برای هوش آزمایی و سرگرمی کودکان پس از پایان کتاب از آنها می خواهد در صفحات ویژه ای که در کتاب طراحی شده راه خارج شدن بزرگ از فضای شلوغ

به هم ریخته را به شخصیت اصلی قصه نشان دهند. کتاب «دیو دیگ به سر» برای گروه سنی الف (پیش از دبستان) و ب (سال های اول تا سوم) مناسب است.

غوص عمیق جمشید خانیان

انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
چاپ اول ۱۳۸۸/۲۱۶ صفحه/۵۰۰۰ تومان



داستان هایی که جمشید خانیان برای نوجوانان می نویسد این روزها جوایز زیادی می برند. پس از آن که رمان «طبقه هفتم غربی» او جایزه کتاب فصل سال گذشته را برد، ماه پیش جایزه شهید غنی پور هم به این کتاب رسید.

حالا رمان داغ «غوص عمیق» که چند روز بیشتر از انتشارش نمی گذرد برای بردن جایزه کتاب فصل زمستان اسب زین کرده است.

«غوص عمیق» خانیان در جزیره ای با نام «کب گوب» می گذرد؛ جزیره ای خیالی در نزدیکی آب های هرمزگان که قصه محوری گم و پیدا شدن انگشتری حضرت سلیمان نبی (ع) در آنجا می گذرد.

خانیان متولد ۱۳۴۰ آبادان است و در حالی چند روز دیگر وارد ۴۹ سالگی می شود که رگه های جنوب و اتفاقاتی که در چند دهه اخیر بر این خطه از ایران گذشته به طور معمول در آثارش پیدا است.

«کب گوب» جزیره خیالی خانیان در «غوص عمیق»، برگرفته از نام جنوبی «خرچنگ» است. انگشتری حضرت سلیمان زمانی که به دست شیطان به دریا انداخته می شود به روایت خانیان می غلتد و می غلتد تا به دریای عمان می رسد و از آنجا بنا به یک باور قدیمی جنوبی به چشمه ای سرازیر می شود که در آن یک ماهی به نام «چیز کو» وجود دارد. این ماهی به شخصیت اصلی داستان فانتزی خانیان یعنی «بابیلو» ماموریت می دهد انگشتری را پیدا کند. بابیلو در میان کدهایی که خانیان همواره از وجود شیطان در جهان می دهد تلاشش را برای پیدا کردن انگشتری به کار می گیرد.

اولین مجموعه داستان کوتاه خانیان سال ۱۳۷۲ و دومین اثرش با نام «بازی روی خط ممنوع» در سال ۱۳۷۵ چاپ شده است.

قبرمانان دوزخ

دارن شان/ ترجمه فرزانه کریمی/ انتشارات قدیانی
چاپ اول ۱۳۸۸/۲۶۰ صفحه/۵۰۰۰ تومان



داستان های خون آشامی، دارن شان بریتانیایی رامشهور کرده است. شهرت دارن شان در میان نوجوانان ایرانی به آنجا رسیده که همین حالا روی وب سایت او می توانید طرفداران دو آتشه این نویسنده را پیدا کنید.

«قهرمانان دوزخ» دهمین و آخرین کتاب از مجموعه پرطرفدار «نبرد با شیاطین» است که با ترجمه فرزانه کریمی، مترجم پرکار حوزه کودک و نوجوان به چاپ رسیده است. بسیاری از فانتزی نویسان معتقدند این برای نخستین بار است که داستان هایی درباره خون آشام ها (vampire) با این حجم و کیفیت، در اختیار نوجوانان ایرانی قرار گرفته است.

انتشارات قدیانی پیش تر مجموعه کتاب «قصه های سرزمین اشباح» او را در ۱۲ جلد روانه بازار نشر کرد؛ با این حال بسیاری «نبرد شیاطین» را تجربه ای موفق تر از مجموعه قبلی توصیف می کنند و معتقدند این انتشارات به تجربه مطلوبی در نشر کتاب های این ژانر نزدیک شده است.

هرچند شان هنوز شهرت هموطنش «جی کی رولینگ» خالق هری پاتر را کسب نکرده، اما بسیاری از نوجوانان جهان این روزها خون آشام های او را می شناسند. شان، برخی مرزهای ادبیات نوجوان را به نحوی آشکار شکسته است و فرمول های اخلاقی

تربیتی نسل جدید را عوض می کند.

او در آثارش به جای یک هیولا از هزاران هیولا حرف می زند؛ به جای یک صحنه ساده داستانی، از ده ها صحنه حرف می زند؛ به جای یک مکان مشخص و قابل لمس، از کل هستی می گوید و سرانجام در پایان جلد دهم نبرد شیاطین آن چیزی نیست که تصورش را می کنید.

ماجراهای پیازچه

جان روداری ترجمه مرضیه شجاعی دیندارلو
نشر شهر/ چاپ اول ۱۳۸۸/۱۸۰ صفحه/۵۸۰۰ تومان



این کتاب را جان روداری، نویسنده مشهور ایتالیایی و برنده جایزه هانس کریستین آندر سن نوشته است. شخصیت های اصلی این کتاب سبزی ها و حیوانات هستند که پیازچه به عنوان شخصیت محوری

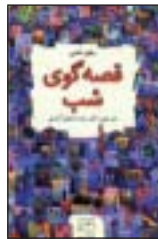
داستان، توجه کودکان را به خود جلب می کند. ماجراهای پیازچه که مرضیه شجاعی دیندارلو آن را سلیس و روان برای کودکان ترجمه کرده، شامل ۳۰ داستان کوتاه است که در آنها پیازچه با کنجکاوای های خود درگیر ماجراهایی می شود که تعدادی از آنها براساس مفاهیم اخلاقی و ارزشی همچون دوستی و کمک به همنوع، نوعی آموزش آداب شهروندی و شهرنشینی را دنبال می کند.

استفاده از خدمات ارتباطی و پست، پرداخت مالیات و خدمات پلیس برخی موضوعاتی هستند که روداری در این کتاب به آنها پرداخته شده است. این نویسنده ایتالیایی، سال ۱۹۷۰ به خاطر مجموعه آثارش جایزه آندر سن را از آن خود کرد.

قصه گوی شب

رفیق شامی/ ترجمه عذرا جعفر آبادی

نشر نشانه/ چاپ اول ۱۳۸۸/۲۱۶ صفحه/۳۳۰۰ تومان



قصه گوی شب رفیق شامی، نخستین بار نیست که به فارسی ترجمه می شود، اما ترجمه ای که جایزه کتاب فصل بهار امسال را برد، ترجمه عذرا جعفر آبادی بود. این کتاب داستان مردی

است به نام سلیم در شکه چی در سال های آخر عمرش؛ او که از معروف ترین قصه گوهای دمشق است در نتیجه ماجرای مابعد الطبیعی (دیدن یک پری پیر در خواب که به او می گوید دیگر پیر شده است و نمی تواند در قصه گفتن یاری اش دهد) لال می شود. پری به او می گوید. اگر هفت هدیه بی نظیر دریافت کند پری جوانی جای او را خواهد گرفت و سلیم دوباره خواهد توانست حرف بزند و قصه بگوید.

«قصه گوی شب» ماجرای کشف این هفت هدیه و سپس تعریف قصه ها و زبان باز کردن نهایی سلیم است.

قصه گوی شب پیش تر با عنوان «راوی شب» با برگردان حمید زرگر باشی به چاپ رسیده است. از رفیق شامی تاکنون ۷ کتاب در ایران ترجمه شده است. شامی نویسنده سوری تبار مقیم آلمان است که در سال ۱۹۴۶ در دمشق متولد شد. تحصیلات شامی در رشته شیمی در دمشق ادامه یافت و او در سال ۱۹۶۵ اولین داستانش را به زبان عربی نوشت. این نویسنده در سال ۱۹۷۲ به آلمان مهاجرت کرد و از سال ۱۹۸۲ به یک نویسنده تمام وقت تبدیل شد. وی را یکی از موفق ترین نویسندگان در گونه «ادبیات مهاجرت» می دانند. با این که شامی مدت ها است دیگر به زبان آلمانی می نویسد، اما عناصر داستان های این نویسنده اغلب شرقی اند.

آثار این نویسنده تاکنون به ۲۲ زبان ترجمه شده است. عذرا جعفر آبادی، مترجم ایرانی مقیم آلمان علاوه بر «قصه گوی شب» چندین داستان دیگر او را هم به فارسی برگردانده است.

ماجرای بیستون

پیمان ابراهیمی/ تصویرگر آرمین نوایی

نشر ابریشمی فر/ چاپ اول ۱۳۸۸

۳۲ صفحه/۸۵۰۰ تومان



کمیک استریپ های تن تن یا ماجراهای آستریکس هنوز با ذهن کودکان و نوجوانان زیادی همراه است و از پرفرودارترین و جذاب ترین کتاب ها محسوب می شود.

کمیک استریپ ها همیشه

پرفروش بوده اند اما در ایران کمتر این ژانر جدی گرفته شد و به جز برخی نشریات و چند کتاب، به عنوان ژانری خاموش به کارش ادامه داد.

این روزها کمیک های داغی به بازار آمده که در آن «ماجرای بیستون» در اوایل فرمانروایی «داریوش» (از سلسله هخامنشی) اتفاق می افتد و شخصیت های اصلی آن از روستای «پلنگان» هستند.

روستای پلنگان یک مکان واقعی است؛ جایی در منطقه اورامانات (بین استان های کردستان و کرمانشاه). شخصیت های داستان به فرهنگ «ماد» تعلق دارند و از فرهنگ ایرانیان کرد گرفته شده اند. بامداد، فریاد، مهرداد، تیرباد، بغداد و پولاد شخصیت های استریپ های پیمان ابراهیمی اند که در ادامه شخصیت های برزو، داریوش، فرانسپ، مولتی مدیاسپ، کپک، خسیس، خبیث، فرهاد، نخدوک، چیکوک و پارپیرا سال هم به داستان اضافه می شوند. این بار در نوروز ایرانی یک کمیک استریپ جذاب ایرانی انتظار کودکان را می کشد.

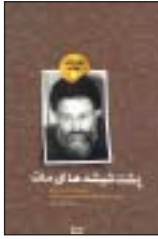
پشت شیشه های مات

روایتی داستانی از زندگی شهید آیت الله

دکتر سید محمد حسینی بهشتی

عزت الله الوندی/ انتشارات مدرسه/ چاپ اول ۱۳۸۸

۱۴ صفحه/۱۶۰۰ تومان



تاکنون کتاب های متعددی درباره اندیشه ها و زندگی شهید بهشتی منتشر شده است اما کتاب حاضر با نثری که بیشتر مخاطب نوجوان را مد نظر دارد به روایت داستانی زندگی این شهید بزرگوار می پردازد.

در بخشی از این کتاب آمده است: «عقربه های ساعت که ۳۰۹ را نشان دادند، تلفن زنگ زد. آقای فردوسی پور، گوشی را برداشت. دکتر بهشتی، پشت خط بود. پرسید: «شنیده ام که امام فرموده اند می خواهند به هر نحو ممکن که شده، به ایران بیایند. ما هم برنامه ای برای ورود ایشان به تهران تدارک دیده ایم. از جمله در نظر داریم مسیر ورود امام از هوایما تا فرودگاه را فرش کنیم و ایشان را با توجه به خطراتی که وجود دارد، با هلی کوپتر به بهشت زهرا ببریم. اینها مصوبات ستاد استقبال از امام است. اینها را به عرض امام برسانید...»

عقرب های کشتی بمبک

فرهاد حسن زاده/ نشر افق/ چاپ اول ۱۳۸۸

۲۷۶ صفحه/۴۰۰۰ تومان



در رمان حاضر که برای نوجوانان نوشته شده جذابیت های داستانی با تم طنز در زبان داستانی خوب پیش برده شده است.

فرهاد حسن زاده، از داستان نویسان پرکار عرصه کودک و نوجوان در پیش گفتار کتاب نوشته است: «این داستان یک مقدمه ده صفحه ای داشت که به پیشنهاد ناشر حذف شد. فقط به خاطر این که راوی داستان یعنی «خلو» زیاد شاخه به شاخه پریده بود و حرف های بی ربط زده بود. من هم به احترام خواننده های کم حوصله و البته با اجازه «خلو» مقدمه را حذف کردم. به جز این، در طول داستان، هر جا که

راوی با پرفرفی هایش زده بود جاده خاکی، چیزهایی را حذف کردم، هر چند قبلاً از این کار راضی نبودم. بابت این موضوع از اعضای باند عقرب، یعنی از «خلو»، «شکری»، «منو» و «ممدو» عذرخواهی می کنم، در بخشی از کتاب آمده است: «ما نقشه کشیدیم. من و بچه های باند عقرب. یه شب که هوا یه جورایی سرد بود، رفتیم تو کمین سوژه. دزدیدیمش و بردیمش تو کشتی بمبک که پاتوق مون بود، تا به موقع حسابش رو برسیم...»

سه سوت جادویی

احمد اکبر پور/ نشر افق/ چاپ اول ۱۳۸۸

۱۵۳ صفحه/۲۲۰۰ تومان



«از قیافه ات معلومه. ناراحتی، نه؟ حالا سه سوت بزنی و با مشکلت خدا حافظی کن!» این را احمد اکبر پور در سه سوت جادویی اش می گوید.

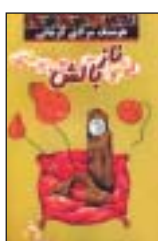
این رمان نوجوانان به ارتباط یک انسان با موجودی خیالی به نام «تات جلیبکی» می پردازد. نوجوان قصه اکبر پور برای حل مشکلاتش به تات جلیبکی عجیب و غریب پناه می برد و با او درد دل می کند. داستان در ۱۵۰ صفحه گنجانده شده و فضاهای خیالی نویسنده کتش مطلوبی برای مخاطب نوجوان دارد.

اکبر پور به خاطر تالیف کتاب هایش از جشنواره های مختلفی جایزه گرفته است. جایزه یونسف، جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و جایزه ای هم از شورای کتاب کودک از آن جمله اند. «کار پدر و مادرم حسابی قاتی پاتی شده. پدر می خواهد زن بگیرد و مادرم می خواهد زن یک گامبوی کچل شود! اما من که همیشه به قول مادر بزرگ، اشکم دم مشکم بوده، حالا بعد از آشنایی با «تات جلیبکی» عین خیالم نیست، کافی است سه تا سوت جادویی بزنی...!»

نازبالش

هوشنگ مرادی کرمانی

نشر معین/ چاپ اول ۱۳۸۸/۱۶۰ صفحه/۲۷۰۰ تومان



«این نازبالش هدیه ای است نرم و راحت برای سر باهوشان روزگار ما» این هدیه آخرین دست پخت هوشنگ مرادی کرمانی است. نویسنده «قصه های مجید» در «نازبالش» هم با همان نیش ها و کنایه های شیرینش حرف می زند.

کتاب این گونه شروع می شود: «روی نازبالش پنج تا تخم درشت کدو تبیل بود. تخمه ها را عین علامت سوال چیده بود. این جور «؟» تخمه فروش، نازبالش را روی دو دست گرفته بود، ایستاده بود کنار خیابان، انتظار می کشید تا آدم خوبی پیدا شود هزار تومان بدهد و یکی از آن تخمه ها را بخرد و بخورد.» تخمه کدو دانه ای هزار تومان؟! بله، هزار تومان برای یک دانه تخمه خیلی زیاد است؛ اما تخمه ای که «مرادی کرمانی» از آن می گوید، بیش تر از اینها می ارزد؛ چرا که یک ویژگی دارد: هر کس از این تخمه ها بخورد، عقلش زیاد می شود. وقتی هم که کسی عقلش زیاد شد، کارهایی می کند که دیگران نمی توانند و در نهایت دیگران حسرت هوش و ذکاوتش را خواهند خورد.

داستان «نازبالش» در نهایت با مهربان و مونس شخصیت های اصلی داستان ادامه می یابد. آنها می خواهند از راز ساعت بزرگ نصب شده در میدان شهرک محل زندگی شان سر در بیاورند؛ ساعتی که ۹۹ سال پیش توسط جد پدری شان از خارج خریداری و در میدان روستای «عدس کار» آن روز و شهرک عدس کار امروز نصب شده و حالا قرار است این ساعت قدیمی توسط بچه ها تعمیر و دوباره راه اندازی شود.



بیست و هفت سال متوالی است که جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی با هدف ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی و همچنین پشتیبانی از شاعران، نویسندگان و ناشران متعهد برگزار و کتاب‌های برگزیده هر رشته معرفی می‌شوند. اما جایزه‌های ادبی، چه در بخش دولتی و چه خصوصی، تا چه اندازه بر گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی تاثیر می‌گذارند؟! خانواده‌ها چگونه با کتاب‌های برگزیده آشنا می‌شوند؟ به طور کلی آیا در این عرصه اطلاع رسانی کاملی وجود دارد و پدر و مادرها و مربیان می‌توانند کتاب‌های مناسب را بشناسند و آن را برای کودکان خود تهیه کنند؟! در این روزهای پایان سال، این مساله را در گفت‌وگو با چند دست‌اندرکار کتاب کودک بررسی کرده‌ایم.

نگاهی به عملکرد جایزه‌های ادبی حوزه کودک و نوجوان در سال هشتماد و هشت

مهم ارتقای سلیقه مخاطبان است

سوسن طاقدیس:

جوایز ادبی تنها بخشی از کارند



سوسن طاقدیس، نویسنده کتاب‌های کودک و نوجوان و متولد سال ۱۳۳۸ شیراز است. فعالیت داستان نویسی حرفه‌ای خود را با نوشتن داستان «ابای من دزد بود» در کیهان بچه‌ها آغاز کرد. طاقدیس، هم‌زمان با کار داستانی برای کودکان به سرودن شعر برای آنان هم پرداخت و اشعار پراکنده‌ای را در این زمینه منتشر کرد. او در سال ۱۳۸۶ موفق شد جایزه کتاب سال را برای کتاب «قدم یازدهم» دریافت کند. لوح تقدیر دانشگاه الزهراء برای مجموعه فعالیت هنری، جایزه پروین اعتصامی برای کتاب «شما یک دماغ زرد ندیدید؟» هم از دیگر جوایزی است که به سوسن طاقدیس تعلق گرفته؛ نویسنده‌ای که داوری داستان‌های کودک و نوجوان در بیست و هفتمین دوره کتاب سال را نیز بر عهده داشته است.

سال گذشته، جشنواره‌های مختلفی برگزار شد؛ هر چند به جز جایزه کتاب سال و فصل، جایزه‌های کمی داریم که به کتاب‌های کودک و نوجوان پیرا دارند. به نظر شما جشنواره‌ها و جایزه‌های ادبی تا چه اندازه بر گسترش کتابخوانی تاثیر گذارند؟

قطعا جشنواره‌های ادبی، چه دولتی و چه غیردولتی موجب می‌شوند تا برای مدتی، موضوع کتاب و کتابخوانی برجسته شود، اما باید زمینه‌هایی را فراهم کرد تا این تاثیر، ماندگارتر باشد، نه این که تنها روز و هفته‌ای به کتاب توجه شود و بعد موضوع مهمی چون کتاب، در رسانه‌های دیداری و نوشتاری کم رنگ شود یا از خاطر برود.

کتاب‌های برگزیده تا چه اندازه می‌توانند در جذب مخاطب و علاقه‌مند کردن او به کتاب و کتابخوانی موثر باشند؟

برخی مواقع، کتاب‌های برگزیده با قوانین کتاب سال چندان هماهنگ نیستند. حتی گاهی به نظر می‌رسد، کار به داورانی سپرده می‌شود که سلیقه شخصی خود را هم دخالت می‌دهند، به ویژه از زمانی که میزان جایزه را افزایش داده‌اند.

چرا فکر می‌کنید برخی از کتاب‌های برگزیده با قوانین کتاب سال هماهنگ نیستند؟

یکی از مواردی که در آیین نامه کتاب سال به روشنی به آن اشاره شده این است که کتاب‌های برگزیده، حتما باید تالیفی باشند در حالی که در سال‌های اخیر، کتاب‌هایی را انتخاب و به عنوان کتاب برگزیده معرفی کرده‌اند که به بازنویسی متون و داستان‌های کهن پرداخته‌اند.

با توجه به این که برگزارکننده جایزه کتاب سال، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، مسئولان وزارت ارشاد در هر دوره‌ای تا چه اندازه بر انتخاب کتاب‌ها تاثیر می‌گذارند؟

حقیقتا من هیچ اعمال نفوذی از سوی مسئولان رده بالای فرهنگی در ارتباط با انتخاب کتاب سال ندیده و حتی شاهد تلاش آنها برای بهبود وضعیت موجود نیز بوده‌ام، اما گاهی خود داوران، آن‌گونه که باید و شاید به

داوری آثار نمی‌نشینند، در حالی که داوران باید بی‌غرض باشند. به همین دلیل بهتر است برگزارکنندگان جایزه کتاب سال، نظارت بیشتری بر کار داوران داشته باشند.

چرا تاثیری که جوایز ادبی بر گسترش فرهنگ کتابخوانی می‌گذارند تا این اندازه مقطعی است؟ کتاب، مظلوم‌ترین کالای فرهنگی است و روزنامه‌ها و نشریات، فضای کمی از حجم خود را به معرفی کتاب اختصاص می‌دهند. تعداد کمی خبرنگار تخصصی کتاب وجود دارد و همین نکات سبب می‌شود تا افراد کمی با جایزه‌های مختلف ادبی آشنا باشند و در جریان داوری هافرا بگیرند. در این اوضاع، کتاب‌های برگزیده چطور و چگونه باید معرفی شوند؟ اینها مواردی است که باید به آن توجه شود. از سوی دیگر چه تعداد کتابفروشی در شهر تهران وجود دارد؟ آیا بچه‌ها یا پادرو مادر و مربیانشان به راحتی می‌توانند به خیابان انقلاب یا کریمخان بروند و کتاب بخرند؟ اصلا چه تعداد کتابفروشی تخصصی برای بچه‌ها وجود دارد؟ توجه به این مسائل، باید در کنار فعالیت‌هایی مثبت همچون برگزاری جوایز ادبی باید وجود داشته باشد.

نرگس آبیاری:

نگاه سلیقه‌ای نداشته باشیم



نرگس آبیاری از جمله نویسندگان کودک و نوجوان است که آثاری همچون «قصه زنی که همه‌اش یاس‌های فلسفی داشت»، «داستان دو پنج»، «افسانه چشمه لاغر مردنی»، «داستان دو خط موازی»، «هجسمه نمکی»، «عروس آسمان» و... را در کارنامه خود دارد. از او درباره تاثیر جایزه‌ها می‌پرسیم. او به نقش مثبت جایزه‌های ادبی اشاره می‌کند.

وضعیت جایزه‌های ادبی را در سال گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به جز جایزه کتاب سال و جایزه ادبی جلال آل احمد، سایر جوایز به لحاظ مالی، چندان حمایت‌کننده نیستند. در هر حال باید بپذیریم که زبان فارسی، آنچنان که باید جنبه بین‌المللی ندارد و مخاطبان آن محدودند. بنابراین بهتر است که متولیان فرهنگی از شاعران و نویسندگان پشتیبانی کنند. یکی از گونه‌های این حمایت می‌تواند برگزاری جشنواره‌های مختلف و افزایش جایزه‌های ادبی باشد که امیدوارم این قضیه در سال آینده بیشتر مورد توجه باشد.

یعنی اگر وضعیت مالی جشنواره‌ها بهبود پیدا کند، همه مشکلات برطرف می‌شود؟

به هر حال نویسنده‌ها برای این که بتوانند وقت بگذارند و بنویسند، باید به لحاظ مالی حمایت شوند. کافی است شما جشنواره‌های فیلم را با جایزه‌های ادبی مقایسه کنید. از سوی دیگر، یکی از مسائلی که باید به آن پرداخته شود افزایش تعداد جشنواره‌هاست.

و این افزایش تعداد جشنواره‌ها چه کمکی به رشد ادبیات و بالارفتن شمارگان کتاب می‌کند؟ جشنواره‌ها آزادانه‌تر رفتار می‌کنند و دیگر اینکه همه سلیقه ادبی فرصت خواهند یافت که خود را

مطرح کنند. البته یکی از سیاست‌های غلطی که در سال‌های اخیر شکل گرفته، این است که اگر نویسنده یا کارگردان مطرحی در یک جشنواره شرکت کند، به هربهانه‌ای شده باید به او جایزه بدهند که ممکن است باعث دلسردی نویسندگان جوان و تازه‌کار شود.

جایزه‌های ادبی تا چه اندازه بر کتابخوان کردن بچه‌ها تاثیر می‌گذارند؟

رسانه‌ها تا اندازه زیادی مخاطب را تبیل کرده‌اند و این سبب شده تشویق به کتابخوانی، کار چندان ساده‌ای نباشد. خود شاعران و نویسندگان هم در این سال‌ها تلاش چندانی برای بالا بردن ذائقه مخاطب نکرده‌اند. در هر حال این برعهده جایزه‌هاست که علاوه بر در نظر گرفتن سلیقه مردم، در ارتقای آن تلاش کنند.

محمود حکیمی:

مردم باید در جریان اخبار کتاب باشند



محمود حکیمی، یکی از نویسندگان موفق کودک و نوجوان است که از جمله آثار او می‌توان به کتاب‌های «سوگند مقدس»، «طاغوت»، «دلوران عصر شب»، «سلحشوران علوی»، «سرودهای رهایی»،

«نقاب داران جوان»، «و جدان»، «مسلمان شجاع و اشراف زاده قهرمان» اشاره کرد. او معتقد است که جایزه‌های ادبی همواره تاثیر گذار بوده‌اند و این تاثیرات را می‌توان در سال گذشته نیز بر آثار دید.

وضعیت جایزه‌های ادبی را در سال گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مسئله جایزه‌های ادبی بروق و گسترش ادبیات و تعداد مخاطبان تاثیر می‌گذارد اما ما باید تلاش کنیم تا این تاثیر بلندمدت‌تر باشد. تاثیرات مقطعی چندان به کار نمی‌آید و این مساله زمانی امکان‌پذیر است که همه دستگاه‌ها و سازمان‌های فرهنگی دست به دست یکدیگر بدهند.

یعنی تاثیر بلند مدت‌تر این جشنواره‌ها به یک عزم ملی نیاز دارد؟

دقیقا. اگرچه وزارت ارشاد از متولیان اصلی رشد و توسعه فرهنگی در جامعه است، اما نمی‌توان تاثیر صداوسیما را نادیده گرفت. در کدام برنامه تلویزیونی به تبلیغ کتاب و کتابخوانی پرداخته می‌شود؟! در کدام فیلم یا مجموعه تلویزیونی، از کتاب به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگی استفاده می‌شود؟! شهرداری می‌تواند مکانی را به طور ثابت به کتاب اختصاص دهد یا حتی اگر امکان چنین کاری وجود ندارد فضاهایی را به طور موقت در اختیار ناشران بگذارد تا نمایشگاه کتاب برگزار کنند.

معرفی داوران تا چه اندازه در اعتماد مخاطبان به جایزه‌های مختلف ادبی تاثیر می‌گذارد؟

داوری در هر وضعیتی دشوار است؛ چه اسامی داوران گفته شود، چه نشود. اما بهتر است نظارت درست و دقیقی بر جریان داوری‌ها وجود داشته باشد تا داوران از اعمال سلیقه شخصی دوری کنند و از روی دانش و انصاف به قضاوت آثار بپردازند.

عبدالمجید نجفی:

جایزه‌های ادبی اتفاق‌هایی خوشایندند



عبدالمجید نجفی، سال ۱۳۳۹ در شهر تبریز به دنیا آمده، در دانشگاه ادبیات فارسی خوانده و علاوه بر آن مربی و کارشناس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم بوده است. «برف آباد»، «کت پشمی»،

«چشم‌های مادرم»، «پرنده‌های سحرآمیز»، «فرمانفرمای کوچک»، «کارت ارغوانی»، «دختری به نام پریا» و... از جمله کارهای نویسنده‌ای هستند که توانسته جایزه کتاب سال را برای کتاب «راز گمشده خاور» از آن خود کند. او درباره تاثیر جایزه‌های ادبی در سال گذشته سخن گفته است.

جایزه‌های ادبی تا چه اندازه می‌توانند نویسندگان را به نوشتن و مخاطبان را به خواندن کتاب تشویق کنند؟

نویسنده، کسی است که از بهشت می‌آید و دست به کاری جهنمی می‌زند، آن‌گونه که نیما می‌گوید: «نازک آرای تن آن ساقه گلی/ که به جانش کشتم و به جان دادمش آب/ ای دریغا به برم می‌شکنند...» به عبارتی نویسنده از قطره قطره وجود خود، مایه می‌گذارد تا کلمات جان بگیرند و زمانی کارش به پایان می‌رسد که از دنیا برود.

بنابراین معتقدید جایزه‌ها تاثیری بر کار نویسنده نمی‌گذارد؟

به هر حال جایزه‌ها از سوی متولیان فرهنگی و با حفظ کرامت و حرمت شاعران و نویسندگان در اختیار آنان قرار می‌گیرد، اما نوشتن برای شاعر و نویسنده شبیه به اکسیژن است و بدون آن نمی‌تواند زندگی کند و نفس بکشد. اما اگر شاعران و نویسندگان، فریفته تشویق و تمجید دیگران شوند، مرگشان فرارسیده است.

جایزه‌ها بر مخاطبان چه تاثیری می‌گذارد؟ آیا می‌تواند به رشد کتابخوانی در ایران بینجامد؟

به هر حال جایزه کتاب‌های ادبی، تعدادی از مخاطبان را به کتاب و آثار برگزیده کنجکاو می‌کند و این اتفاق خوشایندی است، چراکه مدتی موضوع کتاب در رسانه‌های نوشتاری ما برجسته می‌شود. حتی ممکن است کتاب‌های برگزیده به چاپ دوم یا سوم برسند. خوشبختانه در سال گذشته هم شاهد این تاثیرات در انتشار کتاب‌ها بوده‌ایم.

داوری‌ها تا چه اندازه تاثیر گذارند؟ در سال گذشته داوری‌ها را چگونه دیدید؟

من چندبار به عنوان داور مسابقات مختلف انتخاب شده‌ام و به جرات می‌توانم بگویم داوری از دشوارترین کارهای ممکن است. شاید نزدیک‌ترین دوست داور، داستان میان‌مایه‌ای نوشته باشد یا برعکس. اینها دلایلی است که می‌تواند موجب شود یک داور به درستی قضاوت نکند. حتی ممکن است اسم‌هایی در ذهن او حک شده باشند و بر داوری او تاثیر بگذارند. در حالی که یک نویسنده جوان تازه کار هم می‌تواند داستان خوبی بنویسد. خوشبختانه در سال گذشته، روند داوری‌ها رو به جلو و بهتر از سال‌های قبل بود.



رضا آشفته

در سال های اخیر، توجه به نشر کتاب های تئاتری به لحاظ آمار و ارقام و حتی کیفیت به چشم اندازهای قابل باوری نزدیک شده که می تواند نوید بخش یک اتفاق باشد. امروز نشرهای قطره، افزاز، نوروز هنر، بیدگل، نیلا، هرمس، نمایش، نی، کتابسرای نیک، روزبهان، سوره مهر، سمت، افکار، اختران، نیلوفر، توس، علمی و فرهنگی، چشمه و... بخش عمده یا بخشی از فعالیت های خود را به نشر کتاب تئاتری اختصاص داده اند. شاید یک دلیل این مساله، زیاد شدن دانشجویان تئاتر باشد و شاید هم، میزان علاقه مندی به مطالعه نمایشنامه به عنوان یک ژانر ادبی در کشورمان بالاتر رفته و در عین حال دانستن نظریه های تئاتری و تاریخ تئاتر نیز برای عموم مردم جزء لاینفک مطالعات روزمره شان شده باشد. در این باره با دو تن از اهل تئاتر که خود نیز اهل قلم به شمار می آیند، گفت و گویی کرده ایم.

درباره کتاب های تئاتری در سال ۸۸

توجه به کتاب های تالیفی بیشتر شده است

بهترین کتاب نظری که در این سال منتشر شده است، کدام است؟

اگر در بایگانی ترجمه و پژوهش تئاتر، کتب ترجمه شده را برشمردیم که کاربرد زمانش هم ادامه داشته باشد، تعداد این کتب به اندازه انگشتان یک دست است. مثلاً پژوهش های یدالله آقاعباسی و جلال ستاری مرجع اند که درباره وضعیت امروز ماست. متأسفانه هنوز در ایران نتوانسته ایم کتابخانه تخصصی به روز دایر کنیم. به نظرم کتاب های تئوریک که ده سال پیش در گوشه ای از دنیا تجربه شده، امروز به کار تئاترمان خواهد آمد. تئاتری که ما دو تا سالن برای ارائه و تمرین نمایش های تجربی آن نداریم.

آیا در سالی که گذشت نمایشنامه ایرانی یا خارجی در خوری را مطالعه یا اجرایی از آن را دیده اید؟

نمایشنامه ای که هویت زمان مرا داشته باشد، خیلی کمتر شده است. نمایشنامه نویسی دارد به سمت گفتار نویسی سریال های تلویزیونی می رود. بیشتر تیپ جایگزین شخصیت شده است. به همین خاطر نمایشنامه ها هم یکبار مصرف شده اند و قابلیت های آفرینش دوباره را ندارند. دلیلش این است که ما به جای تماشاجی، مشتری داریم و مثل این که در صحنه، جنس حرکت می کند. دیگر تماشاجی ای که آماده و آگاه در تالار حضور داشته باشد کمتر داریم. شاید دلیلش هم این باشد که اطلاع رسانی به روزی هم نداریم. آن وقت در روزگاری نمایشنامه ای یک آدم هم رشد نکند، مثل یک شاه بیت در غزل است و بعدش ما اتفاقی نمی بینیم. مثل اینکه در تئاتر انسان یادمان رفته باشد.

در این سال ها شاهد برگزاری جایزه ادبیات نمایشی خانه تئاتر، جایزه نمایشنامه نویسی جشنواره تئاتر فجر، جایزه روزی روزگاری و جایزه اکبر رادی جشنواره تئاتر دانشگاهی و از این دست جوایز بوده ایم؛ برگزاری جایزه ها تا چه میزان بر روند نمایشنامه نویسی و پژوهشگری تئاتر تأثیر گذار بوده است؟

من همیشه از جایزه خوشم آمده است و همین الان هم در سن ۶۱ سالگی کودکانه به جایزه می اندیشم و کیف می کنم. چرا که از میان خیلی از اسم ها، یکی مرا به نام می خواند و کیف دارد. برای من که تأثیر گذار بوده است. کاری که خانه تئاتر کرد و شاید بعد از ۷۰ سال به ابریشم بانو جایزه اول را داد. حالا نوشتن برای من، کوه دماوند شده است و برای به قله رسیدنش، پای و نفس تازه می خواهم. جایزه خانه تئاتر بی تردید در جوانان امید تازه و استمرار در حضور می آفریند. نه به خاطر اینکه به جایزه چشم داشته باشند، به خاطر اینکه ارزیابی می شوند، شمرده می شوند و عددی جلوی اسمشان می آید. حکم صادر می شود که نویسنده را تکان می دهد تا خود را هرس کند و از انرژی گذشته، حرکت به جلو را بگیرد. متأسفانه «ابریشم بانو» حقیقت نبود که در خانه نمایش اجرا بشود، نه اینکه این تالار جای خوبی نیست بلکه به گمانم استحقاق این نمایش بالاتر از اینهاست!



باعث گسترش و تشویق نمایشنامه نویسان شده است. متأسفانه در ایران فرقی نمی کند که متنی جایزه بگیرد یا نگیرد. وقتی در کشوری غربی، نمایشنامه ای جایزه می گیرد، انبوه تهیه کنندگان بر سر آن متن و نویسنده اش می ریزند و به او پیشنهاد اجرا می دهند. هنوز ما به اینجا نرسیده ایم. شاید علتش هم این باشد که معیارهایمان برای ارزیابی نمایشنامه نویسان دقیق نیستند. به نظرم هر گونه جایزه ادبی و هنری می تواند به ویژه برای جوانان تشویق کننده باشد و به همین دلیل باید بودجه بیشتری را برای آن در نظر بگیرند. متأسفانه امروز دستمزد ناچیزی به داوران می دهند که همین خود باعث می شود تا بسیاری از متون را سراسیمه کنار بگذارند و فقط به شناخته شده ها بپردازند. در حالی که وظیفه جایزه ادبی، شناساندن ناشناخته ها و بهترین هاست.

عزت الله مهرآوران، نمایشنامه نویس: ترجمه ها از تئاتر ما عقب اند

عزت الله مهرآوران، سال هاست که می نویسد، بازی و کارگردانی می کند. در حال حاضر هم نمایشنامه «ابریشم بانو» از نوشته های خودش را در خانه نمایش اجرا می کند. به تازگی انتشارات نمایش دو نمایشنامه «لیکو» و «قصه» این نویسنده را منتشر کرده است.

ارزیابی تان از وضعیت نشر کتاب در سال ۸۸ چیست؟

تئاتر، هنر رفتاری است که در استمرارش زیبا و خلاق می شود. کتاب های تئاتر که چندین سال از عمرشان گذشته، به تاریخ می پیوندند که دانشجویان و اهالی تئاتر طرفی از این ترجمه ها که تاریخ و زمانش گذشته، نمی بندند. این آثار در سیر حرکت تند و شتابان تئاتر، تنها در بایگانی اهل تئاتر می ماند یا اگر بدبینانه نگاه نکرده باشیم، پشتوانه ای است از چند و چون تئاتر گذشته. اما خوشبینانه تر تئاتر با شتابی که در قرن بیست و یکم حرکت می کند، پیش می رود. به همین دلیل می گویم زایا، خلاق و آفریننده است. مدام خلق می کند و جلو می رود. اگر تئاتر جوهرش حرکت است، نمی توان در جایی آن را نگه داریم تا کتب ترجمه شده به حرکتش درآورد. این فقر کشورهایی است که تئاتر را با جنگ و دندان گرفته اند یا نگه داشته اند و از ناتوانی و میرایی نجاتش داده اند. البته خوشحالم که کتب فنی، علمی ترجمه می شود اما تئاتر فن و علم نیست. تئاتر حس است که پرورشگاهش ذهن است و جایگاهش آفرینش. مدام می آفریند و می گذرد و مجالی برای برگشتن ندارد. خلق و آفرینش جزئی از خصلت و هستی تئاتر است که در جا نمی زند و به همین دلیل کتب ترجمه در این سال ها شتابی به تئاتر نداده اند به گمانم خود تئاتر باید در کوره راه تجربه و در استمرار مدام حیات زمان خودش را پیدا کند.

دریدا و سوسور در زمینه هنر و تئاتر مطرح شده اند. در این کتاب، مطرح شدن تئاتر پسامدرن و نظریه های پسااستعماری در تئاتر باعث می شوند که کتاب مفیدی برای دانشجویان فوق لیسانس پیش رویمان قرار بگیرد. ما در این کتاب با نظریه های کارگردانی مانند آرتو، بروک، گروتسکی، برشت و دیگران آشنا می شویم. همچنین، کسانی از حوزه فلسفه و روانشناسی هم درباره تئاتر نظریه دارند که از جمله بارت و ژان لاک که در کتاب به آنها پرداخته شده است.

آیا در سالی که گذشت نمایشنامه ایرانی یا خارجی در خوری را مطالعه یا اجرایی از آن را دیده اید؟

مسلمادرسال ۸۸ نمایشنامه های خوبی منتشر شده اند، اما من یک نمایشنامه به نام «دیوارها و آنتیگونه خشمگین» از نشر افزاز را خواندم که مرا خیلی جذب خود کرد و حتی دکتر خاکی آن را از من گرفت که در صورت امکان برای اجرا آماده اش کند. همچنین، یک نمایشنامه هم دکتر خاکی از تام لانوی فرانسوی ترجمه کرده که من آن را خیلی دوست دارم. البته نمایشنامه سال بعد منتشر خواهد شد و «میتسو برای همیشه» نام دارد. این نمایشنامه بر اساس رمان مشهور کلاوسمان تنظیم شده که پیش از این هم یک اقتباس از آن را آراین منوشکین تنظیم و اجرا کرده بود. در میان نمایشنامه های ایرانی هم «خانمچه و مهتابی» نوشته اکبر رادی را خواندم که به تازگی تجدید چاپ شده است. این نمایشنامه حتی در میان آثار خود رادی هم اثری متفاوت و نو محسوب می شود. یک نمایشنامه بسیار تکنیکی به حساب می آید که مرا جذب خود کرد و احتمال دارد در صورت آماده شدن شرایط اجرا و حمایت های لازم، آن را به صحنه ببرم.

در این سال ها شاهد برگزاری جایزه ادبیات نمایشی خانه تئاتر، جایزه نمایشنامه نویسی جشنواره تئاتر فجر، جایزه روزی روزگاری و جایزه اکبر رادی جشنواره تئاتر دانشگاهی بوده ایم. برگزاری جایزه ها تا چه میزان بر روند نمایشنامه نویسی و پژوهشگری تئاتر تأثیر گذار بوده است؟

با توجه به تجربه ۲۰ ساله حضورم در خارج از کشور، به این نکته پی برده ام که در تمام کشورهای پیشرفته به فرهنگ خیلی اهمیت می دهند و به همین خاطر، جایزه های ادبی و هنری زیادی برگزار می کنند. اما در ایران، ما هنوز در اول راه هستیم و فرقی هم نمی کند در چه زمینه ای باشد. جوایز ادبی ما در نمایشنامه نویسی هنوز از جایگاه کاملاً معتبری برخوردار نشده اند. به این دلیل که ما تجربه کافی در این زمینه نداشته ایم. ما در برگزاری جوایز گاهی خام و تنگ نظرانه برخورد می کنیم. باید افراد متخصص و مجرب در زمینه نمایشنامه نویسی داور بشوند تا نظراتشان در زمینه ادبیات نمایشی معتبر باشد. در این سال ها جایزه ادبیات نمایشی جشنواره فجر در سطح نسبتاً حرفه ای برگزار شده است. همچنین انجمن نمایشنامه نویسان خانه تئاتر هم که وظیفه اش شناسایی آثار و نمایشنامه نویسان مستعد است، با برگزاری جایزه ادبیات نمایشی

مسعود دلخواه، مترجم و کارگردان: هنوز اول راهیم

دکتر مسعود دلخواه دانش آموخته تئاتر در آمریکاست که پس از بازگشت، در دانشگاه تربیت مدرس مشغول به تدریس تئاتر شده است. از او ترجمه هایی را در این سال ها بر صحنه دیده ایم و مقالاتی را هم خوانده ایم. وی یکی از داوران کتاب سال نیز بوده است.

ارزیابی تان از وضعیت نشر کتاب در سال ۸۸ چیست؟

دریافت کلی ام در این پنج شش سالی که به ایران آمده ام، نشان دهنده پیشرفتی تاریخی در عرصه پژوهش و ترجمه متون هنری - به ویژه هنر تئاتر - بوده است. در حالی که در زمینه تالیف هنوز پیشرفت محسوسی نکرده ایم. تعداد کتاب هایی که شکل معتبر و به

اصطلاح به عنوان مرجع استفاده شوند و تالیف هنرمندان و پژوهشگران خودمان باشند، خیلی اندکند. در دو سه سال اخیر، کتاب های خوبی ترجمه شده است. در حوزه اطلاعات هنری پرفورمنس یا هنر اجرایی از جمله مواردی است که توجه کمی به آن شده. البته سه سال پیش احمد دامود کتابی را در این باره منتشر کرد تا پاسخگوی پرسش های دانشجویان در این زمینه باشد و همین کتاب منبع هنر اجرایی شد. امسال هم یک کتاب با عنوان هنر اجرا یا (پرفورمنس آرت) به قلم رزلی گلدبرگ و با ترجمه مریم نعمت طاووسی، توسط انتشارات نمایش منتشر شد که یکی از کتاب های خوب در زمینه ترجمه است. این تعداد کتاب برای مقوله بااهمیتی چون هنر اجرایی کافی نیست. در سال های قبل ترجمه ها با اشکالات عمده ای روبرو بودند و حالا که من به دلیل داوری کتاب سال و فصل، برخی از این ترجمه ها را با زبان اصلی مقایسه کرده ام، دریافته ام که ترجمه ها نیز کم اشکال تر شده اند. این یعنی، مترجمان خوبمان فعال تر شده اند یا دقت در ترجمه بالاتر رفته است.

هر چه جلوتر برویم، زمینه چاپ کتاب تئاتری گسترده تر خواهد شد و ما با مسائل روز تئاتری برخورد می کنیم. قبلاً تاریخ کتاب های ترجمه مربوط به دو سه دهه پیشین بود اما امروز سعی می شود که تازه ترین آثار خارجی که متعلق دهه اخیرند، ترجمه و در اختیار علاقه مندان قرار گیرند.

بهترین کتاب نظری که در این سال منتشر شده است، چیست؟

امسال انتشارات سمت یک کتاب به نام «مقدمه ای بر تئوری تئاتر» اثر ماکس فورته با ترجمه علی ظفر قهرمانی نژاد منتشر کرده است که من وقتی آن را با نسخه انگلیسی مقایسه کردم، دیدم که یک ترجمه خوب و دقیق است. در این کتاب، معرفی فشرده و خلاصه شده ای از نظریات عمده تئاتر مطرح شده است. به نظرم نویسنده خیلی دقیق و عمیق ما را با دیدگاه ها و رویکردهای نظریه پردازان قرن بیستم و به ویژه در دو دهه اخیر آشنا می کند. نظریه های تازه ای که از طرف فیلسوفانی مدرن مانند بارت،



به مناسبت سالروز ملی شدن صنعت نفت

حکایت «نفت» و کمبود دستمایه های تالیفی نو



وقتی در تقویم به صفحات پایانی سال می‌رسیم، مناسبت ملی شدن صنعت نفت ایران را از بزرگ‌ترین ایامی می‌یابیم که گرمای غرور ملی را در ذهن و قلبمان ایجاد می‌کند.

تاکنون کتاب‌ها، مقالات و متن‌های گوناگونی درباره صنعت ملی نفت به رشته تحریر درآمده‌اند، سخنان فراوانی نیز ایراد شده‌اند.

کتابخانه‌هایی هم به ارائه آثار تخصصی این موضوع پرداخته‌اند که از آن میان می‌توان به «کتابخانه وزارت نفت» در خیابان طالقانی و «موسسه بین‌المللی مطالعات انرژی» که پژوهشگاهی وابسته به وزارت نفت است، اشاره کرد.

گزارش حاضر با اشاره به جایگاه این رخداد مهم تاریخی-سیاسی، تلنگری است بر ضرورت تدوین، تالیف و گردآوری کتاب‌های حوزه نفت و تلاش‌هایی که در سال‌های اخیر در این عرصه انجام شده‌اند.

دکتر سعید میرترابی، نویسنده و پژوهشگر حوزه سیاسی-اقتصادی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، در این باره می‌گوید: «این صنعت نوپدید همراه تحولات اقتصادی جدیدی در ایران آغاز شد که افزایش درآمدهای ایران یکی از آنها بود. ارتباط اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی از دیگر رویدادهایی بود که پس از اکتشاف نفت در ایران رخ داد. ما پیش از آن با اقتصاد جهانی ارتباط زیادی نداشتیم.»

وی آغاز به کار نخستین چاه نفت در ایران را به معنای آغاز به کار تولید نفت در خاورمیانه می‌داند، چون آن زمان ایران در استخراج نفت خاورمیانه پیش‌تاز بود. پس از گذشت دو دهه از این اکتشاف، سال‌ها ۱۹۳۰ نخستین اکتشاف‌های نفت در عربستان به بار نشست و اهمیت خاورمیانه به واسطه این اکتشاف بیش از پیش آشکار شد.

پس از ملی شدن این صنعت و در ادامه آن پیروزی

یکی از دشوارترین مراحل بود که با موفقیت پشت سر گذاشته شد، کتابی نداریم.»

وی یکی از نتایج کمبود چنین آثاری را مشکلات پژوهشی، به ویژه برای دانشجویان برمی‌شمارد و بیان می‌کند: «در این وضعیت دانشجویان نمی‌توانند با تحولات نفتی ارتباط برقرار کنند تا با دستیابی به تحلیلی درست، سمت و سوی تغییرات این مسیر را درک کنند. این که نفت در ایران با چه مشکلات و مسائلی همراه بوده است یا چه درس‌ها، دستاوردها و نتایجی دربردارد.»

دکتر میرترابی، با بیان این که حتی تدریس‌های این حوزه نیز اغلب معطوف به بحث‌های تاریخی‌اند

انقلاب اسلامی، اقدامات و تحولات فراوانی صورت گرفت که کتاب‌ها کمتر به آنها پرداختند. اغلب کتاب‌های این حوزه مربوط به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی‌اند و به قول بسیاری از صاحب‌نظران و مدرسان، پس از پیروزی انقلاب، در تشریح رویدادهای تاریخی و تحولات نفتی، اثر منسجمی نداریم. نویسنده کتاب «نفت، سیاست و دموکراسی» مشکل عمده منابع مرتبط با نفت را قدیمی بودن آنها می‌داند و معتقد است: «اغلب این آثار بر تحولات دوره ملی شدن صنعت نفت (حدود پنج دهه گذشته) متمرکزند و درباره رویدادهای پس از انقلاب اسلامی، به ویژه شرح وقایع و تحولات نفتی دوره جنگ که

گزارشی از نمایشگاه کتاب استان اصفهان

نصف جهان بوی کتاب گرفت

مرثی قدیمی

شده از سوی شرکت نمایشگاه بین‌المللی اصفهان، نمایشگاه کتاب سال گذشته در استان اصفهان یکی از پر فروش‌ترین نمایشگاه‌ها بوده است.»

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان با اشاره به سخن گهر بار حضرت علی (ع) مبنی بر این که «کتاب‌ها بوستان‌های دانشمندان هستند» خاطر نشان کرد: «علما، بزرگان و فرهیختگان استقبال خوب و قابل توجهی از برپایی نمایشگاه بزرگ کتاب در استان اصفهان داشته‌اند.»

وی همچنین از ارائه بن کارت الکترونیکی خرید کتاب به جای بن‌های کاغذی در نمایشگاه امسال خبر داد و گفت: «در پنجمین نمایشگاه بزرگ کتاب استان اصفهان ۵۰۰ ناشر و نماینده‌ای از سراسر کشور، ۶۰ هزار عنوان کتاب را در قالب ۲۹۸ غرفه در معرض نمایش قرار دادند.»

وی در پایان از زحمات و همکاری استانداری اصفهان، شرکت نمایشگاه‌های استان اصفهان، بانک صادرات و شرکت مخابرات و تمامی مسئولان و ناشران تشکر کرد.

نمایشگاه کتاب؛ جشنواره‌ای فرهنگی

در ادامه این مراسم، معاون سیاسی امنیتی

فرهنگی استان در حوزه کتاب برونه. در مراسم افتتاحیه نمایشگاه، محمد مهدی اسماعیلی، معاون سیاسی امنیتی استانداری، سعید علیرضا حسینی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، برخی از مسوولان مراکز و سازمان‌های مختلف استان و علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی حضور داشتند.

بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی استان

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان در این مراسم گفت: «برگزاری نمایشگاه بزرگ کتاب استان اصفهان یک نیاز فرهنگی است.» سعید علیرضا حسینی، ضمن تبریک میلاد خجسته پیامبر اعظم (ص) و حضرت امام جعفر صادق (ع) تقارن نمایشگاه با این ایام را مبارک دانست و گفت: «برپایی نمایشگاه بزرگ کتاب، یکی از اتفاقات مهم فرهنگی است.»

وی با ابراز خرسندی از برپایی نمایشگاه کتاب به صورت متوالی از سال ۱۳۸۴ تاکنون افزود: «در سال‌های گذشته فرهیختگان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم اصفهان هر سال از این نمایشگاه به خوبی استقبال کردند، به صورتی که طبق آمار اعلام

و کمتر به وضعیت کنونی توجه دارند می‌گوید: «بررسی‌های آسیب‌شناسانه، واکاوی اقدامات انجام شده، تحلیل تحولات و آگاهی از رویدادهای مهم حوزه نفت، مستلزم ایجاد فرصت‌هایی برای پژوهش و تالیف‌اند.» این مهم با همکاری وزارت نفت با موسسات پژوهشی و دانشگاه‌ها فراهم می‌شود. مسئولان و روابط عمومی‌های این وزارتخانه باید با اختیار گذاشتن مواد خام پژوهشی و گسترش ارتباط پژوهشگران و کارشناسان زمینه‌های تحقیق و تالیفات این قلمرو را گسترش دهند.»

درباره تاریخ‌سازان این حوزه نیز عقاید گوناگونی وجود دارد. دکتر احمد ساعی استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و نویسنده کتاب «توسعه نیافتگی در عصر پسااستعماری» با تأکید بر کم بودن کتاب‌های این حوزه معتقد است: «در این زمینه کم‌نوشته شده است.»

وی با تأکید بر این که از نویسندگان این حوزه انتظار می‌رود حقیقت‌مطلب را بدون جانبداری بیان کنند و وقایع و شخصیت‌های تأثیرگذار بر ملی شدن صنعت نفت را تنها سیاه و سفید نبینند، گفت:

«در این حوزه علاوه بر کتاب، کتابخانه‌های تخصصی نیز کم و اغلب تلاش‌هایی که در تدوین آثار انجام شده است مربوط به گذشته‌اند. کتابخانه‌ها منابع کافی در اختیار ندارند و دانشجویان و پژوهشگران همواره از این موضوع غله‌مندند.»

وی یکی از دلایل این مسأله را کم‌رنگ بودن انگیزه‌های تحقیق و تالیف برای پژوهشگران و نویسندگان می‌داند و می‌گوید: «متأسفانه بیشتر کارشناسان این حوزه، تلاششان را بر کارهایی نظیر تدریس متمرکز کرده‌اند و از این حوزه غافل شده‌اند، در حالی که وظیفه ما استادان و محققان است که با فراهم شدن زمینه‌های پژوهشی و حمایت‌های کافی، خلأ ایجاد شده را برطرف سازیم.»

استانداری اصفهان، توجه و اهتمام ویژه به مسائل فرهنگی استان را از ضروریات دانست.

دکتر محمد مهدی اسماعیلی با اشاره به رویکرد فرهنگی دولت دهم و جایگاه استان اصفهان به عنوان نماینده پرافتخار فرهنگی، توجه به مسائل فرهنگی استان اصفهان را ضروری عنوان کرد.

وی افزود: «اصفهان تنها استانی است که به صورت رسمی و مصوب کشور، عنوان «پایتخت فرهنگ و تمدن اسلامی» را دریافت کرده است. دکتر اسماعیلی خاطر نشان کرد: «استقبال خوب و قابل توجه مردم استان اصفهان، حمایت بیشتر و بهتر مسوولان را از این نمایشگاه می‌طلبد.»

وی در ادامه گفت: «استان اصفهان با توجه به زیرساخت‌های عمیق فرهنگی، نیازمند توجه و اهتمام ویژه در مسائل فرهنگی است و باید یکی از بهترین‌ها و پیش‌تازان عرصه فرهنگ باشد.»

معاون سیاسی امنیتی استانداری اصفهان برپایی نمایشگاه بزرگ کتاب استان اصفهان را بیانگر ظرفیت بالا در حوزه فرهنگی دانست و اظهار داشت: «این نمایشگاه مانند یک جشنواره است، چون فضای پرنشاط فرهنگی را در جامعه ایجاد می‌کند.»

همزمان با برگزاری این نمایشگاه، برنامه‌های جنبی مختلفی برگزار شد که از جمله آنها برگزاری نشست تخصصی با موضوع ازدواج جوانان، برپایی شب شعر به مناسبت ولادت پیامبر اعظم (ص)، اجرای مراسم حافظ خوانی، برپایی کارگاه ادبیات معاصر، کارگاه داستان‌نویسی و ... بود.

بالاخره کاروان ناشران شرکت‌کننده در نمایشگاه‌های استانی کتاب به ایستگاه آخر (اصفهان) رسید؛ کاروانی که حرکتش از هشتم خرداد ماه امسال از اهواز شروع شد.

اصفهان آخرین میزبان نمایشگاه‌های کتاب استانی شد تا در مجموع ۲۰ نمایشگاه کتاب در سال جاری و در ۲۰ مرکز استان برپا شده باشد، ۲۰ نمایشگاهی که به همت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران و ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها شکل گرفت.

با برپایی این نمایشگاه در اصفهان، تعداد نمایشگاه‌های برگزار شده توسط موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران به عدد ۱۶۲ رسید که ۹۲ مورد آنها در دور جدید فعالیت موسسه و طی چهار سال اخیر شکل گرفتند.

البته با برگزاری این نمایشگاه، اصفهانی‌ها میزبان پنجمین نمایشگاه بزرگ کتاب شدند که برای سومین سال متوالی در محل دائمی نمایشگاه‌های استان راه‌اندازی شد.

نخستین نمایشگاه اصفهان در سال ۱۳۷۲، دومین دوره آن در سال ۱۳۸۴ و همچنین سومین و چهارمین آن در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ برگزار شد.

نمایشگاه کتاب اصفهان از سه شنبه (دوازدهم اسفند) فعالیت خود را آغاز کرد و به مدت شش روز ادامه یافت تا در آخرین روزهای سال و در آستانه بهار طبیعت، مردم این خطه از کشور به استقبال از بهار کتاب و کتابخوانی و مهم‌ترین رویداد



نشست های سرای اهل قلم از چهارشنبه تا سه شنبه

ملودی های تفسیری مولانا و آغاز با توحید

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگ کشور را مهیا می کند. در نشست هایی که هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های «عرفان و ادبیات» و «ادبیات داستانی» در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

چرا «رابرت کندی» نجات یافت؟

زندگی را به تصویر بکشند.

بارتلمی فاجعه را بدون این که افسوس برای آن بخورد نمایش می دهد. او در آثارش زندگی را به بازی می گیرد و مهم ترین ابزار او برای رسیدن به چنین متنی استفاده از کلاژ یا تکه گذاری است که از نقاشی وارد ادبیات شده است.

حسن فرهنگی، منتقد: هر یک از داستان های این نویسنده با داستان دیگرش از نظر ساختاری متفاوت است و می شود درباره این ساختارها بحث کرد. همچنین موضوع مهم در نقد بارتلمی، دیدگاه معرفتی و آبخشور فلسفی این نویسنده است.

به نظر من، بارتلمی انسانی است که در عین حال که هیچ یک از چارچوب ها را رسمی نمی شناسد، خودش واجد خلیقات انسانی است که نمی تواند از آنها گذر کند. یکی از مباحثی که در داستان های بارتلمی زیاد دیده می شود، مفهوم مرگ و پذیرفتن این مفهوم است. او مرگ را بسیار راحت می پذیرد و با آن بازی می کند. اینجاست که طنز او آشکار می شود. او با مرگ خیلی خوب دست و پنجه نرم می کند، چنانکه می شود گفت او بسیار خیام وار به زندگی نگاه می کند و این را می شود در اغلب داستان های این نویسنده دید.

بارتلمی کتابی به نام «رابرت کندی از غرق شدن نجات یافت» ندارد و مترجم فارسی داستان های این کتاب را از روی مجموعه های مختلف این نویسنده انتخاب و به فارسی ترجمه کرده است. وی نام یکی از داستان ها را به عنوان اسم کلی کتاب برگزیده است. این اثر امسال با ترجمه مزدک بلوری، توسط نشر نی منتشر شده است. ترجمه ۱۷ داستان از بارتلمی در این کتاب آمده است.



نیستند و نوعی ساختار شکنی در آنها وجود دارد و زمان و مکان به هم ریخته است.

بارتلمی را اکثر نویسندگان پست مدرن توصیف کرده اند اما به باور من آن چیزی که بیش از همه در شکل گیری شیوه داستان نویسی این نویسنده نقش داشته؛ باور پست مدرن هاست، مبنی بر این که زندگی فاقد هرگونه انسجام و پیوستگی و نظم به حساب می آید. نویسندگان پست مدرن معمولاً اعتقاد دارند که نمی شود در زندگی به دنبال نظم و معنا گشت و تنها اثری می تواند بازماند درستی از زندگی داشته باشد که این گسستگی و ناپیوستگی را نمایش دهد. بارتلمی هم در آثارش از ابزارهای مختلفی استفاده می کند تا این بی نظمی و آشفتگی

مجموعه داستان «رابرت کندی از غرق شدن نجات یافت» اثر دونالد بارتلمی، نویسنده آمریکایی که توسط مزدک بلوری به فارسی ترجمه شده است، با حضور حسن فرهنگی، نویسنده و منتقد و مزدک بلوری، مترجم کتاب در سرای دائمی اهل قلم نقد شد.

بلوری: معمولاً در داستان های سنتی یک طرح خطی هست و ترتیب زمانی و آغاز و پایان مشخص است. پیشینه شخصیت ها معلوم است و داستان از یک نظام روایی برخوردار است، اما در داستان های بارتلمی برخلاف این داستان های سنتی، طرحی دیده نمی شود و اگر هم طرحی باشد بسیار نامحسوس است. داستان های بارتلمی دارای ساختار مشخصی

ملودی های تفسیری مولانا

نشست «تجلی قرآن در اندیشه مولانا» با سخنرانی دکتر کاظم محمدی و ایقانی، نویسنده و مولوی پژوه و دبیری محمدیاسر هدایتی در سرای اهل قلم برگزار شد.

در این نشست از مثنوی معنوی به عنوان تفسیری متفاوت از قرآن کریم یاد و عنوان شد که مولوی، نماینده عرفان اسلامی است که ملودی های تفسیری اش را در قالب مثنوی، به نغمه سرآید.

دکتر کاظم محمدی و ایقانی: نگاه مولانا نه تنها بر مبنای تئوری های دینی، محکم و استوارند، بلکه او باور های دینی اش را تبلیغ و در زندگی و رفتار های شخصی نیز سنت نبوی را پیاده می کرد. او علاوه بر یک عارف نظری، عارفی عملی و مسلمان بود. متأسفانه در مجالس نوپدید که با نام او برپا می شود، مولانا از فضای معنوی اش جدا می کنند و او را تنها در عشق مجازی می بینند.

در مثنوی معنوی صفحه ای یافت نمی شود که در آن به قرآن، احادیث و روایات اشاره ای نشده باشد. من مولانا را عارف مسلمان معتقدی می شناسم که مثنوی به عنوان شاهکار او مبتنی بر قرآن، حدیث و حکایت انبیاست و اگر این عناصر سه گانه را از این اثر حذف کنیم، از مثنوی غیر از «بشنو از نی» و «نی نامه» چیزی باقی نمی ماند.



مولانا را باید از زبان و نگاه مولانا جست و جو کنیم، نه از آنچه دیگران می گویند. این موضوع که هر کسی از ظن خود مولانا را درک و توصیف کند، ناشی از کج فهمی است. نگاه مولانا به قرآن متفاوت از نگاه ماست، او قرآن را دیبایی دو رویه می بیند که هر دو روی آن قابل استفاده، تحسین شده و ستودنی اند، اما رویه اصلی این کتاب آسمانی را باطن قرآن و تأویل آیات بیان می کند و در شرایط تأویل می گوید که باید چون «نی» تنها دم دمنده را بگوید و تا ظرف مناسبی نیافت، مظروف را در آن نریزد.

مولوی در مثنوی که از پیش مشخص نبود کجا، چه زمانی و برای چه کسانی باید سروده شود، درباره ۱۱۴ سوره قرآن کریم هنرمندانه سخن گفته است. این موضوع نشان می دهد که نه تنها مولوی تمامی آیات قرآن را تا آخرین لحظات عمرش در ذهن داشت، بلکه با آن آیات زندگی می کرد و در بیان خود نیز از آنها استمداد می جست و به آنها اشاره داشت. او به سهولت متن و بطن قرآن را به نظم کشید که نشان می دهد حافظ، مفسر و تأویل کننده قرآن بود.

آغاز منطق الطیر با توحید

نشست عرفان در ادبیات با حضور پرویز عباسی داکانی، استاد دانشگاه و کارشناس عرفان و ادبیات و جمعی از علاقه مندان به این حوزه، در سرای اهل قلم برگزار شد.

عباسی داکانی: حدود صد کتاب را به عطار منسوب کرده اند، در حالی که شاید تنها هفت اثر متعلق به او باشد. «تذکره اولیا» که نثر نوشته ای است درباره صوفیه، «اسرار نامه» که مثنوی های او را دربر می گیرد. «مصیبت نامه» که نشانگر عمق اندیشه های عطار است، «الهی نامه»، «مختار نامه» که مجموعه رباعیات اوست و همچنین دیوان غزلیات و قصاید عطار، از آثاری به شمار می روند که به درستی متعلق به عطارند.

مهم ترین اثر عطار از نظر ادبی و هنری «منطق الطیر» است. این کتاب، اثری سمبلیک است که قدرت ادبی سراینده آن را به خوبی نشان می دهد. این منظومه از شیوه داستان در داستان بهره برده و مهم ترین داستان آن نیز «شیخ صنعان» است. منطق الطیر مانند سایر آثار اسلامی با توحید آغاز می شود.

منطق الطیر به شکل جدی، از مقاله دوم آغاز می شود. هدهد در این داستان نقشی مهم دارد. به طور قطع عطار به داستان هدهد در قرآن نظر داشته و حتی عنوان منظومه اش را نیز از قرآن برگرفته است. این منظومه منطق پرواز روح انسان به سوی خدا را به انسان بازمی نمایاند و عطار برای این منظور از هدهد مدد می جوید.

به طور کلی تمام پرسش های منطق الطیر در سوال «چگونه می توان با خدا رفیق شد؟» خلاصه می شود و عطار به این سوال پاسخ می گوید که چگونه می توان با خدای جهان از درون رابطه داشت.

هدهد تصویر خدا را در منطق الطیر آشکار می کند. در اینجا سوالی پیش می آید،



مبنی بر این که «نسبت انسان با خدا چیست؟» این مهم ترین سوال عرفان است که پاسخ دادن به آن دشوار به نظر می رسد. در این باره سه عقیده وجود دارد؛ نخست آنکه خدا از مخلوقاتش جداست. نظر دوم معتقد است که خدا و مخلوقاتش از یک سنخ اند، اما خدا قوی و مخلوقاتش ضعیف اند. نظر سوم متعلق به عرفاست که معتقدند انسان با خدا نسبت دارد و این نسبت را در مثال هایی آشکار می کند.

«موج و دریا» و «حجاب و آب» برخی از این مثال ها هستند. در پایان این برنامه که با پرسش و پاسخ حضاران همراه بود، بار دیگر بر ضرورت توجه به معانی دقیق اشعار عرفانی تاکید شد.



سرای اهل قلم خانه کتاب به نقد و بررسی آثاری می پردازد که ارزش های مطالعه ای فراوانی دارند و می کوشد در هنگام آگاهی بخشی به مخاطبان این نشست ها، دیدگاه صاحبان آثار، ناشران و حتی منتقدان را ارائه کند و تحول بخشد. نشست های سرای اهل قلم که در سال جاری بیش از ۲۶۰ جلسه آنها در عرصه های گوناگون برگزار شده اند، می توانند به مطالعه خوانندگان جهت دهند و به شکل غیر مستقیم نیز در نوع نگاه و ساختار ذهنی نویسندگان اثر گذار باشند. هر هفته چند جلسه نقد و بررسی کتاب در این سرا برگزار می شود و کارشناسان، صاحب نظران و منتقدان در کنار صاحب اثر، به بررسی کتاب مورد نقد، می پردازند و حاضران در جلسه نیز علاوه بر گوش فرادادن به این گفتارها، سوالاتشان را می پرسند و پاسخ می گیرند. از دبیران نشست های حوزه های مختلف سرای اهل قلم، درباره محورهای برگزاری جلسات، بایدها و نبایدهای این نشست ها و همچنین نقاط ضعف و قوت آنها آرای گوناگونی دارند و این جلسات را با نگاه تیزبینانه، به رنگی متمایز توصیف می کنند در این گزارش به بیان دیدگاه هر یک از این دبیران پرداخته ایم.

عملکرد سرای اهل قلم از نگاه دبیران نشست ها

فرصتی برای نقد حسابی و حرف های کتابی

نقد اساسی، کتاب اساسی می خواهد
علی الله سلیمی، دبیر ادبیات داستانی داخلی سرای اهل قلم نقد و معرفی توصیفی تازه های نشر حوزه ادبیات را از رویکردهای اصلی برپایی نشست های ادبیات داستانی توصیف می کند و می گوید: «برپایی این جلسات، جریان سازی در حوزه کتاب های منتشر شده را برعهده دارند. در این راه نقد و بررسی آثار برگزیده جشنواره های گوناگونی که در ایام سال برپا می شوند هم از اهداف جانبی ماست و با این کار می خواهیم از زاویه های متعدد نگاه منتقدان، پرسش های ذهنی مخاطبان را پاسخ گوئیم.»
وی در پاسخ به این سوال که «آیا چنین به نظر نمی رسد که در این نشست ها بررسی و معرفی کتاب

بوده اند، این اثر را از دیگر تالیفات متمایز می سازد و نشان می دهد که به یقین قابلیت هایی برای نقد داشته که انتخاب شده است.»
این نویسنده و منتقد کتاب های ادبی با اشاره به استقبال اندکی که برخلاف محتوای ارائه شده در این نشست ها وجود دارد می گوید: «اغلب جلسات ادبی در کل کشور همین گونه اند و افراد محدودی در آنها شرکت دارند. متأسفانه اندک افرادی که فرصتی را برای حضور در جلسات نقد و بررسی کتاب ها اختصاص می دهند. در این زمینه نیازمند فرهنگ سازی و اطلاع رسانی های وسیع و گسترده تری هستیم. به عنوان مثال «نشریه کتاب هفته» که یکی از رسانه های اطلاع رسانی این نشست هاست، تنها در میان قشر خاص و محدودی

می افزاید: «هدف اصلی سرای اهل قلم، حلقه میانی محققان و پژوهشگران - اعم از مولفان و مترجمان - بوده است. در این میان، تشویق و تعمیق فرهنگ کتابخوانی، به ویژه در حوزه اندیشه از دیگر رویکردهای این جلسات است؛ چرا که اگر کتابخوانی در ایران مورد توجه قرار گیرد، در بسیاری از مواقع، کتاب های حوزه ادبیات یاد نهایت کتاب های حوزه هنر با استقبال روبه رو می شوند.»
هدایتی آشنایی مخاطبان با حوزه های مختلف معرفتی و آرای استادان و صاحب نظران را از رویکردهای این برنامه می داند و می گوید: «در این جلسات مخاطبان با نظراتی از مولفان و منتقدان آشنا می شوند که آنها را نمی توانند در جلسات رسمی بیان کنند.»

علی الله سلیمی



یاسر هادی



بر نقد آن غالب است؟ می گوید: «متأسفانه نقد هنوز جایگاه اصلی خود را در جامعه ما نیافته است. از سوی دیگر، برای یک نقد اساسی باید کتاب اساسی نیز نوشته شود که ظرفیت ها نقد را از ابعاد گوناگون این حرفه داشته باشد. اگر بخواهیم در این زمینه به صورت تخصصی کار کنیم، دیگر زمینه های کاری این بررسی ها مغفول می ماند.»

از جامعه توزیع می شود در حالی که باید متناسب با موضوع هر یک از برنامه های سرا، اطلاعات آن در دانشگاه ها و دانشکده های مرتبط و مکان هایی که علاقه مندان و متخصصان این حوزه ها تردد دارند، با ارسال پوسترهای معرفی و تبلیغ این برنامه ها، عنوان شود.»

فرصتی برای بیان همه حرف ها

یاسر هادی دبیر نشست های دین و اندیشه سرای اهل قلم که در وادی روزنامه نگاری و اجرای برنامه های صداوسیما نیز دستی دارد، از تمامی نشست های حوزه دین و فلسفه سرا به عنوان نشست هایی پر بار و خوب یاد می کند و می گوید: «این نشست ها که کتاب محور یا موضوع محور بوده اند، با حضور استادان مطرح و کوشای حوزه های گوناگون اندیشه، به غنای محتوایی و فرمی این جلسات افزوده اند.»

وی این جلسات را به مثابه فرصت های مغتنمی می انگارد که برای آشنایی بیشتر دانشجویان و اهالی قلم با نظرات مترجمان و مولفان طراحی شده اند و

سلیمی، یکتواخت شدن جلسات و استفاده از منتقدانی محدود و مشخص را از آسیب هایی می داند که برخی از این برنامه ها به آن گرفتار شده اند و توضیح می دهد: «ماهیت اصلی جلسات، معرفی و نقد توصیفی کتاب هان بود اما ساختار آثار به صورت ناخود آگاه فضای جلسات را به این سو می کشاند، چرا که با رویکردهای فلسفی یا روان شناختی و... نمی توان تمامی آثار را نقد کرد. بنابراین با نگاهی گذرا به تمامی جنبه های نقد، این آثار را بررسی می کنیم.»

دبیر ادبیات داستانی داخلی سرای اهل قلم، دلیل این آسیب ها را محدودیت در دسترسی به منتقدان عنوان می کند و در توضیح آن معتقد است: «به صورت حرفه ای منتقدان اندکی داریم که تنها حرفه آنها نقد آثار باشد و بتوانیم از آنها در بررسی آثار استفاده کنیم. لذا ناچاریم از دست اندرکاران و مولفان کمک بگیریم.»

وی درباره تاثیر این نشست های نقد و بررسی آثار و موضوعات کتابی در حوزه تالیفات یا ویرایش های بعدی آثار اظهار می کند: «این جلسات مخاطبان را با آثار تازه آشنایی کند؛ چرا که اثر انتخاب شده از میان آثار متعددی بوده که اخیراً راهی بازار نشر شده اند. این انتخاب و نگاه هایی که در آن دخیل

◆
نشست های سرای اهل قلم می توانند به مطالعه خوانندگان جهت دهند و به شکل غیر مستقیم نیز در نوع نگاه و ساختار ذهنی نویسندگان اثر گذار باشند

مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد
مهدی مهدوی، دبیر بخش علوم اجتماعی سرای اهل قلم و دبیر دین انجمن جامعه شناسان، بحث، بررسی و گفت و گو در حوزه کتاب ها و آثار جدید نویسندگان و محققان کشور را از اهداف اصلی نشست های سرای اهل قلم می داند و اقبال اندک حاضران این نشست ها را ناشی از اطلاع رسانی ضعیف آن عنوان می کند.

مهدوی با بیان این که بخش عمده ای از علاقه مندان حضور در این جلسات، از زمان و سخنرانی های این برنامه مطلع نمی شوند، می گوید: «حضور مخاطبان موجب علاقه مند تر شدن سخنران ها و منتقدان نسبت به ارائه مطالبشان می شود و فضای بحث و گفت و گو را که از رویکردهای اصلی این جلسات است، احیا می کند. در این فضا با طرح ایده ها و نظرات جدید از سوی حاضران، سخنران ها تنها به ارائه مطالب علمی خود اکتفا نمی کنند، بلکه فضای بحث و مبادله آرا نیز ایجاد می شود.»

دبیر بخش علوم اجتماعی سرای اهل قلم، معیار انتخاب آثار مورد نقد و بررسی این جلسات را تا زنگی آنها در عرصه نشر برمی شمرد و می افزاید: «در این حوزه اغلب، آثاری نقد می شوند که جذابیت هایی هم برای خوانندگان و مخاطبان جلسات داشته باشند.»

وی در پایان سخنانش یادآوری می کند: «اطلاع رسانی مناسب از زمان برنامه های سرا و انعکاس خوب برپایی این برنامه ها در رسانه ها، تاثیرات بیشتری در محتوا و چگونگی اجرای برنامه ها بر جای خواهد گذاشت.»

یادداشت

احسان عباسلو

مدیر سرای اهل قلم



تقدم معرفی بر نقد کتاب



توسعه و تقویت روابط میان پدید آورندگان و مخاطبان، برگزاری جلسات نقد و بررسی، رونمایی و معرفی کتاب، برپایی کارگاه های آموزشی در حوزه کتاب، نقد کتاب، شعر سرایی، داستان نویسی، ترجمه، ویراستاری و... را از اهداف اولیه و اساسی سرای اهل قلم می داند و می گوید: «این اهداف از سوی هیأت امنای خانه کتاب در راستای اعتلای فرهنگی جامعه و پیشبرد فرهنگ مکتوب انجام می گیرد.»

دبیران این نشست ها نیز از میان افرادی انتخاب می شوند که علاوه بر تخصص در حوزه شان، از مسائل روز آن رشته نیز آگاه باشند و توانایی اجرای نشست و پاسخگویی مناسب به مخاطبان را داشته باشند. اولویت انتخاب آثار نیز با کتاب هایی است که در شمار برگزیده های جشنواره های گوناگون به ویژه جشنواره های خانه کتاب نظیر کتاب سال، کتاب فصل، گام اول، جشنواره جایزه جلال، پروین و... باشند و همچنین کتاب هایی که از نظر کیفی از ارزش والایی برای معرفی و شناسایی به مخاطبان خاص برخوردار باشند.

وظیفه اصلی این جلسات نیز معرفی آثار است و در درجه بعدی به نقد آنها پرداخته می شود. ما به نقد و بررسی آثار معرفی شده ای که جایگاه خود را یافته اند، نمی اندیشیم.

برخی می گویند که معرفی کتاب، غالب بر نقد آنهاست. اما به نظر من، ابتدا باید معیارهای نقد را بررسی کنیم تا بتوانیم بگوئیم که نقد کمتری در جلسات صورت می گیرد و اگر وضعی هم در این عرصه وجود داشته باشد، آن را ناشی از ضعف منتقد می دانم، نه اثر! که آن هم به دلیل ناتوانی ارتباط با اثر یا به دلیل بیان ضعیف منتقد است. نباید انتظار داشته باشیم منتقدان تمامی زوایای آثار گوناگون را به خوبی بشناسند، چرا که این موضوع از طبیعت نشست های نقد و بررسی آثار نشأت می گیرد.

درباره استقبال اندک مخاطبان از این نشست ها نیز باید گفت که رسانه ها دلیل اصلی به حساب می آیند. مادر ابتدای هر هفته و پس از نهایی شدن هر برنامه به تمامی خبرنگاران و برخی روزنامه ها این موضوع را فکس می کنیم، اما آنها گزینشی، سلیقه ای و اغلب بر اساس سیاست های خود، پوشش برنامه های گوناگون را انتخاب می کنند. در برخی از موارد نیز به دلیل ناآشنایی و تسلط ناکافی خبرنگار بر آن حوزه خبری، بسیاری از اطلاعات و اصطلاحات تخصصی به اشتباه تعبیر و منعکس می شود.

اگر بتوانیم فاصله این نقدها را با نویسندگان آثار و ناشران آنها کم کنیم، به نتایج خوبی دست خواهیم یافت. البته ما در تمامی این برنامه ها، علاوه بر صاحبان آثار از ناشران نیز دعوت می کنیم که در این برنامه ها حضور یابند، اما اغلب آنها نمی آیند. این یکی از معضلات فرهنگی کشور ماست. با وجود این که بیش از مولف و مترجم اثر، نتایج این مباحث در اقبال از اثر و سودها و زیان آن متوجه ناشر می شود، آنها تمایل کمی برای حضور در این جلسات دارند.



یگانه وصالی

«ایمان می آورم به نقابی که بر چهره ام دارم، این مردی که ساخته ام، خود خود من است.» این جمله قسمتی از نمایشنامه «دندان جنایت» نوشته (سام شپرد) نمایشنامه نویس، نویسنده، بازیگر و کارگردان آمریکایی است. البته او پیش از اینکه یک نویسنده باشد، نمایشنامه نویسی قهار است و حتی در سال ۱۹۷۹ هم جایزه پولیتزر نمایشنامه نویسی را از آن خود کرد. گرچه سال‌ها از آن روز می‌گذرد، اما شپرد همچنان بر قله نمایشنامه نویسی آمریکا نشسته و همچنین با نثر موجزش در داستان‌ها، ترک تازی می‌کند. او چندی پیش مجموعه داستان کوتاه جدیدی به نام «روزی از روزها» را وارد بازار نشر کرد که با توجه به نقدهای اولیه موفق به نظر می‌آید. او را به لحاظ نزدیکی سبک نوشتاری‌اش به ساموئل بکت، «بکت کابوی» خوانده‌اند که خود نیز از دریافت چنین عنوانی بسیار خشنود است. مصاحبه حاضر برگردان گفت‌وگویی است درباره نمایشنامه نویسی، که یکی از اعضای «چری لین تئاتر» در نیویورک با او انجام داده است.

گفت و گو با سام شپرد

من با نوشتن زاده نشده‌ام

این چنین آثارم را طبقه بندی کنند. اما اگر نگاهی به یکی از نمایشنامه‌های اولیه‌ام به نام «باغ صخره‌ای» بیندازید خواهید دید که ایده نوشتن نمایشنامه‌ای دیگر به نام «نفرین گرسنگان» در آن جا نضج گرفته. جالب‌ترین بخش نمایشنامه‌های شما آنجایی است که از اثری ناتوالیستی به اثری شاعرانه تبدیل می‌شوند. نوعی از آن‌رامی توان در ظهور واقعیت‌های مانع‌الجمع روی صحنه در یک زمان و مکان یافت. به عنوان مثال زنده بودن و در عین حال مرده بودن یکی از شخصیت‌ها در آن واحد بر روی صحنه که در نمایش «هنری ماس» و برخی دیگر از آثارتان دیده می‌شود.

باید تصدیق کنم که جوهره این پرداخت را از «برشت»، «جو چپالین» و دیگرانی از این دست گرفته‌ام، و به من آموخته است که بازیگر، ابتدا می‌بایست یک کاراکتر باشد. وضعیتی کاملا متفاوت با آنچه در کار بازیگری فیلم وجود دارد، در حقیقت بازیگر باید در کاراکترش ذوب شود، به عنوان مثال «کلینت ایستوود» دیگر در کار نخواهد بود، بلکه فقط و فقط کاراکترش یعنی «پیل رایدر» وجود خواهد داشت. از آن طرف، در تئاتر، جالب‌ترین نکته، نگاه داشتن وجود بازیگر و من او بر روی صحنه است، نه خلاص شدن از شر من وجودی او. در واقع بیرون آمدن از کاراکتر و فرو رفتن دوباره در آن دوست داشتنی‌ترین بخش تئاتر است.

می‌خواستم درباره آثار داستانی‌تان هم کمی گفت و گو کنیم. باید گفت که این آثار موازی با آثار نمایشی‌تان پیش رفته‌اند. آثار داستانی اخیرتان را می‌توان بسیار فرمالیستی و از لحاظ ساختاری پرداخته‌تر دانست، درست مانند نمایشنامه‌های اخیرتان که دغدغه فرم در آنها بیشتر دیده می‌شود. آیا بر این نکته صحه می‌گذارید؟

هیچ شکی نیست که این نکته درست است. شاید مضحک به نظر برسد، اما من نمایشنامه نویسی خود آموخته‌ای هستم. من با انجام هر کاری آن را یاد می‌گیرم. مهارت نوشتن به صورت ذاتی با من زاده نشده است، باید نوشت و تکامل پیدا کرد. اتفاق خوشایندی که برای من افتاد آشنا شدن با داستان کوتاه‌های چخوف بود. واقعا گفتنش برایم شرم آور است که تا همین پنج یا شش سال قبل داستان‌هایش را نخوانده بودم. وقتی با داستان‌هایش آشنا شدم تک داستان‌هایش را به شکلی سیری ناپذیر خواندم.

از داستان‌های او چه بهره‌ای برده‌اید؟ این که چقدر در کمال هنرمندی، سرسختانه به جزئیات اهمیت می‌دهد و در نهایت چنین داستان‌های خارق‌العاده‌ای می‌نویسد.

در حال حاضر چه نکاتی راجع به نمایشنامه نویسی می‌دانید که آرزوی می‌کنید هنگام شروع کارتان به عنوان یک نمایشنامه‌نویس آنها را می‌دانستید.

در واقع باید بگویم من در یادگیری کمی کند هستم. این همه سال طول کشیده است تا به جایی که اکنون هستم برسم که شاید بتوانم بگویم فقط می‌دانم که چگونه باید نمایشنامه بنویسم. فرمی بسیار عجیب و غریب است، چرا که به اجزای گوناگونی بستگی و وابستگی دارد. یکی از مهمترین این اجزاء را «مخمس» می‌نامم. اگر واقعا خودتان گرفتار نباشید و مخصوصه‌ای در کار نباشد که یک نمایشنامه ارزش واقعی داشته باشد، می‌توانید هر روز و بیست و چهار ساعته نمایشنامه‌هایی بنویسید که به یک پول سیاه هم نمی‌ارزند.



می‌کند و این خودش یک نوع غافلگیری است. می‌دانید که این نمایشنامه یک کمدی است. او بعد از خوردن موز پوستش را زمین می‌اندازد و بعدتر پایش را روی آن می‌گذارد و زمین می‌خورد. این صحنه مثل یک شوخی فیزیکی طبیعی در آمده است.

اما نمایشنامه نمی‌تواند مبهم باشد. لزوماً باید طرح خاصی داشته باشد. «پیتر بروک» کتاب فوق‌العاده‌ای به نام «جای خالی» نوشته است که در آن می‌گوید «تئاتر، مثل یک بوم سپید است که هیجان‌انگیزترین و در عین حال رعب‌آورترین پدیده در عالم است.» به عقیده من جوهره وجودی نمایش در همین حرف خلاصه شده است. باید فرض کنید که در میان تماشاگران در سالن نشسته‌اید و بعد از خود برسید که دوست دارید حالا چه چیزی رخ بدهد؟ چه چیزی شمارا کاملاً غافلگیر می‌کند؟ این همان تعامل فیزیکی است که بین تماشاچی و تئاتر به وجود می‌آید.

بسیاری از نمایشنامه‌نویسان خودشان را فقط وقف تئاتر می‌کنند، ولی درباره شما نمی‌توان چنین گفت. چه چیزی باعث می‌شود که همچنان نمایشنامه بنویسید؟

فرم این کار را دوست دارم. منظورم این است که شما بازیگر، دیالوگ‌ها، نور، تماشاگر و سن را در اختیار دارید. شخصا هیچ نوع فرم دیگری از هنر را سراغ ندارم که همه این‌ها را یکجا در اختیار شما قرار دهد. من به این جور چیزها عشق و علاقه خاصی دارم. چرایش را نمی‌دانم. درست مثل موزیسینی می‌مانم که ساکسیفون را برای دمیدن و نواختن برمی‌گزیند و به گیتار و ویلنسل حتی نگاه هم نمی‌کند. تمام عشقش ساکسیفونش است.

در جایی گفته‌اید نمایشنامه‌هایتان را به ژانرهای مختلف طبقه بندی نمی‌کنید. اما انگار دیگر نویسندگان این کار را به جای شما کرده‌اند و کارهایتان را طبقه بندی کرده‌اند. بعضی با شاعرانگی پر هیجان نمایشنامه‌های تک پرده‌ای اولیه شما ارتباط برقرار کرده‌اند، بعضی با انرژوی تکان‌دهنده نمایشنامه‌هایی چون «دندان جنایت» و عده‌ای دیگر نمایشنامه‌های خانوادگی شما را می‌پسندند. آیا چنین ژانر بندی‌هایی را مربوط به آثارتان می‌بینید؟ من هیچ‌گاه از پیش تصمیم به نوشتن در ژانر خاصی نمی‌گیرم. ولی فکر می‌کنم دیگران می‌توانند

وجود داشته باشد و آنگاه نوشتن آغاز می‌شود. هنگام نوشتن نمایشنامه‌هایتان مقصدی معین در ذهن دارید؟

گاهی اینگونه است. اما اغلب بی‌آنکه بدانم به چه سمت و سویی می‌روم می‌نویسم. چراکه معتقدم مقصد از پیش تعیین شده، شور و شوق را از من می‌گیرد. وقتی که ایده‌ای مبهم در ذهن دارم این اجازه را به خود نمی‌دهم که تا انتهایش را ببینم و به مقصد نهایی‌ام سفر کنم. مثل این می‌ماند که دارید دور آمریکا مسافرت می‌کنید و مقصدتان «اوماها» است. واضح است که در تمام طول سفر فقط راجع به «اوماها» خیال پردازی می‌کنید و لذت بردن از خود سفر را از دست خواهید داد. البته این بد نیست که بدانید به کجا می‌خواهید برسید، اما به نظر من، همه چیزهای دیگر نباید از پیش تعیین شده باشد. آن چه پیش روی شما به عنوان یک نمایشنامه‌نویس می‌یابد، بخشی از یک تکامل بزرگ است. در واقع مخالف داشتن مقصد نیستم. اما می‌خواهم بگویم این مقصد گاهی شمارا از لذت سفر محروم می‌کند.

هنگامی که نمایشنامه نویسی نوقلمی به حساب می‌آید آیا نمایشنامه نویسی خاصی را به عنوان راهنما یا مرجع برای خودتان در نظر گرفته بودید؟ بکت و فقط بکت، ساموئل بکت را به عنوان یگانه نمایشنامه نویسی روی این کره خاکی می‌دانم و از هر جهت از او بت می‌سازم. او مظهر نمایشنامه نویسی مدرن بود و هیچ کس دیگری این گونه نبود. حتما متوجه منظورم می‌شوید که چرا می‌گویم هیچ کس دیگری راه او را ادامه نداده است چون هیچ کس مانند او نبوده است.

کمی هم درباره شروع نوشتن یک نمایشنامه بگویید؟ آغاز یک نمایشنامه هیچانی‌ترین بخش آن است؛ جایی که جرقه آتش زده می‌شود. هیچ‌گاه مشکلی با شروع ندارم. اما بعدش باید به احساسم رجوع کنم و با احساسم پیش بروم. به همین خاطر است که می‌گویم شروع کار مهمترین قسمت کار است. درست مثل موسیقی. باید با نت درستی شروع کنی وگرنه دست آخر قطعه بی‌ارزشی از کار در خواهد آمد.

نمایشنامه «آخرین نوار کراپ» را در نظر بگیرید. کراپ دارد به یک نوار موسیقی گوش می‌دهد، ناگهان موزی از کتو بیرون می‌آورد و شروع به خوردن

می‌خواهم با این سوال شروع کنم که شما در جایگاه یک بازیگر چه انتظاراتی از نمایشنامه نویسان دارید و از آن سو به عنوان یک نمایشنامه نویسی چه انتظاراتی از بازیگران‌تان دارید؟

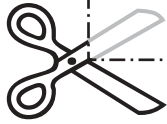
اینگونه تفکیک کردن را نمی‌پسندم. من در واقع علاقه‌ای به مرزبندی ندارم، دوست ندارم پیرامونم را سیاه و سفید ببینم و برای همه چیز مرزبندی داشته باشم، که این چطور باید باشد و آن، چطور. پس مستقیماً به آثارتان می‌پردازیم. آیا بر تولد برشت بر کار شما تاثیر گذار بوده است؟

برشت همه را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. به عنوان مثال یکی از نمایشنامه‌هایی که او نوشته «در جنگل شهر» نام دارد، که برشت در آن یک کتابدار را در تقابل با یک گانگستر قرار می‌دهد و بی‌شک نمایشنامه‌ای خارق‌العاده است. در حقیقت می‌بینید که در آنجا مردی ساده، زندگی روزمره‌اش را به عنوان یک کتابدار می‌گذراند، اما ناگهان شخصیت اهریمنی گانگستر وارد می‌شود و به او می‌گوید: «قصداً جانم را دارم.» آن هم به این کتابدار فروتن و بی‌آزار. بعد هم می‌گوید: «اگر امروز یا فردا نکشمت، شک نداشته باش که روزی این کار را خواهم کرد.» خوب که نگاه کنید می‌بینید که تا چه حد این شرایط غم‌انگیز است. از طرفی هم این نمایشنامه تاثیر شگرفی بر نمایشنامه «دندان جنایت» من داشته است. در واقع یک نوع غافلگیری تمام عیار برای مخاطب محسوب می‌شود. البته باید این را هم اضافه کنم که هیچ راهی برای پیش بینی روند نوشتن وجود ندارد و هر آن موضوعی جدید به ذهن می‌رسد و تو در آن لحظه دقیقاً به این فکر نمی‌کنی که تحت تاثیر چه کسی آن‌رامی نویسی. بسیار کنجکاو هستم بدانم چرا نمایشنامه «دندان جنایت» ارسال‌ها بعد از نگارشش باز نویسی کردید؟ احساس کردم دیگر نخ نما شده و در واقع معتقد نیستم که پس از نوشتن یک نمایشنامه می‌بایست آن را مومیایی کرد. بلکه بر این باورم که باز نویسی موجب ایجاد تغییراتی بسیار ضروری و مثبت در آن می‌شود. تا به حال هم به گمانم نمایشنامه‌ای نوشته‌ام که نتوانم آن را باز نویسی کنم.

فضایی که در آن کار می‌کنید و می‌نویسید تا چه حد روی کارتان تاثیر گذار است؟

بهترین آثارم را زمانی تولید می‌کنم که در سفرم، زمانی که سوار بر قطار یا اتوبوسی به جایی رهسپارم. وقتی در حال کوچ کردنم احساس می‌کنم که خانه‌ای در کار نیست و سرشار از حس نوشتن می‌شوم. دلیلش را نمی‌دانم که چگونه سفر و در راه بودن منجر به نوشتن در من می‌شود. فقط می‌دانم که این گونه بهتر می‌نویسم.

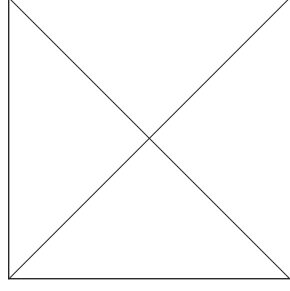
در مورد نوشتن چطور؟ آیا مثل وظیفه‌ای که بر گردن شماست هر روز ساعت مشخصی می‌نویسید؟ در این باره باید بگویم که فرآیند خاصی در کار نیست. به عقیده من نوشتن دل به دریا زدن است. حرف زدن راجع به فرآیند نوشتن ساده است، اما مسئله این است که فرآیندی وجود ندارد، بلکه شما با یک تقابل طرف هستید. باید با صفحه سپید پیش رویتان رو به رو شوید. درست مثل نقاشی می‌ماند که زل زده است به بوم سپید و رو به رویش و همه چیز از همین جا آغاز می‌شود. من هیچ‌گاه زمان خاصی برای نوشتن ندارم. در واقع باید جوششی در من



کتاب هفته

پست جواب قبول

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۹۵ - ۱۳۱۸۹ پرداخت شده است



نیاز به الصاق تمبر نیست

خانه کتاب ایران

نشریه کتاب هفته

تهران - صندوق پستی: ۳۱۳ - ۱۳۱۴۵

نظرسنجی از خوانندگان

محل چسباندن لبه کاغذ

کتاب هفته، باهدف رسیدن به انتظارات و کسب رضایت هرچه بیشتر شما مخاطبان و خوانندگان گرامی، نیازمند آگاهی از نظرات شماست. لطفاً، پس از تکمیل فرم نظرسنجی پشت صفحه، برگه را از نشریه جدا کرده و پس از تا کردن از محل نقطه چین، لبه های آن را باچسبانید و بدون تمبر در صندوق پستی بیندازید.

خواننده گرامی

سلام

با دریافت نظرات شما در فرم زیر، بی تردید بر کیفیت نشریه خواهیم افزود. کتاب هفته را از برکت نظرات و پیشنهادات خود بهره‌مند کنید.

توضیحات	وضعیت				عنوان	ردیف
	ضعیف	متوسط	خوب	عالی		
	۵	۱۰	۱۵	۲۰		
					شیوایی مطالب	۱
					جدید بودن مطالب	۲
					پرمحتوا بودن مقالات	۳
					نحوه اطلاع‌رسانی در مورد کتاب‌های جدید	۴
					نحوه اطلاع‌رسانی در حوزه کتاب	۵
					کیفیت طراحی و صفحه‌آرایی	۶
					کیفیت چاپ	۷
					قیمت	۸
					در دسترس بودن	۹

چنانچه شاهد برخی کمبودها در این رابطه بوده‌اید، لطفا موارد آن را بیان کنید.

نکات مثبت و ویژه‌ای را که در این رابطه مورد توجه شما قرار گرفته و مایل به حفظ و تداوم آن هستید بیان فرمایید.

سایر موارد

امضاء

تاریخ

تکمیل‌کننده



نگاهی اجمالی به کتاب «نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران»

روایت تجدد زدگی و ملی گرایی

جلد دوم از مجموعه «نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران» که به تشریح حیات و فعالیت های احمد کسروی و دکتر محمد مصدق اختصاص دارد، از سوی موسسه فرهنگی قدر ولایت منتشر شد.

حکایت ایران در آن روزگاران، حکایت سرزمینی با اتفاقات عجیب بود، اتفاقاتی که اغلب قلب آزاد مردان را به دردمی آورد و دل مسلمانان را خون می کرد. این حکایات از نخستین دهه قرن نوزدهم میلادی شکل گرفت، زمانی که سرزمین ایران شاد نخوانی، غریب زدگی و تجدد زدگی بود. آن گونه که برخی مورخان نوشته اند، عده ای و سازمان هایی در ایران در این اندیشه بودند که نهادها و روش های نوین غرب را وارد ایران کنند؛ از این جمله در کتاب تشیع و مشروطیت در ایران که عبدالهادی حائری به آنها اشاره دارد.

جلد نخست این مجموعه به زندگی، شخصیت، فعالیت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... روشنفکرانی مانند میرزا ملکم خان (ناظم الدوله)، کرمانی، محمدعلی فروغی و سد حسن تقی زاده پرداخته است.

جلد دوم مجموعه «نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران» نیز با تشریح زندگانی و عملکرد دو تن از شخصیت های معروف ایران در آن زمان به نام های احمد کسروی و دکتر محمد مصدق، به کالبد شکافی وقایع آن دوران ایران از زاویه فعالیت های این دو تن و حرکت ها و مبارزات موازی و گاه مخالف با آنها می پردازد.

مروری بر حال و هوای ایران آن دوران

برای بررسی آنچه در این کتاب به رشته تحریر درآمده است، ناگزیر به بازنگری هر چند خلاصه وار و کوتاه حال و هوای آن روزگاران ایرانیم، زمانی که اقداماتی گوناگون برای به نوعی غرب گرایی و

تجدد زدگی در ایران صورت می گرفت؛ اقداماتی نظیر استخدام رایزن نظامی از فرانسه و انگلیس، اعزام دانشجو به خارج از کشور و سپس پیوستن برخی از آنان به جریان فراماسونری، ترویج افکار و عقاید غرب در ایران، تشکیل کابینه به سبک اروپا، نگارش مقالات و کتاب هایی مانند «دفتر تنظیمات یا رساله غیبی» توسط میرزا ملکم خان ناظم الدوله و خلاصه چند حرکت دیگر به ویژه حضور فعال دلال های کمپانی های غربی که هموار کننده قرارداد های استعماری بودند.

به این لشکر کشی های داخلی بایستی سیاست ها و سفارتخانه های غربی را نیز افزود که با استفاده از عوامل نفوذی مانند حسینقلی خان نواب، اردشیر رپیورتر، ارباب جمشید و همچنین کالج های خود در لندن و پاریس و عناصر به ظاهر ایران دوست مانند ادوارد براون و سرمایه دارانی از قبیل لنینج در تحریک، حمایت و تحمیل روشنفکران به دربار قاجار و نیز به ملت ایران به شدت فعال بودند.

به عقیده نویسنده کتاب، رژیم مشروطه با چنین زیرساخت کاملاً غربی - اما برداشت های سطحی از نظام و فرهنگ و تفکر غربی - شکل گرفت. البته روشنفکران برای مدت کوتاهی با نیروهای مذهبی دست به وحدت تاکتیکی زدند و پس از استقرار مشروطه، روحانیت و حوزه های علمیه و متدینین را از صحنه بیرون راندند و آزار دادند.

کسروی چه بود و چه کرد؟

بخش نخست این کتاب در ۲۷۶ صفحه به بررسی زندگانی، فعالیت و سرانجام شخصیتی به نام احمد کسروی می پردازد. اما به عقیده نویسنده کسروی که بود و چه کرد؟

سید احمد کسروی تبریزی در چهارشنبه، هشتم مهر ماه سال ۱۲۶۹ هجری شمسی در تبریز متولد شد. پدرش به بازرگانی مشغول بود و مادرش زنی

فهرست برگزیدگان جایزه کتاب فصل

- ادامه از صفحه ۲
- بر اساس گزارش دبیرخانه جایزه کتاب فصل، اسامی برگزیدگان این دوره از جایزه کتاب فصل به این شرح است:
- حوزه فلسفه
۱. فلسفه غرب - ترجمه: ویتگنشتاین و حکمت، ترجمه: مالک حسینی، تهران؛ هرمس.
 ۲. دین: الف) کلیات اسلام - ترجمه: عدالت و ذکر: درآمدی بر مقام معنوی امام علی (ع)، تألیف: رضا شاه کاظمی، ترجمه فریدون بدره ای، تهران؛ فرزانه روز. ب) حدیث - ترجمه: دفاع از کافی: نقد و بررسی مهم ترین شبهه ها درباره کتاب کافی و شیخ کلینی، تألیف ثامر هاشم عمیدی، ترجمه سید محمد حسین روحانی و علی باقر طاهری نیا، قم؛ موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی.
 - ج) فقه و اصول - تألیف: فقه و کلام، تألیف علی محمد حسین زاده، تهران؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 - د) سیره - ترجمه: اعلام الوری باعلام الهدی: زندگانی چهارده معصوم، تألیف ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، ترجمه محمد حسین ساکت، تهران؛ اساطیر.
 ۳. علوم اجتماعی: الف) علوم اجتماعی - تألیف: - روش شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران، تألیف محمد رضا طالبان، تهران؛
- پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- ب) علوم سیاسی - ترجمه: دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، ویراستار مارتین گریفیتس، ترجمه علیرضا طیب، تهران؛ نشر نی.
- ج) محیط زیست - تألیف: - زنان و محیط زیست، تألیف: عباس محمدی اصل، تهران؛ شیرازه.
۴. علوم خاص: الف) زیست شناسی - ترجمه: - بوم شناسی: مطالعه تجربی توزیع و فراوانی، تألیف چارلز جی، کریز، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، مشهد؛ انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- ۵- علوم کاربردی - پزشکی - تألیف: ژنتیک مولکولی پزشکی در هزاره سوم، تألیف محمدرضا نوری دلویی، تهران؛ سامر؛ نشر آخر.
۶. ادبیات: الف) شعر معاصر: - خاطرات بی تأویل، سروده شراره کامرانی، تهران؛ فصل پنجم.
- ب) نقد ادبی - تألیف: - تاریخ ادبی و قلمرو زبان فارسی: تطور و دگرگونی ژانرها تا میانه سده پنجم؛ به انضمام نظریه تاریخ ادبیات، تألیف سید مهدی زرقانی، تهران؛ سخن.
- ج) ادبیات زبان های دیگر: - جهان جهان، نوشته: سوزانا تامارو، ترجمه هاله ناظمی، تهران؛ هرمس.
۷. کودک و نوجوان: علوم و فنون - ترجمه: - مجموعه کتاب های نگاهی به آسمان شب، تألیف: رزالیندیست و آندرو سالوی، ترجمه: مجید عمیق، تهران؛ نشر مهاجر.



نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران

احمد کسروی - دکتر محمد مصدق

دکتر مصدق، چه بود، چه کرد و چه شد؟

بخش دوم جلد دوم کتاب نقش روشنفکران در تاریخ معاصر به تشریح زندگانی، عملکرد و فرجام دکتر محمد مصدق می پردازد. به گفته نویسنده کتاب، مصدق در خانواده ای به دنیا آمد که وابسته به قاجار بودند و متمول و ملک دار محسوب می شدند و ثالثاً دارای افکار به اصطلاح متجدد مآبانه بودند. در بخشی از کتاب، به مطبوعات آن دوره اشاره شده که هم از نظر تعداد و شمارگان رشد یافتند و هم این که اغلب آنها بر ضد مبانی دینی و نظام ارزشی و فرهنگی اسلام می نوشتند. در زمان حکومت مصدق تعداد نشریات به ۳۷۳ عدد رسیدند. در کنار مطبوعات، احزاب گوناگون سیاسی هم فعالیت می کردند و فضای ایران را به فضایی ابهام آلود، پرشبهه و هتاک تبدیل کردند. در چنین اوضاع و احوالی، جنگ نفت و ملی شدن صنعت نفت، توجه مطبوعات و احزاب را به سوی خود متوجه کرد و مخالف و موافق به آتش بازی بی سابقه مشغول شدند و به طور طبیعی اغلب نشریات و احزاب به حمایت از ملی گراها و در رأس آنان مصدق، هر نغمه مخالف و هر دلیل مخالفان را با جنجال و جوسازی، به خیانت و همدستی با اجنبی مبدل ساختند.

چاپ نخست کتاب «نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران» (جلد دوم، دکتر مصدق و کسروی) در شمارگان سه هزار نسخه در ۶۷۲ صفحه و با بهای ۶۰ هزار ریال (جلد شومیز) و هفتاد هزار ریال (جلد گالینکور) از سوی موسسه فرهنگی قدر ولایت روانه بازار نشر شده است.

بی سواد بود. هنگامی که احمد کسروی در سن ۱۶ سالگی در حال تحصیل در مدرسه طالبیه تبریز بود، حوادث مشروطه تبریز به اوج خود رسیده بود. او به جلسات مشروطه خواهان رفت و آمد داشت، کتاب های گوناگون می خواند، اما به خاطر سخنانی که برخلاف معتقدات و باور های مشهور می گفت، حتی کارش با طلاب مدرسه طالبیه به مشاجره و برخورد نیز رسید. او در ۲۰ سالگی به گفته خودش در کتاب «زندگانی من، احمد کسروی» حتی به اجبار ملایی را پذیرفت و نماز جماعت هم اقامه می کرد، در حالی که در باطن اعتقادی به آن نداشت. ارتباط او با مشروطه خواهان و مطالعه برخی آثار به تدریج باعث شیفته شدن بیشتر او نسبت به غرب شد تا این که... در نهایت رفتار و کردار او باعث شد مردم و روحانیت او را طرد کنند و به نوشته خودش «بدین سان زنجیر ملایی از گردنم برداشته شد!»

ترک محراب و منبر در ۲۴ سالگی و حضور در جلسات انجمن تجدد و ارتباط با حزب دموکرات در نهایت او را راهی تفلیس کرد. کسروی در بازگشت به ایران در مدرسه آمریکاییان مشغول تدریس شد.

کسروی به عدلیه وارد و در نهایت با رسوایی اخراج شد، اما همچنان در کار و کالت بود، مهم ترین بخش زندگانی وی، آن گاه شکل گرفت که او به مسلمات و مقدسات حمله ور شد و تا آنجا پیشرفت که خشم متدینین موجب اعدام وی در تاریخ بیستم اسفند ماه سال ۱۳۲۴ هجری شمسی توسط سید حسین امامی از اعضای سازمان فداییان اسلام شد.

کسروی بارها در نوشته هایش به نبی مکرم اسلام (ص)، قرآن کریم و ائمه اطهار اهانت می کرد و به دلایلی پوچ، احکام الهی و باور های دینی را به استهزاء می گرفت. او در مراسمی که هر سال به نام جشن کتابسوزی برگزار می کرد، آیات قرآن کریم، مفاتیح و سایر موارد مکتوب شیعه را می سوزاند.

برای حضور در سال آینده زمانی باقی نمانده

فرصت را از دست ندهید !!!

کتاب مرجع نشر ایران سال ۱۳۸۹

درج آگهی شما در مجموعه کامل اطلاعات مرجعی

ناشران، کتابفروشان، مراکز پخش، صحافی ها،

لیتوگرافی ها، چاپخانه ها، تصویرگران، طراحان گرافیک،

ناشران الکترونیک، نمایندگان ناشران خارجی و ...

سازمان آگهی های کتاب مرجع نشر ایران؛ موسسه فرهنگی و هنری همراهان جوان؛

تلفن: ۰۲-۸۸۵۲۳۵ - ۳۷۲۹۳۷۸۸ همراه: ۰۴۵۳۴۱۹۰ - ۰۹۱۲



روایت اول شخص

تاریخ یزد در کتاب ها

■ محمد حسن میر حسینی، مورخ

کتابی را درباره تاریخ استان یزد آماده چاپ دارم که «تاریخ یزد از قرن پنجم تا هشتم» نام دارد و در ارتباط با تابکازان یزد و آل مظفر است. قصد دارم این کتاب را که کار تالیف آن حدود دو سال به طول انجامید برای چاپ به انتشارات دانشگاه یزد بسپارم.

همچنین کتاب دیگری را انتشارات صداوسیما کیش به قلم من در دست انتشار دارد. «راهبردی کردن سیرت الرسول» عنوان این کتاب است که در آن به پیامبر اسلام (ص) و چگونگی دستیابی به سیرت او پرداخته ام.

این روزها مشغول فیش برداری برای نگارش کتاب چند جلدی در ارتباط با تاریخ یزد هستم. این مجموعه که به احتمال زیاد در ۶ جلد تدوین می شود به تاریخ یزد در ادوار مختلف می پردازد. پیش تر انتشارات دانشگاه یزد کتابی با عنوان «خاطرات سعیدی فیروز آبادی» را از من منتشر کرد. همچنین دفتر پژوهش های فرهنگی نیز کتاب «آل مظفر» را از من به چاپ رسانده است.

اما مرکز پژوهشی میراث مکتوب «نسخه ای در تاریخ هرات» را منتشر کرد. این کتاب که احتمالاً از عبدالرحمن بن عبدالجبار فامی هروی است، نسخه برگردان دست نویس از کتابخانه شخصی من بود. کتاب پیشگفتاری از ایرج افشار و مقدمه ای به قلم من و محمدرضا ابوبی مهریزی دارد.

داستانهایی درباره زندگی شهری

■ میترا داور، نویسنده



در مجموعه «یکی بود یکی نبود» که به زودی توسط نشر کتاب پارسه منتشر می شود بازنویسی «الهی نامه» عطار را برعهده داشته ام. در این بازنویسی

سعی کردم بیشتر حکایت هایی را انتخاب کنم که بار داستانی و قصه پردازی بالایی داشتند. این قصه ها از منظر بیان وضعیت اجتماعی، فکری و عادات مردم در آن دوره، شیوه و سبک نگارش عطار و عقاید و دیدگاه های او قابل توجه اند.

در «الهی نامه» بیشتر حکایت ها با تصاویر درخشان و قوی ساخته شده اند و اغلب این حکایت ها در انتها به پند و اندرز ختم می شود. به نظر می رسد عطار در دوره خودش از تنگ نظری های عوام و عقاید خرافی شان بسیار در رنج بوده و اندرز پایان قصه ها را به عنوان راهی برای ارشاد مردم دوره خودش به کار برده و با این شیوه عملاً از قدرت قصوی آنها بسیار کاسته است. شاید مهم ترین دشواری بازنویسی چنین اثری نیز همین بود.

به تازگی نیز آخرین مجموعه داستانم با عنوان «قطار در حال حرکت است» در دو بخش و شامل ۱۶ داستان کوتاه، توسط نشر ققنوس به پیشخان کتابفروشی ها آمد. بخش نخست این کتاب به زندگی مردم تهران، زندگی شهری و

تأثیر تکنولوژی بر زندگی شهری اختصاص دارد اما بخش دیگر آن به مسائل زنان و چگونگی هماهنگی میان زندگی اجتماعی، دنیای درونی و زندگی خانوادگی آنها می پردازد. اما این روزها مجموعه داستان دیگری را نیز در دست تالیف دارم و به نوعی فضای آن ادامه مجموعه «قطار در حال حرکت است»، یعنی همان بیان مسائل اجتماعی و دغدغه های روزمره انسان که این مجموعه دربرگیرنده ۲۰ داستان کوتاه و عنوان و ناشر آن هنوز نهایی نشده است.

نخستین دفترهای مستقل شعر

■ محمد تقی جنت امانی، شاعر



حدود ۱۷ سال است که در زمینه شعر، با بیشتر روزنامه ها، مجلات و همچنین سایت های اینترنتی همکاری دارم. البته در این مدت، سروده هایم در کتاب های متفاوت که مجموعه ای از شعر شاعران مختلف بوده منتشر شد.

از جمله مهم ترین این کتاب های توانم کتاب «حماسه های همیشه» (تذکره شاعران) را نام ببرم. اما به تازگی توسط انتشارات فصل پنجم مجموعه شعری با عنوان «مرگ پیراهنش را عوضی پوشیده است» را در دست انتشار دارم.

این مجموعه ۸۴ صفحه ای، دربرگیرنده ۴۸ قطعه شعر در قالب سپید با حال و هوایی بیشتر اجتماعی و سیاسی است. هرچند کارهای نخستین این مجموعه که به سال های دور امیدوارم این دفتر شعر در نمایشگاه کتاب سال آینده ارائه شود.

همچنین یک مجموعه شعر عاشورایی با عنوان «هفتاد و دو دلتنگی» را آماده انتشار دارم اما هنوز برای چاپ آن با هیچ ناشری به توافق نرسیده ام.

جُنْگِی از شعر

■ میلاد عظیمی، مصحح و پژوهشگر



به تازگی دهمین کتاب از مجموعه بیست جلدی «در ترازوی نقد» انتشارات سخن با عنوان «عقاب» منتشر شد. در این کتاب مقاله ها و یادداشت هایی

درباره ویژگی های شعر پرویز ناتل خانلری و جنبه های فرهنگی زندگی او به کوشش من گرد آمده است.

یادداشت هایی که برای مجموعه «در ترازوی نقد» در نظر گرفته شده به طور صرف انشاء نویسی نیستند. بلکه از هرگونه حب و بغض و کلی گویی دور بوده و روش مند و علمی هستند تا خوانندگان کتاب به شناخت کافی از آن شاعر دست یابند. در این کتاب گزیده ای از سروده های خانلری را نیز گنجانده ام. پیش تر از این مجموعه کتاب های «پادشاه فتح: نقد و تحلیل و گزیده اشعار نیمایوشیج» و «من زبان وطن خویشم، نقد و تحلیل و گزیده اشعار ملک الشعرای بهار» به قلم من منتشر شده بود. همچنین انتشارات مروارید کتابی با عنوان «شط شیرین پر شوکت» (مجموعه ای از مقاله های عباس زریاب خویی) که گردآوری آن برعهده من بود را روانه بازار کتاب کرده است. به دلیل تخصص زریاب خویی در

حوزه های مختلف فرهنگ ایران و اسلام مقاله های او متنوع و علمی اند.

اما انتشارات سخن مجموعه ای با عنوان «گنجینه سفینه های کهن فارسی» را در دست تدوین و انتشار دارد که در ارتباط با جُنْگِی های شعری کهن و کلاسیک زبان فارسی است. در این مجموعه سه کتاب با عنوان های «سفینه شمس حاجی»، «جُنْگِی ۹۰۰» و «جُنْگِی ۱۴۰۷۵» که تصحیح و تحقیق آنها برعهده من بوده است، منحصرأ جنگ شعر هستند. کتاب آنها یک شخص است، اما نام او مشخص نیست. در برخی از بخش های این کتاب ها شباهت ها و تکرارهایی دیده می شود.

این دو جُنْگِی که براساس شماره نسخه آنها در کتابخانه مجلس نامگذاری شده اند به نیمه قرن هشتم بازمی گردند. این کتاب ها نیمه نخست سال آینده منتشر می شود.

همین انتشارات کتاب «واسطی نامه» زندگی نامه و بررسی آثار ابوبکر واسطی با تصحیح و مقدمه ای از من را به زودی راهی بازار نشر می کند.

این کتاب پایان نامه دوره کارشناسی ارشد من بود و درباره ابوبکر واسطی، یکی از بزرگ ترین عارفان و مفسران ایرانی در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری است.

همچنین نوعی تصحیح انتقادی بر آثار واسطی صورت گرفته و شرحی بر برخی از آثار او نوشته ام که تصحیح و تالیف این کتاب حدود چهار سال به طول انجامید.

از سوی دیگر، این روزها مطالعاتی در زمینه تصوف در دست دارم. این مطالعات شامل تصحیح و تحقیق در متون کهن صوفیه است اما برخی از این متون رساله هایی کوچک هستند و برخی دیگر از آثار بنام در این حوزه به شمار می آیند.

تحقیقی در محیط زیست ایران

■ مجید جلالی نیا، نویسنده کودک و نوجوان

این روزها کار اصلاح و تکمیل کتابی با عنوان کلی «حشرات» را برای گروه سنی نوجوان در دست اقدام دارم. این کتاب حاصل یک کار تحقیقی و تالیفی درباره حشرات ایران و ویژگی های زیست محیطی آنهاست.

طرح اولیه کتاب را به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ارائه کرده ام که احتمالاً سال آینده راهی بازار نشر می شود.

با هفته نامه «دو چرخه» (ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری) در بخش علمی و محیط زیست همکاری دارم. اما تصمیم گرفته ام از سال آینده به ترجمه آثار علمی - تخیلی بپردازم؛ چراکه آثاری از این دست در بازار کتاب ما آثار قوی و شایسته ای نیستند.

کتاب های تالیفی علمی - تخیلی که در بازار کتاب موجود هستند تنها در ژانر تخیلی می گنجد و به هیچ عنوان علمی نیستند. این در حالی است که نویسندگان سرشناس این ژانر همچون آرتور سی کلارک و دیگر نویسندگان این حوزه همگی در زمینه علوم زیستی و فیزیک تحصیلاتی داشته اند. به بیان دیگر افرادی در این حوزه می نویسند که اطلاعاتی در زمینه علوم تجربی و پایه دارند.

از سوی دیگر در حوزه ترجمه آثار علمی - تخیلی نباید تنها براساس این عنوان هر اثری را به دست ترجمه و انتشار سپرد. ناشران که اغلب سفارش دهندگان کارهای علمی - تخیلی به مترجمان هستند باید براساس نیاز جامعه و گروه های سنی آثار درخور را انتخاب و برای ترجمه به مترجمان بسپارند.

یادداشت

سیداحمد و کیلیان
مدیر فصلنامه فرهنگ مردم



جای خالی دایرة المعارف نوروز



نوروز یکی از بزرگ ترین جشن های آغاز سال نو در میان ملت های جهان و ماندگارترین جشن باستانی است. نوروز از گذشته تا امروز در متون کهن و آثار جدید مطرح بوده و به آداب و سنن آن پرداخته شده است.

در اوستا، شاهنامه فردوسی و همچنین کتاب های «التفهیم لا وایل صناعت التنجیم» و «آثارالباقیه عن القرون الخالیه» اثر ابوریحان بیرونی و «زین الاخبار» یا «تاریخ گردیزی» از قدیمی ترین کتاب های فارسی درباره تاریخ - از آغاز خلقت تا پایان پادشاهی مودود بن مسعود غزنوی - نوشته ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود گردیزی درباره نوروز سخن به میان آمده است.

بعدها می بینیم که حتی در جلد چهاردهم از سلسله کتاب های «بحارالانوار» نوشته ملا محمد باقر مجلسی، از روایت های اسلامی درباره نوروز مطالبی آورده شده است.

همچنین در این زمینه آثار متأخرتری چون «آداب و رسوم نوروزی در شهرهای خراسان، اصفهان، کاشان...» اثر بهرام فره وشی، «نوروز جمشید: پژوهشی نوین از پیدایی نوروز» نوشته جواد پرومند سعید، «نوروز در فارس» اثر ابوالقاسم فقیری و «گاه شماری و جشن های ایران باستان» نوشته هاشم رضی منتشر شده است.

البته چند سال پیش پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور کتابی با عنوان «کتاب شناسی نوروز» را از نادر کریمیان سردشتی و علیرضا عسگری چاپ کرده منتشر کرد. این کتاب به مناسبت همایش بین المللی نوروز تدوین و تالیف شده و راهنمایی است برای محققان و پژوهشگرانی که در حوزه آداب و سنن نوروزی به مطالعه و تحقیق می پردازند.

«کتاب شناسی نوروز» براساس محورهای موضوعی طبقه بندی شده و موضوعات آن ۱۶ عنوان اصلی «نوروزشناسی» (شامل کلیات آداب و سنن و تاریخچه نوروز)، «نوروز جشن آغاز هستی و جنبش طبیعت»، «گاه شماری نوروز»، «نوروز در ایران پیش از اسلام و دوره اسلامی» (بر اساس متون ماخذ دوره اسلامی و پیش از اسلام)، «نوروز، آیین ها و باورهای ملی - مذهبی» (شامل اسطوره ها، افسانه ها، باورهای دیرینه مردم نسبت به نوروز و نوروز از دیدگاه مذهبی در ادیان زرتشتی، اسلام و...)، «نوروز در سرزمین ایران»، «جشن فرودگان، خمسه مسترقه، گهنبار ششم (همسپندم، سالگرد آفرینش انسان) و چهارشنبه سوری»، «میر نوروزی یا میر بهاری»، «سفره نوروزی، هفت سین و سبزه»، «موسیقی و نواهای نوروزی»، «شعر و ادبیات نوروز»، «سبزه نوروز»، «نوروز در سفرنامه ها»، «مراسم نوروز در دیگر کشورها» (شامل کشورهای عراق، ترکیه، جمهوری های آسیای مرکزی، افغانستان، پاکستان و هند)، «نسخه های خطی درباره نوروز» و «منابع و مقالات خارجی» هستند.

«کتاب شناسی نوروز» به ما نشان داد که شاید بیش از هزار اثر درباره نوروز منتشر شده است. بسیاری از این آثار نسخه های خطی هستند. اما باید به یاد داشت، هرچه به نوروز بپردازیم باز هم کم است. متأسفانه جای خالی دایرة المعارف یا دانشنامه ای درباره نوروز که این جشن باستانی را از جنبه های مختلف بررسی کند در میان این آثار دیده می شود.

با توجه به این که در سازمان ملل نیز جشن نوروز به عنوان یکی از کهن ترین جشن های جهان و کهن ترین گاه شمار باستانی و همچنین به عنوان روز صلح ثبت شده و در سند سازمان ملل آمده است که بیش از ۱۰ کشور در برپایی این جشن باستانی و گاه شمار کهن جهانی سهم هستند، امیدوارم بتوانیم بیش از پیش در عظمت و بیان ویژگی های نوروز و آداب و سنن آن آثاری را ارائه کنیم.